

در نماز جمعه تهران

حزب الله علیه

رفسنجانی شعار داد

هفته گذشته دهها تن از انصار حزب الله به مراسم نماز جمعه دانشگاه تهران حمله کردند و علیه هاشمی رفسنجانی که امامت جمعه را بر عهده داشت، شعار دادند. انصار حزب الله در برابر دیدگان رفسنجانی با شعار «غارتگر بیت المال اعدام باید گردد»، صفوف نماز جمعه را بر هم ریختند و از نمازگزاران خواستند محل نماز جماعت را ترک کنند، پشت سر رفسنجانی نماز نخوانند و به حرفهای او گوش ندهند. چنین تعرضی در جمهوری اسلامی علیه نماز جمعه و رفسنجانی، آن هم توسط کسانی که «ستون انقلاب» خوانده می شوند، بی سابقه بود. شمار حزب الله بنا به گزارش روزنامه همشهری بیش از ۴۰ نفر بود، اما اقدام آنان آن چنان غیرمنتظره بود که خبر آن به سرعت در تهران و سراسر کشور بازتاب یافت. تهاجم حزب الله به رفسنجانی زمانی روی داد که او مشغول سخنرانی بود. رفسنجانی در سخنان خود پیرامون دستگیری شهردار تهران، حاضر نشد با ادامه در صفحه ۴

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت):

احزاب سیاسی در ایران باید آزاد شوند!

نامه سرگشاده شورای مرکزی سازمان به آقای محمد خاتمی، رئیس جمهور

برای برچیدن موانع فعالیت آزادانه احزاب اقدام کنید

پیام شورای مرکزی سازمان به مردم ایران

مردم، از آزادی فعالیت احزاب سیاسی در ایران حمایت کنید!

در صفحه ۲

دفتر تحکیم وحدت: آقای رئیس جمهور به «دیپلماسی

پنهان» پایان دهد و با مردم سخن گوید!

● دفتر تحکیم وحدت به مناسبت دو خرداد همایش بزرگی در دفاع از خاتمی برگزار خواهد کرد

دفتر تحکیم وحدت به دنبال لغو تظاهرات روز سه شنبه ۲۵ فروردین، در یک نشست مطبوعاتی، سیاست دولت را مورد انتقاد قرار داد و از خاتمی خواست دیپلماسی پنهان را کنار بگذارد و مسایل را با مردم

گفتگو کنند و تا حدی که امنیت ملی کشور به خطر نمی افتد، از دیپلماسی پنهان پرهیز کنند. عضو شورای مرکزی تحکیم وحدت ضمن برشمردن اهداف جناح راست، القای این مطلب که پیش و پس از انتخابات دوم خرداد در شرایط عمومی جامعه تغییری حاصل نشده است، ایجاد فضایی که آقای خاتمی نتواند

میان بگذارد. سعیدی، یکی از اعضای شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت در این مورد گفت: «ما از ریاست محترم جمهوری انتظار داریم در خصوص مسایل سیاسی اخیر به طور واضح و روشن با مردم



ویژه اول ماه مه

اطلاعیه شورای مرکزی فدائیان خلق ایران (اکثریت) به مناسبت اول ماه مه

جنبش کارگری و سرمایه داری کهنه نو ارا به ضد بشری

رفیق بهزاد کریمی سخن گوی شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت):

مردم پیش می روند، روند حرکت بازگشت ناپذیر است

موجب آن شد که شورا و ارگان منتخب آن هیئت سیاسی اجرای وقت و انرژی خود را به امر سازماندهی اختصاص دهد. به دیگر سخن فعالیت ما در چهار ماه گذشته، پیش از آنکه بیشتر متوجه خود امر سیاست گذاری باشد، تدارک سازمانی برای فعالیت سیاسی بیشتر بوده است. معذرا، آنچه که گفتیم به معنی غفلت ما از فعالیت سیاسی جاری نبوده است. صرف نظر از فعالیت روزمره ارگان های مرکزی سازمان، سرانجام در آخرین نشست هیئت سیاسی - اجرایی شورای مرکزی، تصمیم کنگره معطوف به فعالیت ویژه برای تامین آزادی احزاب سیاسی در کشور، با تنظیم و تصویب دو نامه خطاب به مردم و آقای خاتمی رئیس جمهور جامعه عمل به خود پوشید.

بعلاوه هیئت سیاسی - اجرایی در کار تدارک تنظیم قطعنامه سیاسی برای ارائه به نشست آتی شورای مرکزی است. در این قطعنامه، با توجه به جهت گیری سیاسی کنگره پنجم سازمان، در قبال روندهای مشخص سیاسی در کشور نیز جناح های حکومتی موضع مشخص شورای مرکزی سازمان تعیین و آرایه خواهد شد. همچنین، پیشنهادهای سیاسی و مطالبات سیاسی معین در این قطعنامه مطرح خواهد گردید. س: شما به عنوان سخن گوی شورای مرکزی، نظراتان درباره ادامه در صفحه ۱۱

رفیق بهزاد کریمی در آخرین اجلاس شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به عنوان سخن گوی شورای مرکزی سازمان انتخاب شد. در زیر متن مصاحبه کار را با رفیق کریمی پیرامون تحولات سیاسی کشور و فعالیت های شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) می خوانید.

سوال: رفیق کریمی، از کنگره پنجم سازمان چهار ماه گذشته است، در این مدت ارگان های رهبری سازمان چه فعالیت هایی داشته اند؟
در چهار ماه گذشته عمده وقت شورا و هیئت سیاسی - اجرایی صرف امور سازمان شده است. در واقع اراده کنگره بر آن بود که سازمان باید در شرایط سیاسی حساس کنونی فعالیت سیاسی - سازمانی گسترده تر و چندجانبه تری را سامان دهد. لازم است این امر هم ایجاد ارگان های تازه و در نتیجه تقسیم کار جدید و وسیع بین اعضای شورا و کادرهای سازمان بود. بعلاوه روی این نکته تاکید بود که کمیسیون دایری در زمینه امور سیاسی تشکیل شود تا سطح فعالیت سیاسی را بالا ببرد و تحرک سیاسی سازمان را افزایش دهد. این همه، با توجه به تنوع سلیقه ها و تفاوت نظرهای سیاسی موجود در سازمان، شورا، هیئت سیاسی - اجرایی،

مصاحبه با رفیق مهدی فتاوی
عضو شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
اتخاذ سیاست بر اساس تقسیم بندی نیروها به سهیم و غیر سهیم در قدرت نادرست است
صفحه ۸

خاتمی: از حقوق مخالفین دفاع خواهیم کرد

خاتمی با اشاره به روحیه قانون گریزی، آن را ناشی از تحمیلی بودن قانون های قبلی و منافات آن ها با منافع مردم دانست و در تحلیل انتخابات گفت: این حادثه مشخص کرد که یک سلیقه عین اسلام و انقلاب نیست و انقلاب اسلامی و رهبری فراتر از سلیقه ها و گرایشات مختلف است. خاتمی جوامع یک صدایی را مذموم شمرد و افزود: ممکن است بتوان برای مدتی همه صداها را خاموش کرد، اما بالاخره این صداها خاموش شده به سرعت انفجاری بروز خواهند کرد. در جامعه ما صداها مختلفی هست و همه این صداها هم رسمی و محترم

آقای خاتمی، رئیس جمهور در سفر خود به استان بلوچستان گفت مخالفان نظام در ایران حق حیات دارند. او که در شورای اداری استان صحبت می کرد، گفت: امروز جوی به وجود آمده است که باید قانون شکن ترین جریانات و افراد نیز شعار قانون گرایسی بدهند و این دستور کمی نیست. من از این روی کرد به قانون استقبال میکنم. خاتمی افزود: شعار قانون گرایسی جدی است و جامعه باید اطمینان داشته باشد که نه فقط در قوه مجریه، بلکه در قوه قضاییه و قوه مقننه و ادارات و مطبوعات و در همه جا، قانون مبناست.

مجلس تصویب کرد:

دفاع از حقوق زنان ممنوع شد

دیده، به مجلس داده است. طبق این طرح «استفاده ابزاری از زن در تصاویر و محتوای تحقیر و توهین به جنس زن، ترغیب به تشریفات و تجملات، ایجاد تضاد بین زن و مرد از طریق دفاع خارج از موازین شرعی و قانونی» زیر سوال بردن نهودی پرداخت

مجلس شورای اسلامی در روز ۲۴ فروردین کلیات طرح الحاقی یک بند به ماده ۶ قانون مطبوعات را به تصویب رسانید. طبق این بند از این پس طرح کردن نابرابری حقوق زن و مرد، مغایر با قانون مطبوعات شناخته می شود. منیره نویخت نماینده

مجلس شورای اسلامی در روز ۲۴ فروردین کلیات طرح الحاقی یک بند به ماده ۶ قانون مطبوعات را به تصویب رسانید. طبق این بند از این پس طرح کردن نابرابری حقوق زن و مرد، مغایر با قانون مطبوعات شناخته می شود. منیره نویخت نماینده

یادداشت

«سردار سازندگی»
از آب گل آلود ماهی می‌گیرد

از جمله مشخصات یورش‌های اخیر جناح راست رژیم برای دفاع از موقعیت انحصاری خود در قدرت، به فراموشی سپردن برخی مصلحت‌های کل نظام جمهوری اسلامی است. برخی از چهره‌های جناح طرفدار خاتمی در حکومت، در ماجرای اخیر بازداشت کرباسچی شهردار تهران، به جناح راست هشدار دادند که منافع کل رژیم را فراموش نکنند و از تشنج‌فزایی در مناسبات جناح‌های حکومت دست بردارند.

اما این اندرزاها ظاهر بر افراسطی‌ترین شکست‌خوردگان دوم خرداد ۷۶ کارگر نیفتاده است. اینان که هنوز دخالت رفسنجانی در جلوگیری از تقلب در دوم خرداد را فراموش نکرده‌اند، در جریان بازداشت کرباسچی نیز شکست خود را ناشی از زد و بند‌های پشت پرده رفسنجانی می‌دانند. گروهی از همان‌ها، هنگامی که رفسنجانی در نماز جمعه ۲۷ فروردین، تلویحاً به دفاع از کرباسچی پرداخت، کوشیدند سخنان او را قطع کنند و شعار «غارتگر بیت‌المال اعدام باید گردد» سر دادند. این شعار، در ظاهر علیه کرباسچی بود اما می‌توانست علیه رفسنجانی و خانواده او نیز که به ویژه در طول هشت سال ریاست جمهوری رفسنجانی از خوان نعمت سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی بهره فراوان برده‌اند، تلقی گردد.

حمله به رفسنجانی، فوراً نزد دلسوزان به حال «کل نظام» زنگ خطر را به صدا درآورد. علی‌اکبر حسینی و مرتضی نبوی از رهبران فراکسیون راست در مجلس، بلافاصله اعلام کردند با حملات به رفسنجانی مخالفتند و او را از «ارکان نظام» نامیدند.

رفسنجانی کسی است که بیش از هر کس دیگری در جمهوری اسلامی، نام او با حیات و ممات این رژیم گره خورده است. از رهبران طراز اول رژیم، رفسنجانی شاید تنها کسی است که همواره بدون استثنا مورد حمایت خمینی بود و خمینی در هیچ موردی حرفی خلاف سخنان رفسنجانی نزد، در حالی که مثلاً یک بار در حاشیه بحث پیرامون اختیارات ولایت فقیه، خامنه‌ای را که می‌خواست نامحدود بودن این اختیارات را زیر سؤال برد، نادان نامید. رفسنجانی، پیش از هر کس دیگری تبلور تداوم در جمهوری اسلامی است. اگر او زیر سؤال برود، کل نظام زیر سؤال خواهد رفت. در عین حال، رفسنجانی به ویژه به خاطر کارنامه سیاه دولتش در طول هشت سال، در بین مردم منفور است. اگر «خودی‌ها» هم حرمت رفسنجانی را بشکنند، دیگر سنگ روی سنگ بند نخواهد شد. از شعار دادن علیه رفسنجانی در نماز جمعه تا شعار دادن علیه خامنه‌ای در حضور خود او، راه درازی نیست.

حملات اخیر، نشانگر خارج شدن بخشی از جناح راست از کنترل است، اما آنان اکنون به عقب‌روی می‌مانند که به محاصره آتش درآمده و بر خود نیش می‌زنند. حملات آنان به رفسنجانی، خود آنان را منزوی و بی‌اعتبارتر کرد. رفسنجانی از این حملات هوشیارانه به نفع خویش بهره گرفت. نه تنها کارگزاران فرصتی یافتند تا بار دیگر مقام او را به مثابه ناجی نظام به رخ کشند و او را حیثیت و آبرو و آینده رژیم وانمود سازند، بلکه رئیس‌جمهور را نیز به حمایت از او به سخن درآوردند و مهم‌تر از آن مخالفین راست او در وصف محسنات و خیرات و اعجاز‌هایش برای نظام داستان‌ها ساختند. رفسنجانی هوشیارانه از همه این موقعیت‌ها برای عروج بیشتر خود بهره گرفته است. عروجی که هیچ‌گاه به سود مردم نبوده است.

نامه سرگشاده شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به آقای محمد خاتمی، رئیس‌جمهور

آقای رئیس‌جمهور، برای برچیدن موانع فعالیت آزادانه احزاب اقدام کنید!

آن، بیرحمانه‌ترین اقدام بدترند. این نیرو، نیروی مهیب و قدرتمندی است، اما نیرویی قدرتمندتر از آن وجود دارد و آن نیروی مردم است اگر درست به‌کار گرفته شود. نیرویی که در دوم خرداد تنها گوشه‌هایی از قدرت آن را در آفرینش نامسکن‌ها دیدیم. از آن روز تا به امروز نیز این نیرو بر خواست آزادی پای فشاری کرده است، با استبداد و دسته‌های چماق‌دار جنگیده است، در دانشگاه‌ها و کارخانه‌ها آزادی را فریاد کرده است. این نیرو، نیروی توده زنان و جوانان است که به حرکت درآمده و نشان داده که از پای نخواهد نشست تا آن چه را که می‌خواهد به دست آورد.

آقای رئیس‌جمهور!
شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، آرزو دارد که حرف و وعده‌های شما در استانه انتخابات دوم خرداد ماه به عمل درآید و دولت شما در جهت برآوردن خواست فوری و تأخیر ناپذیر جامعه ما و بر چیدن موانع فعالیت آزادانه احزاب سیاسی در ایران اقدامات عاجلی انجام دهد.

ما فدائیان خلق ایران (اکثریت) که اکنون بیست و هفتمین سال تأسیس خود را نیز پشت سر گذاشته‌ایم، مصرانه خواهان آن هستیم که حقوق دموکراتیک ما و دیگر نیروهای سیاسی ایران رعایت گردد و حق فعالیت آزادانه و علنی ما در کشورمان ایران تأمین شود.

ما همواره اهداف و برنامه‌های خود را به روشنی و بدون هیچ‌گونه پرده‌پوشی و از جمله در پنجمین کنگره سازمان خود که اخیراً برگزار شد، تصریح کرده‌ایم. ما به عنوان سازمانی که هدف نهایی خود را برافکندن ستم‌های طبقاتی، جنسی، ملی و هر نوع دیگری از ستم قرار داده‌ایم، برای برقراری دموکراسی و عدالت اجتماعی در کشور می‌کوشیم و مهم‌ترین هدف خود را در این دوران برقراری آزادی‌های سیاسی قرار داده‌ایم. اگر چماق و گلوله معیار و تعیین‌کننده حقیقت نباشد، هیچ کس و مطلقاً هیچ کس نمی‌تواند این حقیقت را رد کند که فعالیت آزادانه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در کشور، به سود ایران، به سود مردم ایران و به سود دموکراسی در ایران است.

فعالیت مسالمت‌آمیز سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، بدون هیچ‌گونه دلیل و توضیح و حتی حکم قانونی مورد شدیدترین سرکوب‌ها قرار داشته و طی سال‌های حکومت جمهوری اسلامی، صدها نفر از اعضا و کادرهای آن بدون محاکمه و یا در بیدادگاه‌ها به اعدام محکوم شده‌اند، تیرباران شده و یا به چوبه‌های دار آویخته شده‌اند، در گوشه زندان‌ها به بند کشیده شده و یا آواره دیار غربت شده‌اند. این سرنوشت، نه تنها سرنوشت ما، که سرنوشت مشترک همه احزاب و سازمان‌های سیاسی غیر حکومتی و به ویژه غیر مذهبی در این سال‌ها بوده است. فدائیان خلق ایران از شما می‌خواهند برای نقطه پایان گذاشتن بر این سیاست‌ها، بر خواست آزادی‌خواهانه میلیون‌ها ایرانی و نیروی توانمند آنان تکیه کرده و در راه از بین بردن موانع فعالیت آزادانه ما و دیگر سازمان‌های سیاسی اقدام نمایند.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
فروردین ماه ۱۳۷۶

پیام شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به مردم ایران

مردم، از آزادی فعالیت احزاب سیاسی حمایت کنید!

کس که کوچک‌ترین آشنایی با تاریخ مبارزات فدائیان خلق و اهداف و برنامه‌های آنان داشته باشد، می‌داند که تنها دشمنان آزادی، دشمنان مردم ایران، از سرکوب فدائیان خلق، دستگیری و شکنجه و آزار آنان و تبعید آنان سود برده‌اند و سود می‌برند. برنامه سیاسی و اهدافی که ما پیش روی خود گذاشته‌ایم و برای آن مبارزه می‌کنیم، از خواست‌های مردم ما و به ویژه زحمات کسان کشور سرچشمه می‌گیرد. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) خواهان سربلندی ایران و رفاه و نیک‌بختی مردم است. یک سازمان چپ سوسیالیستی است که هدف و آرمان خود را پایان دادن به ظلم و ستم طبقاتی و ایجاد جامعه‌ای برابر، دموکرات و عادلانه قرار داده است. ما برای جامعه‌ای مبارزه می‌کنیم که در آن فقر و ناداری ریشه کن شده باشد، دموکراسی در همه عرصه‌های فعالیت اجتماعی برقرار شده و مردم به معنای واقعی کلمه حاکم بر سرنوشت خود باشند. در برابر همه کسانی که این اهداف انسانی را نفی می‌کنند و آنها را ناشدنی می‌دانند، ما فدائیان خلق با صدای رسا اعلام می‌کنیم که این اهداف را قابل تحقق می‌دانیم و عمیقاً اعتقاد داریم با کار و تلاش و پیکار مشترک همه نیروهای آزادی‌خواه، دموکرات و عدالت‌جسو آزادی و عدالت در کشور ما و در سراسر جهان تحقق خواهد یافت. ما در پاسخ به همه کسانی که می‌پندارند زندگی بشر تا ابد در ظلم و ستم سپری خواهد شد، اعلام کرده‌ایم و باز هم اعلام می‌کنیم که ما سوسیالیست‌ها فقر و ظلم و ستم را سرنوشت همیشگی بشر نمی‌دانیم و کمر به تغییر آن بسته‌ایم.

برنامه ما برای امروز ایران، برقراری دموکراسی و عدالت اجتماعی است و هدف ما این است که از همین امروز زندگی بهتری برای همه مردم تأمین شود. به همین جهت ما با این حکومت و هر حکومتی که رای و اراده مردم را نادیده بگیرد، مخالفت و برای استقرار یک حکومت دموکراتیک در شکل جمهوری در کشور مبارزه می‌کنیم. حکومتی که همه نهاد‌های آن منتخوب مردم و پاسخ‌گو به مردم هستند.

سازمان ما همان‌گونه که در کنگره اخیر خود تصویب کرد، در شرایط کنونی بزرگ‌ترین مانع پیشرفت کشور و مردم ایران را حاکمیت ولایت فقیه می‌شناسد و برای کوتاه کردن دست آن از قدرت مبارزه می‌کند.

ما فدائیان خلق می‌گوییم که نیروی اصلی هر تغییری در جامعه ما توده‌های مردم هستند و تلاش ما این است که نیروی هر چه بیشتری از مردم در جهت این خواسته‌ها به کار افتند و از همین رو نیز فعالیت آزادانه احزاب سیاسی را مصرأ می‌خواهیم.

تلاش‌های ما فدائیان ایران بخشی از پیگیری است که ده‌ها سال است در این مرز و بوم جاری است. یاران ما اگر که اینک نمی‌توانند به نام خود سخن بگویند اما در میان توده مردم، در کنار زنان، جوانان و کارگران ایران برای این خواسته‌ها که خواست‌هایی انسانی هستند، مبارزه می‌کنند. آن‌ها می‌خواهند برای تحقق این خواسته‌ها به نام خود سخن بگویند و به «جرم» فدایی بودن روانه شکنجه‌گاه‌ها و میدان‌های اعدام نشوند و یا مجبور به ترک وطن نگردند.

هم‌وطن!
فدائیان خلق ایران همیشه این را خواسته‌اند و امروز نیز به ویژه در این دورانی که کشور ما روزهای بسیار حساس و سرنوشت‌سازی را می‌گذراند، با عزمی باز هم بیشتر می‌خواهند که بتوانند با همه توان خود در کنار مردم ایران باشند و به تحقق همان خواسته‌های کمک‌کننده که همه ایرانیان برای آن‌ها به پا خاسته‌اند، از این خواسته‌ها پشتیبانی کنند. از حکومت بخواهید که به سرکوب احزاب سیاسی پایان دهد و تأمین شرایط فعالیت آزادانه احزاب سیاسی را جزو خواسته‌های خود قرار دهد. با کمک به آزادی احزاب سیاسی به ره‌های کشور از چنگال شوم استبداد یاری رسانید. آزادی ما آزادی همگان است!

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) - فروردین ماه ۱۳۷۶

آقای رئیس‌جمهور!
شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، به نام پنجمین کنگره سازمان، از شما می‌خواهد که از مقام خود و اعتباری که از مردم گرفته‌اید، برای برچیدن موانع فعالیت آزادانه و علنی احزاب سیاسی و از جمله فدائیان خلق ایران (اکثریت) استفاده کنید و آزادی احزاب سیاسی را در کشور تأمین نمایید!

آقای رئیس‌جمهور!
خواست ۲۰ میلیون مردمی که در دوم خرداد شما را به ریاست جمهوری برگزیدند و نیز میلیون‌ها ایرانی که به دلیل غیر دموکراتیک بودن انتخابات، در آن شرکت نکردند، تغییر در سیاست‌های حاکم، در جهت برچیدن استبداد و استقرار آزادی‌های سیاسی در کشور بوده است. از دوم خرداد تا به امروز این خواست در هر اجتماع مردم و به زبان‌های گوناگون تکرار شده است اما رقبای شما با همه قوا در برابر این خواست ایستاده‌اند و دولت شما نیز هنوز متأسفانه گامی اساسی در جهت آن برداشته است. همه مردم ایران، همه اقلیت‌ها و طبقات کشور این آزادی‌ها را طلب می‌کنند. جز گروهی اندک و مطرود که در مقابل این خواسته مردم ایران ایستاده‌اند و می‌کوشند پایه‌های لرزان استبداد را حفظ کنند، تمامی ایران، یک صدا، استقرار آزادی‌های سیاسی را طلب می‌کند!

آقای رئیس‌جمهور!
به اعتقاد ما، آزادی احزاب سیاسی، مهم‌ترین و اساسی‌ترین مشخصه برقراری آزادی‌های سیاسی در کشور است. بدون وجود احزاب آزاد، اگر نیز سخنی از آزادی و دموکراسی و جامعه مدنی گفته شود، قطعاً به عمل فرا نخواهد روید. متأسفانه نه ماه پس از آغاز ریاست جمهوری شما، هنوز نشانه روشنی در جهت تغییر روش و رفتار حکومت با اپوزیسیون خود به چشم نمی‌خورد. بحث و گفتگو و اقدامات عملی در زمینه ایجاد و تشکیل احزاب تنها در چارچوب احزاب و سازمان‌های شریک در قدرت باقی مانده است. اگر وضع به همین گونه بماند، مردم آن را به مثابه آزادی‌های سیاسی جدی نخواهند گرفت و برنده آن جز نیروهای انحصارطلب و سرکوب‌گر نخواهند بود.

گام گذاشتن در جهت جامعه مدنی و استقرار دموکراسی و آزادی‌های سیاسی، بدون فراهم آوردن زمینه واقعی برای فعالیت آزادانه احزاب سیاسی با اعتقادات و گرایش‌های مختلف امکان‌ناپذیر است. این احزاب در ایران وجود دارند. بی‌اعتنایی به این احزاب و بدتر از آن سرکوب آنان، آن گونه که در سال‌های گذشته رسم بوده است، باعث آن خواهد شد که این احزاب در ایران از میان بروند، چنان‌که در سال‌های سرکوب و اختناق نیز هرگز از میان نرفته‌اند.

آقای رئیس‌جمهور!
اگر این حقیقت پذیرفته شود که آزادی احزاب تنها به معنای آزادی احزاب طرف‌دار حکومت نیست، آن‌گاه غلبه بر نیروهایی که در کمین جبران شکست دوم خرداد نشسته‌اند، ناممکن نخواهد بود. ما به دشواری‌های عظیمی که در هر گام به سوی دموکراسی و آزادی وجود دارد به خوبی آگاهییم و نیک می‌دانیم چه نیروهای اهریمنی و مهیبی مترصدند تا هر آن کس را که سخن از آزادی می‌گوید، چه از در درون حکومت باشد و چه در بیرون

کارگران، دانشجویان، روشنفکران، زنان و جوانان هم‌وطن!
شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، در شرایط خطیری که در کشور برقرار است، پیش از پیش و مصرانه خواهان آن است که نیروی فدائیان خلق ایران در مبارزه دشوار مردم برای پس نشاندن استبداد و برقراری آزادی‌های سیاسی، تماماً در خدمت جنبش مردم قرار گیرد و به سهم خود به پیروزی مردم بر استبداد کمک کند. اما با تأسف بسیار، فدائیان خلق، امروز نمی‌توانند همه نیروی خود را در خدمت این وظیفه و این پیکار بزرگ قرار دهند. حکومت اسلامی با ممنوع کردن فعالیت ما که مسالمت‌آمیز بوده است، با سرکوب بی‌امان فدائیان خلق، با دستگیری و شکنجه و اعدام یاران ما، ما را که برادران و خواهران شما هستیم، از حق خود برای فعالیت آزادانه در کشور محروم ساخته است. سرکوب و ممنوعیت سازمان ما بیش از ۱۵ سال است که ادامه دارد، اما اکنون با عزم و اراده‌ای که شما مردم نشان داده‌اید، فصلی تازه در تاریخ ایران ما گشوده، این امید دوباره در دل‌ها زنده شده که احزاب و سازمان‌های سیاسی بتوانند فعالیت‌های آزادانه خود را از سر بگیرند. این انتظاری است که به حق از دولت و رئیس‌جمهور دارید، این قولی است که او به مردم داده است.

شورای مرکزی سازمان ما در نامه سرگشاده‌ای به رئیس‌جمهور، از او خواسته است که برای از میان برداشتن موانع فعالیت آزادانه احزاب سیاسی و از جمله سازمان ما در کشور اقدام کند و در جهت تحقق این خواست گام بردارد. اما ما به خوبی می‌دانیم که نیروهای قدرتمندی در حکومت با هر خواسته آزادی‌خواهانه مردم مخالفت می‌کنند. از این رو شورای مرکزی سازمان ما، شما مردم ایران را خطاب قرار می‌دهد و از شما می‌خواهد که به حمایت فعالانه‌تری از احزاب سیاسی برخیزید و خواهان آزادی فعالیت این احزاب شوید. این آزادی نیاز مبرم کشور و یگانگانه راه حل مسالمت‌آمیز مسایل جامعه ماست. بدون آزادی احزاب سیاسی، بحران سیاسی باز هم عمیق‌تر و مصائب ناشی از تشدید خشونت، دامن‌گیر همه خواهد شد.

مردم!
سران حکومت سال‌ها به مردم گفتند که وجود احزاب سیاسی برای سلامت جامعه ضرر دارد و باعث نفاق و چند دستگی می‌شود، اما اکنون آزادی احزاب آن قدر در کشور ما طرف‌دار پیدا کرده و مورد پذیرش همگانی قرار گرفته است که دیگر نمی‌شود آن را نادیده گرفت. امروز سران قدرت‌مند رژیم می‌خواهند به این نیاز جامعه ما با تشکیل احزاب حکومتی پاسخ دهند، اما این پاسخ به خواست مردم، روشنفکران و نیازهای جامعه امروزی ما نیست. همه جناح‌های رژیم از تشکیل و تأسیس احزاب تازه سخن می‌گویند و به روی خود نمی‌آورند که در ایران حزب‌هایی با سابقه چندین دهه فعالیت وجود دارند که اگر امروز نمی‌توانند در کشور خویش و در میان مردم خود آزادانه فعالیت داشته باشند، فقط به این دلیل است که حکومت آن‌ها را بی‌رحمانه سرکوب کرده است، کادرها و هواداران را شکنجه و اعدام کرده است و آنان را به زور به تبعید و مهاجرت رانده است.

آزادی احزاب در ایران را نمی‌توان با نفی و نادیده گرفتن و سرکوب این احزاب، یعنی احزاب سیاسی موجود و واقعی در کشور تأمین کرد. آزادی فعالیت احزاب سیاسی، باید به معنای آزادی فعالیت احزاب مخالف حکومت نیز باشد. این حق را سال‌هاست به زور از مردم ایران گرفته‌اند و اکنون زمان آن است که متحداً در راه باز پس گرفتن آن گام بردارید.

فدائیان خلق چه می‌گویند و چه می‌خواهند؟

جنبش ما بیست و هفت سال پیش در بهمن ماه سال ۱۳۴۹ به وجود آمد و تنها در دوران اولیه انقلاب توانست از آزادی اندکی برخوردار باشد. به جز این دوران کوتاه، در تمام مدت این بیست و هفت سال چه در دوران حکومت شاه و چه در دوران حکومت اسلامی، سازمان ما را سرکوب کرده‌اند و مانع فعالیت علنی و آزادانه آن در کشور بوده‌اند. هر

رفیق شمس‌سعدی عزیز!

در غم سنگین از دست دادن مادر، خود را شریک می‌دانیم و به شما و رفیق مجید صمیمانه تسلیت می‌گوییم

کارکنان «کار»

جوانان‌بندها
رامی‌گسلند!

رهنمودهای خامنه‌ای به مبلغین خویش که جوانان را هدف تبلیغات خود قرار دهند و بکوشند انسان را در چارچوبی که وی می‌خواهد بند کنند، بازتاب نگرانی‌های عمیقی است که او مدت‌هاست به آن دچار شده است. وی خود خوب می‌داند که چنگ بر سر جذب جوانان به افکار پوسیده و ارتجاعی خویش را باخته است. امروز در ایران تنها بخش معدودی از جوانان از جنبه‌های منفی خامنه‌ای نمی‌اندیشند و عمل می‌کنند که خامنه‌ای نمی‌خواهد. فعالیت‌های سیاسی هزاران جوان و دانشجوی جدایی روز افزون آن‌ها از جناح خامنه‌ای در روزهای اخیر با شفافیت و روشنی به نمایش درآمده است. جوانان نیروی اصلی و مسهله‌ناپذیری هستند که خامنه‌ای و آن چه را که او پاسدار آن است، به چالش طلبیده‌اند. خامنه‌ای درست فهمیده است که جوانان در ایران امروز نقش تعیین کننده‌ای دارند. او بر نقش جوانان در شکست سنگینی که در دوم خرداد به او وارد آمد، واقف است و می‌داند که این جوانان و زنان بودند که در بی‌اعتبار کردن کاندیدای او از همه پیشی گرفتند. او نیز قطعاً شاهد نمایش عظیم جوانان ایرانی در روز هشتم آذر ماه که به دنبال پیروزی تیم ملی فوتبال ایران به خیابان‌ها ریختند و مسیحاها و ارزش‌های او را به هیچ گرفتند، بوده است. خامنه‌ای از استعداد جوانان برای جلب افکار پیشرو، نو، دموکراتیک و آزادی‌خواهانه نیز آگاهی دارد و نیشانه‌های آن را در خروش دانشگاه‌ها علیه خویش می‌بیند.

اما او برای مقابله با این واقعات ابزار چندانی در اختیار ندارد و آن چه نیز که در اختیار دارد، پوسیده و ناکارآمد است. در حالی که جوانان تشنه دانستن حقایق و دخالت در مسایل سیاسی هستند، او مبلغین خود را از طرح مسائلی که در دست همان مسایل مورد توجه جوانان است، نهی می‌کند و می‌خواهد جوانان بفرح و برانرژی امروز ایران را با احادیث و خرافات سرگرم نگاه دارد! کساری که او و دیگر همدانشان نوزده سال است کرده‌اند و نتیجه‌اش همین است که امروز در برابر او قرار دارد. خامنه‌ای نمی‌خواهد سیاست‌های خود و رژیم خود را در نگرانی که در جوانان برانگیخته است، بپذیرد. او سر در فرغ برده و مقرر را «خارج» و تبلیغات بیرون مرزی می‌داند، اما این جوانان در درون همسان مندارس و جامعه‌ای پرورش یافته‌اند که رژیم او همه امکانات عظیم تبلیغی آن‌ها را در اختیار داشته است و با استفاده از این امکانات همه کار کرده است تا جوانان را در چارچوب قید و بندهایی که خود می‌خواهد بار آورد و جوانان امروز علیه همین قید و بندها شوریده‌اند. او هر چند همه واقفیت‌ها را دگرگونه نمی‌سازد، اما یک واقفیت را درست فهمیده است. آن که بتواند جوانان را به سوی خود و برنامه‌های خود جلب کند، برگ برنده را در اختیار خواهد گرفت.

روزنامه جامعه:
امکان دارد جریان راست

از آینده سیاسی ایران به کلی حذف شود

روزنامه جامعه که در تهران منتشر می‌شود، در یادداشتی در شماره ۲۵ فروردین ماه خود، پیش‌بینی کرد که جناح «تندر» در آستانه خودکشی سیاسی قرار دارد و اگر افراد «عصبی» خود را مهار نکنند، امکان دارد از آینده سیاسی ایران به کلی حذف شود.

این روزنامه با اشاره به مداراهای خاتمی در برابر جناح مخالف نوشت:

«در حالی که بسیاری از مردم خواهان تحولی اساسی در ترکیب کابینه و حتی حضور زنان در هیات دولت بودند، آقای خاتمی با رعایت برخی از حساسیت‌های جناح مقابل از این کار خودداری کرده.»

جامعه با بررسی سیاست‌های

جناح راست در ماه‌های گذشته نوشت: «جناح تندرو پس از آن که از شوک اولیه ناشی از شکست به خود آمد، راه عدم همکاری با دولت و کارشکنی را در پیش گرفت. به گونه‌ای که می‌توان گفت تقریباً به طور مداوم مشغول بحران آفرینی بوده است. بحران‌هایی همچون تشنج در قم، احضار مکرر وزیر کشور به مجلس، تبلیغات منفی صدا و سیما به ویژه پس از مصاحبه آقای خاتمی با سی.ان.ان و... و سرانجام بحران اخیر...»

جامعه نوشت: «برای مردم آغاز به کار مقتدرانه دولت مهم‌تر از بحران فعلی است. مردم با امید به دوره پس از بحران

می‌اندیشند، دوره‌ای که دیگر خاتمی عذری برای احتیاط کاری و تحمل ترک‌تازی‌های مخالفان نخواهد داشت، هر چند فرصت چند ماهه اخیر از بعضی جهات از دست رفته است ولی هنوز تا پایان دوره دوم ریاست جمهوری خاتمی فرصت هست.»

جامعه در پایان نتیجه‌گیری کرد:

«اما جناح تندرو بر خلاف تصورات خود، اکنون در آستانه یک خودکشی سیاسی قرار دارد و اگر عناصر دوران‌دیش و آگاه‌تر این جناح نتوانند ابتکار عمل را از دست افراد «عصبی» این گروه بگیرند، این احتمالی وجود دارد که این جریان از آینده سیاسی ایران به کلی حذف شود.»

یک استاد دانشگاه

علیه مسئولان

آموزشی اعلام جرم کرد

دکتر محمد ملکی استاد دانشگاه‌های ایران به خاطر کشته شدن جمعی از دانشجویان نسخه ریاضی‌کشور، علیه وزیر فرهنگ و آموزش عالی، رئیس دانشگاه صنعتی شریف و رئیس دانشکده ریاضی این دانشگاه اعلام جرم کرد. وی مسئولین را به اهمال متهم ساخت و نوشت: من به عنوان یک دانشگاهی، یک پدر و یک ایرانی مسلمان، اظهار تأسف مقام‌های عالی کشور را کافی نمی‌دانم و علیه کلیه مسئولان این واقعه که با بی‌توجهی و اهمال‌کاری خود، موجب کشته و مجروح شدن این عزیزان شده‌اند، اعلام جرم می‌کنم و از مقام‌های مسئول و شخص رئیس جمهوری می‌خواهم موضوع را جدا پیگیری نمایند.»

این استاد دانشگاه در گفتگویی با رادیو بی.بی.سی، اعلام کرد حاضر است در هر دادگاهی حاضر شود و ثابت کند که در حادثه کشته شدن دانشجویان، اهمال شده است.

در روز ۲۶ اسفند ماه گذشته (۱۷ مارس)، ۷ دانشجوی نسخه ریاضی دانشگاه صنعتی شریف به هنگام بازگشت از یک کنفرانس ریاضی در اهواز بر اثر سانحه رانندگی جان باختند و گروه دیگری از دانشجویان مجروح شدند. به دنبال انتشار خبر این فاجعه، آن هم درست در آستانه عید، این سؤال در ذهن مردم شکل گرفت که چطور مسئولان حکومتی در هر مسافرتی از هوایما و هلی‌کوپتر اختصاصی استفاده می‌کنند، اما برای اعزام دانشجویان نسخه کشور به کنفرانس ریاضی، آنان را با اتوبوسی از تهران روانه اهواز می‌کنند؟

خامنه‌ای خطاب به مبلغین اسلامی
جوانان را هدف تبلیغات خود قرار دهید!

خامنه‌ای روحانیون را از طرح و بحث در مورد اختلافات رژیم در ماه محرم نهی کرد

علی خامنه‌ای در سخنانی که به بهانه نزدیک شدن ماه محرم در برابر گروهی از روحانیون و ائمه جماعت ایراد کرد، از آنان خواست که جوانان را هدف اصلی تبلیغات خویش قرار دهند و در عین حال آنان را از طرح مسایل مورد اختلاف بین جناح‌های حکومت در منابری که به مناسبت ماه محرم تشکیل می‌شود، اکیداً منع کرد.

خامنه‌ای ضمن برسر مردن اهمیت تبلیغات برای حفظ نظام اسلامی، گفت: منبر دین و تبلیغ، یکی از مهم‌ترین ابزارها و نعمت‌هایی است که خداوند متعال برای تبلیغ دین در اختیار روحانیون قرار داده است و باید

در راه خدا بهترین و پیشترین استفاده از آن به عمل آید. وی گفت: در ایران اسلامی جوانان در اکثریت هستند و دشمنان اسلام با استفاده از روش‌ها و ابزارهای گوناگون سعی دارند دل‌ها و افکار آنان را تسخیر کرده و در جوانان اعمال نفوذ کنند، بنابراین مبلغان اسلامی باید جوانان را مخاطب قرار دهند و متناسب با نیازهای آنان تبلیغ نمایند. هدف تبلیغ باید جوانان باشد. خامنه‌ای افزود: امروزه موج مخرب و مفسده‌انگیزی از خارج برای تأثیرگذاری بر اذهان جوانان مسلمان ایران کار می‌کنند و مبلغ دین باید این موج تخریب‌کننده را به درستی

بشناسد و بداند که کدام خلا را باید پر کند و چه دردی را علاج کند.

خامنه‌ای مبلغین اسلامی را از طرح مسایل مورد اختلاف در حکومت برحذر داشت و این مسایل را مسائلی کوچک و بی‌اهمیت نامید و گفت: امواج تبلیغاتی دشمنان اسلام با شیوه‌های روانشناسانه، خط اختلاف، ایجاد تشنج و درگیری میان آحاد مردم و بزرگ‌نمایی مسایل کوچک را دنبال می‌کنند، در این میان، در منابر عمومی تنها باید دین و اخلاق تبیین شود و به هیچ وجه مسایل مورد اختلاف مطرح و مورد بحث قرار نگردد.

مسابقات چهارجانبه فوتبال در تهران
یک پیروزی و یک شکست برای تیم ملی فوتبال



تیم ملی فوتبال ایران در مسابقات چهار جانبه تهران که با شرکت تیم‌های ملی ایران، مجارستان، مقدونیه و جامائیکا برگزار شد، با یک شکست و یک پیروزی به مقام سوم رسید.

تیم ایران در نخستین مسابقه خود در روز دوشنبه ۳۱ فروردین در استادیوم آزادی تهران با نتیجه دو بر صفر مغلوب تیم ملی مجارستان شد. در این مسابقه تیم ایران چهره موفق‌تری داشت و توپ و بازی بیشتر در اختیار ایران بود. هر دو گل مجارستان بر اثر اشتباه دفاع و تعلق دروازه‌بان ایران به ثمر رسید و ایران را با یک شکست تلخ مواجه کرد. در این مسابقه تیم ملی ایران با ارایش زیر پاها، پیروانی، پساوازه، ناصر محمدخانی، خاک‌پور، منصوریان (مهدوی کیا)، استیلی، دین محمدی، عزیز (اکبر پور)

تیم ملی ایران در دومین مسابقه خود در برابر تیم ملی جامائیکا با نتیجه یک بر صفر به پیروزی رسید. تنها گل این مسابقه را محمد خاک‌پور در دقیقه ۵۵ مسابقه از روی نقطه پنالتی به ثمر رساند. تیم ایران در این مسابقه ترکیب دفاعی خود را دگرگون کرد. از دروازه ایران پرویز برومند به جای عابدزاده که گفته شده صدمه

دیده است، دفاع می‌کرد. محمد خاک‌پور، جواد زرینچه، مهدی پاشا زاده و نادر محمدخانی در خط دفاعی بازی می‌کردند و حمید استیلی، مهرداد میناوند، سیروس دین محمدی و نسیم سعادت‌وی چهار هافبک ما را تشکیل می‌دادند. مهدی مهدوی کیا (محمد رضا منصوریان) و علی لطیفی (علی‌رضا امامی‌فر) مهاجمین ایران در این مسابقه بودند.

دیدار نهبی را دو تیم مجارستان و مقدونیه برگزار کردند که تیم مجارستان در ضربات پنالتی با نتیجه ۴ به ۲ به پیروزی رسید. مقدونیه در اولین مسابقه خود جامائیکا را ۲ بر ۱ شکست داده بود.

در این مسابقات تیم ملی ایران از دو بازیکن پسر ارزش خود علی دایمی و کریم باقری همچنان محروم بود. سربازی تیم آرمینیا بیلفلد آلمان که دایمی و باقری در آن بازی می‌کنند، مانع حضور این بازیکنان در ایران شد. او از دایمی و باقری خواسته است که به او تعهد کتبی بدهند در بازی‌های تدارکاتی ایران شرکت نخواهند کرد و هر دو ملی پوش ایران از سپرده چنین تعهدنامه‌ای خودداری کرده و توسط مربی تیم تنبیه شده‌اند.

با پایان مسابقات تهران، تیم ایران در بسروجرده اردو زد و تمرینات خود را در مجموعه ورزشی این شهر آغاز کرد. برای

این اردو، ۲۸ بازیکن دعوت شدند و قرار است چند بازی جدی در غالب دو تیم، در برابر هم انجام دهند. بعد از پایان این اردو در اواخر اردیبهشت ماه تیم ایران برای چند دیدار تدارکاتی دیگری راهی اروپا خواهد شد.

هم تغییر قاضی القضاات
هم دگرگونی نظام قضایی

قوه قضائیه در جمهوری اسلامی از دیرباز به عنوان ابزار و پوشش حقوقی سرکوب مخالفان عمل کرده است. سازمان‌دهی قوه قضائیه، دادستانی‌ها و دادگاه‌های انقلاب نیز بر این اساس صورت گرفت.

از سوی دیگر به دلیل امکانات حقوقی و اجرایی این قوه، با بالا گرفتن کشمکش‌های جناحی، قوه قضائیه به مثابه یک اهرم مهم مورد توجه قرار گرفت و به کانون جنگ و جدال‌ها تبدیل شد. رئیس قوه قضائیه مستقیماً توسط ولی فقیه انتخاب می‌شود و این قوه از کانون‌ها و اهرم‌های اعمال قدرت ولی فقیه، فقه سنتی و پیروان این جناح در حکومت محسوب می‌شود.

با گسترش شعار قانون‌گرایی که ظاهراً جلوگیری از باندهای فشار حزب‌الله را مد نظر دارد، بر زمینه قوانین موجود، نقش قوه قضائیه به عنوان اهرم اعمال فشار قانونی افزایش یافت. خواست برکناری یزیدی رئیس قوه قضائیه از سوی نیروهای اصلاح‌طلب اسلامی مطرح شد و عمومیت یافت. یزیدی به خاطر عملکرد آشکارا جانبدارانه‌اش در موقیعت ضعیفی قرار گرفت. موضوع وجود شکنجه در دستگاه قضایی و نه هنوز در دستگاه مخوف امنیتی رژیم، زمانی که دامن شهرداران جناح اصلاح‌طلب حکومت را نیز گرفت به نشریات راه یافت و یزیدی در این زمینه مورد سؤال قرار گرفت. شیخ یزیدی در چنان موقیعتی قرار گرفت که پیش از صدور حکم دستگیری کرباسچی، شایعه برکناری وی پخش شد. یزیدی و حامیانش کوشیدند با دستگیری کرباسچی به ضد حمله دست زنند.

تظاهرات دانشجویان و احتمال بروز یک حرکت بزرگ اعتراضی آن‌ها را به عقب‌نشینی واداشت. یزیدی اینک در موقیعت ضعیف‌تری قرار دارد. برکناری او قطعاً گامی به پیش است. برکناری یزیدی نه فقط از جنبه تضعیف اهرم‌های تحت‌اختیار ولایت فقیه بلکه حتی اگر تغییرات در حد تغییرات از فلاحیان به درمی‌نجمف‌آبادی باشد، می‌تواند در راستای تضعیف پایه‌های نظام قضایی جمهوری اسلامی مفید باشد. اما در عرصه قضایی توجه به یک نکته ضروری است و اینکه هرگونه تغییر در این ساختار، مستقیماً با بنیان فکر بینادگرایی اسلامی و شریعت به مثابه پایه حقوقی سیستم قضایی کشور در تلاقی قرار می‌گیرد.

هیچ تغییر جدی در وضعیت زنان، قوانین جزایی کشور، به ویژه در مورد مجازات‌های اسلامی همچون سنگسار و غیره پدید نخواهد آمد مگر آنکه قوانین عرفی و متکی بر حقوق مدنی جایگزین شریعت و احکام اسلامی شود. این امر متضمن پذیرفتن اصل جدایی دین از مبنای قوانین حقوقی و قضایی است هیچ یک از دولتمردان جمهوری اسلامی در چنین موضعی نیستند.

اتفاقی نیست که یک «مهره کلیدی» کابینه خاتمی و آن هم وزیر فرهنگ‌اش زمانی که موضوع دفاع از یک حکم اسلامی مطرح می‌شود چنین کمیتش لنگ می‌شود و به دفاع از حکم سنگسار می‌پردازد.

مهاجرانی در پاسخ به سؤال روزنامه فردا در باره عدم دفاع از حکم اسلامی سنگسار در مصاحبه خود در پاریس گفت: «تردید نیست که همه باید از احکام اسلامی دفاع کنیم... مثلاً در مورد حکم سنگسار آیه قرآن وجود دارد که باید برای سنگسار طایفه‌ای از مؤمنان شهادت بدهند. در این زمینه این بحث وجود دارد که آیا سنگسار در یک میدان باز انجام شود و یا طایفه‌ای از مؤمنان می‌توانند عده‌ای محدود در فضای محدود باشند... ما باید مصلحت کشور را در یک فضای باز تبلیغات جهانی در نظر بگیریم که اگر فیلمی از سنگسار در تلویزیون‌های دنیا نشان داده شد به مصلحت ماست و اگر به مصلحت نیست می‌توانیم همان شهادت طایفه‌ای محدود از مؤمنان را در نظر گرفته و حکم را اجرا کنیم و از آسیب‌های تبلیغاتی آن نیز در امان بمانیم.» (روزنامه رسالت ۱۸ فروردین).

خواست برکناری شیخ محمد یزیدی از قوه قضائیه می‌تواند در عرصه سیاسی در تعادل قوا به نفع «اصلاح‌طلبان» مفید بوده و در خدمت اهداف و امیال مردم قرار گیرد. اما در عرصه قضایی موضوع اصلی و ضرورت روز، تغییر ساختار و مبنای حقوقی آن است نه فقط تغییر قاری یک متن پوسیده و ارتجاعی. آیا قرائت آقای مهاجرانی از آن احکام می‌تواند مورد تأیید هیچ انسان شرافتمند و پیشرو قرار گیرد؟

این خواست که قوانین عرفی متکی بر حقوق مدنی باید جایگزین احکام شریعت شود را نباید اپوزیسیون لائیک و دموکرات یک لحظه بر زمین بگذارد و از آن غفلت کند.

موج را نمی‌توان مهار کرد!

تصویب قانونی در مجلس، که با اضافه کردن بندی به قانون مطبوعات، دفاع از حقوق زنان را ممنوع می‌کند، سد کردن موجی را هدف گرفته است که با نابرابری حقوقی دو جنس به مبارزه برخاسته است. موجی که از نظر اجتماعی، نمونه رفتاری ارائه شده از طرف متحجرین را رد می‌کند. این موج، زن را انسانی می‌نگرد که حق تجربه دارد، می‌اندیشد و خود تصمیم می‌گیرد و الگوی ساخته و پرداخته شرعی از زن، به عنوان همسری با گردن کج در انتظار نطفه شوهر را، به نقد می‌کشد.

این موج، در مبارزه خود، مطبوعات را عرصه مهم بیان خود می‌داند. متحجرین با تصویب این قانون و با تهدید مطبوعات، می‌خواهند این موج را مهار کنند. می‌گویند استفاده از ابزار از زن ممنوع. عجیب که این حرف توسط کسانی گفته می‌شود که خود، زن را تنها یک ابزار جنسی می‌دانند، قانون و مقررات مشروع برای او تعیین می‌کنند، مرز رفتاری برای او می‌گذارند و حد شرعی شلاق و سنگسار بر او اجرا می‌کنند و تمامی رفتار او را از دریچه ابزار جنسی محک می‌زنند.

در حقیقت سخن، خلاف آن که قانون اخیر می‌گوید، نه بر سر تضاد بین زن و مرد، بلکه ناسازگاری و تضاد بین رژیم مبتنی بر شرع و خواست‌های مدنی یک جامعه در سال‌های پایانی قرن بیستم است. تضاد بین قوانین شرعی ضد زن و قوانین انسانی است. تضاد بین ناهنجاری‌هایی که به عنوان نرم از طرف حکومت ارائه می‌شود، با هنجارهای یک جامعه متعادل است.

در این رویارویی، حاکمیت به طور معمول ابزار سرکوب را برگزیده است و می‌خواهد کسانی را که از این قانون مطبوعات سر باز زنند، به دادگاه‌ها فراخواند و نشریات را سانسور کند و تعطیل نماید. این خود نشان می‌دهد که چگونه مبارزه برای دموکراسی و معیارهای حقوق زنان در هم تنیده‌اند. نمی‌شود از مسایل و خواست‌های زنان دفاع نکرد و ادعای دفاع از دموکراسی و جامعه مدنی را داشت.

فیتیله را پایین بکشید!

آیت‌الله صادق احسان‌بخش امام جمعه شهر رشت، در نماز جمعه روز جمعه ۱۲ فروردین این شهر، روند رو به افزایش تبلیغ فوتبال در رسانه‌های ارتباط جمعی و به ویژه صدا و سیما را برای تسلی جوان کشور خط‌ناک خوانده و تأکید کرد: وقت آن رسیده است که فیتیله فوتبال را پایین بیاوریم!

نقل از روزنامه ایران

محسن رضایی: پرونده الله کرم در سپاه در دست بررسی است

● علیرغم انتقادات و نفرت روزافزون مردم از انصار حزب‌الله، یکی از رهبران آن این هفته در جلسه غیر علنی مجلس سخنرانی کرد

محسن رضایی فرمانده پیشین سپاه پاسداران و دبیر مجمع تشخیص مصلحت رژیم، حسین الله کرم، سردسته چماق‌داران انصار حزب‌الله را مورد انتقاد قرار داد و اقدامات او را «به ضرر انقلاب» خواند. محسن رضایی که در جلسه پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه علم و صنعت اراک سخن می‌گفت در مورد جایگاه قانونی انصار حزب‌الله گفت: آقای الله کرم ربطی به سپاه ندارد و کارهایی که انجام داده است، اصلاً یک کار شخصی بوده و پرونده این اقدامات در سپاه در دست بررسی است. وی افزود: البته نیات ایشان خیر بوده، ولی متأسفانه شیوه‌های نادرست وی به انقلاب لطمه زده است. حسین الله کرم تاکنون به عنوان یکی از افسران بسیجی شناخته می‌شد و محسن رضایی برای اولین بار «ربط» او با سپاه را تکذیب کرد ولی نگفت اگر او ربطی به سپاه ندارد، چگونه است که برای او در سپاه پرونده تشکیل شده است. محسن رضایی گفت چطور یک نفر توانسته است با «کار شخصی» یک دار و دسته متخلف و مسایل گسترده چماق‌داری به راه بیاورد و هیچ نیرویی را نیز

علیرغم لغو تظاهرات اعتراضی توسط دولت چندین هزار نفر در تهران در اعتراض به قوه قضائیه تظاهرات کردند



علیرغم درخواست دولت برای لغو تظاهرات روز سه‌شنبه ۲۵ فروردین و اطلاعیه دفتر تحکیم وحدت در مورد تعویق این تظاهرات، حدود دو تا چهار هزار نفر در برابر دانشگاه تهران گرد آمدند و به بازداشت می‌کردند، اتومبیل‌ها را متوقف می‌ساختند و به دنبال شکار تظاهرکنندگان به هر سو هجوم می‌آوردند. گروه زیادی از نیروهای انتظامی با تجهیزات کامل، کلاهخود و باتوم در محل تظاهرات حضور داشتند، اما تنها ناظر تاخت و تاز حزب‌الله بودند و هر جا که کار به درگیری تظاهرکنندگان با اوباش می‌رسید، به دستگیری دانشجویان اقدام می‌کردند. در اطراف دانشگاه حاضر شده بودند، قرار گرفت، اوباش علیه شهردار تهران شعار می‌دادند و به ضرب و شتم تظاهرکنندگان

از آن سال‌ها

از ۲۷ فروردین تا ۱۱ اردیبهشت ۱۳۵۸

سنجایی دلایل استعفای خود را فاش کرد

حکومت‌هایی که در داخل حکومت بوجود آمده، ایجاد نکرانی مستند موضوع آیت‌الله طالقانی شوی بوده بی‌دولت و مصلحت‌واری است

تحصن ۲۷ ساعته دانشجویان پیشگام در دادگستری به دعوت سازمان دانشجویان پیشگام، حدود هزار نفر به مدت ۲۷ ساعت در کاخ دادگستری متحصن شدند. این عده از ساعت ۱۱ صبح پنجشنبه دست به تحصن زده بودند، ساعت ۲ بعد از ظهر روز جمعه تحصن خود را شکستند.

در اطلاعیه دعوت به تحصن سازمان دانشجویان پیشگام علت تحصن: «اعتراض به پامال شدن آزادی و حقوق دموکراتیک خلق ایران، محکوم کردن اقدامات غیردموکراتیک عوامل مرتجع و وابسته: حمله به کارگران مستحسن قتل آنان، بیرون کردن روستاییان ارومیه از روستاهایشان، دستگیری و شکنجه محدود اخوان فدایی خلق، حمله و تصرف ستاد فداییان خلق در آبادان، حمله و تصرف دفاتر سیاسی سازمان‌های انقلابی، حمله به دفاتر روزنامه‌ها و بازداشت و مجروح ساختن روزنامه‌فروشان و...» اعلام شده بود. پس از سخنرانی سلطانپور، نمایشنامه «عباس آقا کارگر کارخانه ایران ناسیونال» بوسیله دسته دوره گردان نمایش هستند» به نمایش درآمد ولی به دلیل همه‌همه و اعتراض گروهی که در اطراف کاخ دادگستری شعار می‌دادند، فقط دو قسمت از سه قسمت نمایش به اجرا درآمد. سپس احمد شاملو همراه غلامحسین ساعدی، محسن یلفانی، اسماعیل خوبی، و چند تن دیگر از اعضای کانون نویسندگان ایران به جمع متحصنان پیوستند.

احمد شاملو در سخنرانی خود با اشاره به مسایل روز، همبستگی خود و همراهانش را به متحصنین اعلام کرد. پس از سخنرانی احمد شاملو، یکی از متحصنان، قطعنامه اجتماع‌کنندگان در کاخ دادگستری را قرائت کرد. در این قطعنامه به بازداشت مبارزین، واقعه نرده، رسیدگی به اعلام جرم اعضای دستگیر شده سازمان فداییان خلق و محدودیت آزادی کارگران اشاره شده است.

کیهان ۱۱ اردیبهشت ۱۳۵۸

در اجتماعی که به دعوت شورای هماهنگی برگزاری جشن اول مه تشکیل شد راهپیمایان خانه کارگر خواستار ملی شدن سرمایه‌های خارجی شدند

گروه‌هایی از کارگران و راهپیمایی که از اولین ساعات صبح روز گذشته در مقابل خانه کارگر اجتماع کرده بودند در ساعت ۹ صبح به راهپیمایی کردند و از مسیر خیابان جمهوری (شاه سابق) وارد فردوسی شده و در ساعت ۳ و ۱۲ دقیقه نزدیک میدان سپه پس از خواندن قطعنامه راهپیمایی خود را خاتمه دادند.

در مسیر راهپیمایی عده‌ای با دادن شعارهای مذهبی به آنان نزدیک شدند و چند بار درگیری‌های مختصری روی داد که سپس به آرامش منجر شد. قبلاً اعلام شده بود که شورای هماهنگی برگزاری جشن اول ماه مه متشکل از سندیکاهای کارگران ایران متشکل از چند سندیکای کارگری، سندیکای مشترک صنعت نفت هیات مؤسس کارگران پیکار و اخراجی، کانون مستقل معلمان، سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران، انجمن دانش‌آموزان پیشگام، دانشجویان پیشگام، جبهه دموکراتیک ملی ایران، جمعیت زنان مبارز، انجمن‌های زن، اتحاد ملی زنان، اتحادیه انقلابی زنان مبارز و چندین گروه و سازمان دیگر راهپیمایی خود را از خانه کارگر شروع خواهند کرد. این سازمان‌ها از کلیه کارگران و نیروهای مترقی برای شرکت در این راهپیمایی دعوت کرده بودند.

کیهان ۱۱ اردیبهشت ۱۳۵۸

جزئیات تازه‌ای درباره گروه مخفی «فرقان» که مسئولیت ترور را بعهده گرفته است

جزئیات ترور مرتضی مطهری عضو شورای انقلاب احزاب و سازمان‌های سیاسی: هدف ترور ایجاد اختناق است.

یادبود دوزن فدایی شهید مرضیه احمدی اسکویی شهید شیرین فضیلت‌کلام

فردا ششم اردیبهشت، چهارمین سالگرد شهادت دوزن شهید از سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران است. به همین مناسبت مراسمی از ساعت ۳ و ۳۰ دقیقه بعد از ظهر در قطعه ۳۳ بهشت‌زهر برگزار می‌شود.



برای آزادی خود...

طور مستمر ادامه یابد. این سیاست باید در سطحی گسترده مورد پشتیبانی قرار گیرد، تبلیغ گردد و توضیح داده شود. به همان اندازه که بتوانیم توده‌های مردم، جوانان، زنان، روشنفکران، دانشجویان و کارگران را بیشتر با ضرورت فعالیت آزادانه احزاب در ایران آشنا و به ضرورت مبارزه برای آن متقاعد سازیم، و به همان اندازه که بیشتر بتوانیم این مطالبه را به طور جدی‌تری در برابر دولت آقای خاتمی و

حزب‌الله علیه رفسنجانی...

می‌شود همه جا را فساد گرفته، ریشه خارجی دارد و می‌بینیم که خارجی‌ها برای دور کردن قشر جوان، از این موضوع خیلی استقبال کردند تا بگویند در سایه حکومت دینی و ولایت، فساد رشد پیدا می‌کند. رفسنجانی توضیح نداد آیا مقفود شدن یک میلیارد و دوست میلیون تومان در وزارت ارشاد در دوران میرسلیم، که خبر آن را اخیراً مهاجرانی فاش کرد، توطئه اپوزیسیون بوده یا صحت دارد؟ انصار حزب‌الله، رفسنجانی را در گسترش فساد مالی شریک می‌دانند و تهدید کرده‌اند پرونده سوءاستفاده‌های مالی وی و خانواده‌اش را فاش خواهند ساخت. پیش از تهاجم حزب‌الله، رسولی نژاد نماینده فیروز کوه در مجلس شورای اسلامی، اعلام کرده بود پرونده خاندان رفسنجانی در زمینه فساد مالی را منتشر خواهد کرد. حمله به رفسنجانی واکنش تند گروه کارگزاران و انتلاف گروه‌های خط امام و حتی برخی

ادامه از صفحه اول

گفت: جریان تمامیت خواه امروز با تمام قوا استراتژی رعب و وحشت را در پیش گرفته است تا به این هدف برسد. وی در تشریح این اهداف گفت: جناح راست می‌خواهد با بهره‌گیری از عوامل مزدور خود فضایی ایجاد کند تا در برابر حق قانونی اعتراض که از لوازم جامعه مدنی است، چنین وانمود شود که فضای عمومی کشور گنجایش هیچ ابراز اعتراضی را ندارد و از همین رو وزارت کشور در اعطای مجوز برای گروه‌ها محدود شود. وی افزود: جریان راست سنتی پس از بازداشت شهردار تهران در پی ایجاد بحران‌های جدی دیگری است.

اعضای دفتر تحکیم وحدت در پایان اعلام کردند همزمان با دوم خرداد در حمایت از آقای خاتمی همایش بزرگی بر پا خواهند کرد.

نشست ماهانه دفتر تحکیم وحدت

دفتر تحکیم وحدت در پایان نشست ماهانه خویش، قطعنامه‌ای را در پنج بند به تصویب رساند. در این قطعنامه

با «کار» تماس بگیرد پیام‌ها و خبرهای خود را بر پیام‌گیر «کار» بگذارید!

«کار» برای تسهیل ارتباط خوانندگان خود با دفتر نشریه، شماره تلفن ویژه‌ای را تهیه دیده است. از این پس می‌توان از طریق شماره تلفن ۹۳۲۲۳۶ - ۲۲۱ - ۴۹۹ هر زمان با دفتر نشریه «کار» تماس گرفت و انتقادات، پیشنهادات و پیام‌ها را در دستگاه پیام‌گیر ضبط کرد. در هر نوبت تماس می‌توان پیامی حداکثر به مدت ۳ دقیقه بر روی دستگاه گذارد. با ما تماس بگیرد و خبرها و پیام‌های خود را به اطلاع ما برسانید. شماره تلفن: تماس با دفتر نشریه «کار» را به دوستان و آشنایان خود نیز اطلاع دهید!

اطلاعیه

در محکومیت تعرض به جلسات سخنرانی

در چند هفته گذشته، وابستگان به برخی از سازمان‌های اپوزیسیون در خارج از کشور، ضمن تعرض به جلسات سخنرانی‌های دکتر سروش در هامبورگ و اخیراً عباس معروفی و دکتر مهاجرانی در فرانسه و سوئد، با دادن شعارهایی علیه جمهوری اسلامی و حمله شخصی به سخنرانان، کوشیده‌اند از برگزاری چنین جلساتی جلوگیری کنند. این افراد، حرکات خشونت‌آمیز خود را به عنوان اقدامی انشاگرانه علیه سرکوب دگراندیشان در ایران توجیه می‌نمایند.

متأسفانه این اقدامات که به نام اپوزیسیون رژیم صورت می‌گیرد، لاقدر در شکل ظاهر با حملاتی که اوباش و عناصر سرکوبگر همین نظام، به نام انصار حزب‌الله در داخل کشور، علیه سخنرانی دگراندیشان و آزادی‌خواهان انجام می‌دهند، تفاوتی ندارد. صرف تعلق به اپوزیسیون یک رژیم جابجایی و سرکوبگر، مشروعیتی برای این گونه حرکات اعتراضی آزادی سستیزانه نمی‌آورد، نمی‌توان و نباید با شیوه‌های خشونت‌آمیز و غیر انسانی، برای تحقق اهداف انسانی مبارزه نمود.

اپوزیسیون دموکرات و آزادی‌خواه ایران، هم‌راه و هم‌صدا با همه آزادی‌خواهان ایران که برای تحقق جامعه مدنی و برقراری دموکراسی در ایران مبارزه می‌کنند، این شیوه‌ها را شدیداً محکوم نموده و آن را به نفع طرف‌داران سیاست خشونت و سرکوب و مضر به حال آزادی، مدارا و تساهل می‌داند.

به عقیده ما چنین اقداماتی، بر مخالفت مشروع و برحق نیروهای آزادی‌خواه و دموکرات ایران، علیه سیاست‌های خشونت‌آمیز نظام حاکم سایه می‌افکند و دست آن را برای تداوم سیاست‌های سرکوب‌گرانه بازتر می‌گذارد.

دفتر همکاری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
سازمان جمهوری خواهان ملی ایران
حزب دموکراتیک مردم ایران
۱۵ فروردین ۱۳۷۷

قرار هیئت سیاسی - اجرائی

شورای مرکزی

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

هیئت سیاسی - اجرائی شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در جلسه روزهای ۱۸ و ۱۹ آوریل خود، در مورد حمله به سخنرانی‌ها، مواضع خود را به شرح زیر اعلام کرد:

- هیئت سیاسی - اجرائی شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) هر گونه حمله و ضرب و شتم مخالفین رژیم را از سوی هر نیرویی که انجام گیرد، قاطعانه محکوم می‌کند.
- هیئت سیاسی - اجرائی شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) افشای سیاست‌های ضد دموکراتیک جمهوری اسلامی را در هر فرصت و از جمله به هنگام سفر نمایندگان حکومت به خارج از کشور، وظیفه حمله و همه نیروهای دموکرات می‌شمارد.
- هیئت سیاسی - اجرائی شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) برخورد خشونت‌آمیز و ایجاد درگیری بین نیروهای اپوزیسیون با نمایندگان جمهوری اسلامی در خارج از کشور را تایید نمی‌کند و به سود جنبش دموکراسی در کشور نمی‌شمارد.

به دنبال گسترش فشارها

خامنیه‌ای دستور آزادی کرباسچی را داد

کرباسچی شهردار تهران بعد از یازده روز از زندان آزاد شد و به شهرداری بازگشت. بدون شک در آزادی او مردم نقش اصلی را بر عهده داشتند. آنان با اعلام آمادگی برای برپایی تظاهرات وسیع بار دیگر انتخاب خود را بر رهبری جمهوری اسلامی تحمیل کردند و توطئه جناح رسالت و خامنه‌ای را به شکست کشاندند.

رهبران جمهوری اسلامی اگرچه هر یک به شکلی منابع حضور مردم در خیابان‌ها شدند اما می‌دانستند که شمارش معکوس لحظه‌ها آغاز شده و تأخیر در حل بحران تعادل حکومت را بیشتر برهم خواهد زد و به عصیان مردم منجر خواهد شد. بر اساس گزارش‌های رسیده اگر تظاهراتی که قرار بود در

حمایت از «افشای موانع تحقق خواست‌های ملت و اعتراض به عملکرد قوه قضائیه» لغو نمی‌شد، تهران در دریای عظیم جمعیت به خروش می‌آمد و صحنه‌های دوم خرداد و ۸ آذر دوباره زنده می‌شد.

به دنبال نشست سران سه قوه که با هدف یافتن راه حل و مصالحه برگزار شد، خاتمی نامه‌ای به خامنه‌ای نوشت و از وی خواست کرباسچی را آزاد کند و تریبی دهنده که در «دادگاه صالح» هر دو پرونده؛ یعنی هم پسران کرباسچی و شکایت دولت علیه قوه قضائیه بررسی شود.

پاسخ خامنه‌ای روشن بود. پس از آزادی کرباسچی، قوه قضائیه اعلام کرد، شهردار تهران «به زودی» محاکمه خواهد شد.

دفاع از حقوق زنان ممنوع شد.

ادامه از صفحه اول
از حقوق آن، توسط مطبوعات، خلاف قانون مطبوعات شناخته می‌شود. در ماه گذشته نشریه «فکور» به دلیل چاپ عکس زانی که با کلیتون رابطه داشته‌اند، مورد تهاجم شدید قرار گرفت. نشریه

پایان تعطیلات برای خاتمی هم فرا می‌رسد

نامه‌های است خطاب به رئیس جمهور که در یکی از روزنامه‌های تهران به چاپ رسیده و بیانگر انتظاراتی است که مردم از آقای خاتمی دارند. جناب آقای خاتمی رئیس جمهور محترم و منتخب: سلام. قسرت سنی اینجانب با حضرتعالی مرا بر آن داشت که اینسین یاده‌اش را بنویسم. می‌خواهم از گذشته حرف بزنم از دوران کودکی و نوجوانی، و فکر می‌کنم این مطلب خاطراتی را در ذهن شما هم تکرار و تجدید کند. خاطراتی که ۱۲ بار در دوران دبستان و دبیرستان برآیم تکرار شده، و شما هم حتماً چیزهایی از آن را به خاطر دارید. هفته آخر اسفندماه را به خاطر بیاورید، از اول هفته سفارشات معلمان شروع می‌شد و تا پایان هفته که ابتدای تعطیلات نوروزی بود ادامه می‌یافت و ما در پایان هفته آخر اسفند ماه بسا یک صورت حساب، که تعداد مسائل ریاضی، و تعداد صفحات خط ز روی سرمشق «آدم مرد به ز دولت اوست» و آتشای فصل بهار را تعریف کنید، ... به تعطیلات نوروزی می‌رفتم.

سرانجام روز چهاردهم فروردین فرا می‌رسد بی آنکه بسیاری از مشق‌هایم را تمام کرده باشم و تازنگ آخر مدرسه هفتاد و هفت دلیل محکمه‌پسند برای معلمان خود، که تکالیف را مطالبه می‌کردند، سر هم می‌کردیم، و بقیه قضایا که شما هم می‌دانید و یا دیده‌اید و یا با بصورت دریافته‌اید.

۱۲ سال دبستان و دبیرستان و بعد هم دانشکده را گذراندی و وارد بازار کار شدم، برای آنکه کار می‌کردم، روشم همین بود، یعنی درست در لحظه‌ای که نزدیک بود وقت بگذرد و همه چیز خراب شود، کار ادامه می‌یافت. و ذکر می‌کردم که من تنها هستم که تحت تأثیر آموزگاران و مربیان دلسوز و کارآموزده، به این رمز عظمی دست یافته‌ام ولی بعداً دیدم که فوتبالیست‌های ما هم در دقایق پایانی مسابقه به تلاش و تکاپو می‌افتند و گل می‌زنند، و اصولاً دقیقه نود نام دیگر رمز عظمی من است.

یجشید جناب آقای خاتمی عزیز، ۴۹ روز دیگر یکساله می‌شوید، یعنی ۲۵ درصد عمرتان (منظور عمر ریاست جمهوری‌تان است) گذشت، سعدی می‌گوید ای که پنجاه رفت و در خوابی (البته خودش در آن چند روزهای که دریافت کاری کرد که مرجع ادب، عرفان، تربیت و کمال شد) با ۷۵ درصد باقیمانده می‌خواهید چه کار کنید؟! جناب آقای خاتمی عزیز، مواعیدتان را برای نسل جوان به خاطر بیاورید، نسل جوان امروزه بیش از هر زمانی نیاز به کار دارد، چون مادر تمام مفسده‌ها، بیکاری است، اگر قرار است نسل جوان را به خاک الک کردن وادارید، این کار را بکنید که ضرر و مفسده بیکاری بیشتر از تاوان مزد خاک الک کردن بی‌حاصل است.

جناب آقای خاتمی عزیز، اگر قرار است نظام حقوق و دستمزد کارمند و کارگر را تغییر دهید هر چه زودتر این کار را بکنید، چون پایه صندلی حکومت شما بر شانه همین زحمتکشان قرار دارد. و در بسیاری موانع به هنگام اجرای قوانین همین‌ها هستند که به نیابت از شما به قضاوت می‌نشینند و اگر قاضی سیر نباشد. وای بر حال جامعه قاضی جوهرشوت‌بخوردن‌چرخار نساب‌کنندگان‌زیرپرده‌خربزه‌را تورم ناشی از افزایش حقوق و دستمزد کارگر و کارمند و عوارض و پدیده‌های جانبی آن به مراتب بهتر و گوارتر است از مناسد ارتشا و از بین رفتن قیج گناه شود.

جناب آقای خاتمی عزیز: ۲۰ سال از عمر جمهوری اسلامی می‌گذرد و آحاد مردم این جامعه هر یک به نیتی مصائبی را که بر آن گذشته تحمل کرده‌اند، برای روزی که بهتر شود، و در دوم خرداد ماه سال گذشته، این صیورپها برای بهبود جامعه، در انتخاب حضرتعالی برای مقام ریاست جمهوری متبلور شد، وای به روزی که این امید ناامید شود، آن وقت است که به مصداق ناامید شیطان است، خطر پیوند با شیطان در راه و مظلمه عواقب آن بر گردن شما خواهد افتاد.

جناب آقای خاتمی عزیز: ملتی که ۲۰ سال صیوری به خرج داد، توقعش از شما برای اصلاحات اجتماعی معادل ۲۰ سال است، و جنابعالی در این سه

پشتیبان خاتمی به آن رای ندادند ولی علیرغم مخالفت این نمایندگان طرح به تصویب رسید.

مرضیه صدیقی نماینده مجلس از تهران و از جناح رسالت در گفتگو با بخش فارسی بی.بی.سی در باره ضرورت تصویب چنین طرحی گفت که بعد از ۲۰ سال در مراکز درمانی، در آزمایشگاه‌ها، سالن‌های جراحی، پزشکان پرستاران، بیماران مرد و زن شنوات اسلامی را رعایت نمی‌کنند و این خواست رهبر بود که ما قانون

نشریه‌ای به خود اجازه ندهد وارد مسائلی شود که امکان ابطال مجوز انتشار را به همراه داشته باشد. شیرین عبادی حقوق‌دان در مصاحبه‌ای با نشریه «جامعه» پیرامون این طرح گفت: «در این شرایط اجتماعی و سیاسی چه ضرورتی ایجاد می‌کرد که قانون مطبوعات را اصلاح کنند و بسا چنین

در طی مصاحبه‌ای تصویب این طرح را برخوردی سیاسی از سوی نمایندگان مجلس دانست و گفت: «تمام مسائل موجود در این طرح در قانون مطبوعات ذکر شده‌است و نیازی نبود که این قانون تصویب شود.» قانون جدید را روزنامه‌نگاران به عنوان اینزاری برای اعمال فشار می‌دانند تا از این پس روزنامه و

مزبور جمع آوری شد و سردبیر آن به دادگاه فرا خوانده شد. در جریان بحث بر روی کلیات لایحه، مهاجرانی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در مجلس حضور یافت و با تصویب این طرح مخالفت کرد. احمد بورقانی معاون مطبوعاتی وزارت ارشاد

خبرهای کوتاه

تشکیل کمیته دفاع از موسویان

جمعی از اعضای خانواده، بستگان و دوستان ابوالفضل موسویان، روزنامه‌نگار دربند، ستادی برای دفاع از حقوق وی تشکیل داده‌اند. این ستاد وظیفه خود را دفاع از حقوق قانونی موسویان و اطلاع رسانی در باره وضعیت او اعلام کرده است. موسویان، سردبیر فصلنامه مفید، از شانزدهم دی ماه سال گذشته در زندان است. پرونده این روزنامه‌نگار را به دادسرای ویژه فرستاده‌اند و او این دادسرا را غیر قانونی می‌شمارد و به همین دلیل ماه پیش از رفتن به مرخصی و دیدار با خانواده خود نیز امتناع کرد.

وزارت فرهنگ و چاپ روزنامه‌ها

معاونت امور مطبوعاتی و تبلیغاتی وزارت فرهنگ و ارشاد با صدور بیانیهای دخالت نیروهای انتظامی در کار چاپ روزنامه‌های ایران، همشهری و جامعه را محکوم کرد. بخشی از متن بیانیه به این شرح است: وزارت فرهنگ و ارشاد دخالت سه‌شنبه شب نیروهای انتظامی در کار لیستوگرافی و چاپ روزنامه‌های ایران، همشهری و جامعه را محکوم می‌کند و آن را اقدامی غیرقانونی می‌داند. به موجب ماده ۴ قانون مطبوعات مصوب سال ۱۳۶۴ مجلس هیچ مقام دولتی و غیردولتی حق ندارد برای چاپ مطلب یا مقاله‌ای در صدد اعمال فشار بر مطبوعات برآید و یا به سانسور و کنترل نشریات مبادرت کند. این در حالی است که عوامل نیروی انتظامی صفحات روزنامه‌های ایران و همشهری را به دقت کنترل کرده و پشترانه این اقدام غیرقانونی خود را نیز حکم یکی از شعب دادگستری تهران قرار داده بودند. طبق اصل ۲۴ قانون اساسی نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آن که مخل به «مبانی اسلام» یا «حقوق عمومی» باشند.

اجرای یک کنسرت بی سروصدا!

محمدرضا شجریان در ایام نوروز اسماال در شهر اصفهان به اجرای یک برنامه موسیقی پرداخته‌است که این برنامه بدون اعلام قبلی و بدون سر و صدا در مطبوعات و رسانه‌های گروهی انجام شده‌است. شجریان بعد از ماجرای برهم خوردن کنسرت وی در بهار ۷۵ تاکنون موفق به اجرای کنسرتی در داخل کشور نشده بود و تلاش‌های وی برای اجرای برنامه‌های به نفع زلزله‌زدگان خراسان در ورزشگاه ۱۲هزار نفری آزادی نیز پس از گذشت یک سال با سکوت مسئولان مربوطه روبرو شد.

مسافرت در روز عید غدیر...

به گزارش روابط عمومی وزارت تعاون احمدرضا عامری مدیرکل اتحادیه شرکت‌های مسافری کشور گفت: افرادی که نامشان علی است می‌توانند با مراجعه به یکی از شرکت‌های تعاونی مسافری و با ارائه کارت شناسایی خود بلیت رایگان برای مسافرت در روز عید غدیر به نقاط مختلف کشور دریافت کنند. این در شرایطی است که نرخ حمل و نقل و بهای بلیط مسافرتی داخل و خارج از کشور به‌طور سرسام‌آوری (البته برای آنان هم که نامشان علی است) افزایش یافته است.

اظهارات نماینده دماوند

نماینده دماوند و فیروزکوه در مجلس ادعایی را به این مضمون مطرح کرده‌است که: اگر هاشمی رفسنجانی از حمایت کارگزاران سازندگی و شهردار تهران دست بردارد، مدارکی دارم که انشاء می‌کنم. البته طبق ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی مصوب دوم خرداد ۱۳۵۷ آمده‌است که: هرکس به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی به وسیله نامه یا شکوایت یا مراسلات یا عریض یا گزارش و یا توزیع هرگونه اوراق خطی و چاپی، با امضاء یا بدون امضاء اکاذیبی را اظهار نماید و یا با همان مقاصد اعمالی را بر خلاف حقیقت راسا یا به‌عنوان نقل‌قول به شخص حقیقی یا حقوقی و یا مقامات رسمی، تصریح یا تلویحاً نسبت دهد، اعم از این‌که از طریق مزبور به‌نحوی از انجا ضرر مادی و معنوی به غیر وارد شود یا نه، علاوه بر اعاده حیثیت در صورت امکان، باید به حبس از دو ماه تا دو سال یا به ۷۴ ضربه شلاق محکوم شود. اگر نماینده دماوند نتواند و یا نخواهد مدارکی را که مدعی است در اختیار دارد، ارائه کند، مستوجب این مجازات خواهد شد!

بازگشت رضا ژیان به صحنه تئاتر

رضا ژیان، کارگردان و بازیگر قدیمی تئاتر و تلویزیون پس از ۱۷ سال دوباره به صحنه بازگشت. وی که حدود ۳۰ سال در عرصه‌های تئاتر و تلویزیون فعالیت داشته، کار خود را از کارگاه نمایش آغاز کرده است. ژیان تاکنون در عرصه تئاتر در نمایشهای سبزه، مش رحیم و گلدرنه خانم، اتر، اکسیون، ستانه، جان‌نثار، رستم و سهراب و در تلویزیون آثاری چون محله بروییا، مثل آباد و... فعالیت داشته است.

نگاهی به وضعیت

ف. تابان

(۱)

فعلاتهای در جهت آزادی‌ها، فعالیت احزاب، لغو سانسورها، ایجاد تشکلهای کارگری و توده‌ای و در کنار آن‌ها حل مشکل بیکاری و گرانی و تورم آرایه نشده است.

(۲)

چه در میان اصلاح‌طلبان حکومت و چه در بیرون از آن، بسیاری می‌گویند که طرح این خواسته‌ها را بلند پروازانه قلمداد کنند و مبارزه واقعی و موجود را در عقب راندن راست سستی و محافظه‌کار در قدرت، همان کاری که دولت به آن مشغول است، خلاصه کنند. به این ترتیب می‌بینیم در شرایطی که مردم برای مبارزه سیاسی از خود آسازگی روز افزونی نشان می‌دهند، شعارها و خواسته‌هایی که مطرح می‌شوند، کوچک‌تر شده و به دایره تغییر در مناسبات قدرت در میان دو جناح محدود می‌شوند. خواسته‌هایی نظیر برکناری محمد یزدی، کنترل دولت بر صدا و سیما، واگذاری نیروهای انتظامی به وزارت کشور، که از سوی جناح‌های وابسته به دولت طرح می‌شوند، البته مناسبات قدرت را تغییر می‌دهند. جنبش دموکراسی در کشور می‌تواند از تحقق چنین خواسته‌هایی نیرومندتر شود، اما نمی‌تواند در چارچوب آن‌ها متوقف شود. این جابه‌جایی‌ها اگر با ادامه بی‌توجهی‌های دولت نسبت به مطالبات اساسی نظیر آزادی احزاب و تشکلهای توده‌ای و لغو سانسور و آزادی واقعی مطبوعات همراه نباشد، به تنهایی نمی‌تواند کارساز باشد.

(۳)

باید همواره امیدوار بود و مصرا نه تیز خواست که اصلاح‌طلبان دفاع از خواسته‌های اساسی مردم را به فهرست مطالبات خود اضافه کنند. اما تا وقتی چنین نشده است و شاید هرگز نیز چنین نشود، نباید در حصارگی که مرزهایش تنها تغییر مناسبات و توازن قوا در حکومت است، باقی ماند.

(۴)

فرصت‌ها را نباید از کف داد. مردم ایران و احزاب سیاسی، به ویژه آنان که مبارزه خود را به مبارزه درون حکومت محدود ساختند، یک بار بهای سنگین بی‌توجهی به سازماندهی مستقل مردم در سال‌های گذشته را پرداختند. شرایط نسبت به آن دوران فرق کرده است، اما این وظیفه همچنان در دستور مبارزه باقی مانده است. سازمان‌دهی مستقل مردم، به معنای ایجاد و برآمد جنبشی مستقل از حکومت و همه جناح‌های آن است.

خاتمی: هراس یا ناتوانی؟

علی نوید

قصده داشت شهردار تهران را یک ماه در زندان نگاهدارد و در این فاصله مأموران با تجربه مجتمع قضایی او را برای ادای «اعتزافات» و ... آماده سازند. محاسبه یزدی غلط از آب درآمد. عملیاتی که هدف آن هزیمت مردم و تلافی شکست دوم خرداد بود، به شکاف درون جناح رسالت - خامنه‌ای و انزروی تندروان هیات مؤتلفه منجر شد و احتمال حذف بخشی از آنان از قدرت، قوت بیش‌تری گرفت. این حرکت فرصتی بود که رفسنجانی از آن بهره گرفت و خود را در کنار خاتمی بر فراز جناح‌ها کشید که بی‌آمد حاد آن تقویت «مجمع تشخیص مصلحت» و شخص رفسنجانی است. اما خامنه‌ای با شنیدن صدای پای مردم و آمادگی آنان برای برپایی تظاهرات بزرگ، پا پس کشید. عقب نشینی خامنه‌ای برای پیوستن به مردم نبود او لحظه‌ای حمله و تناسب قوا را مناسب ندید و از سر ناچاری عقب‌نشینی کرد. یزدی انتظار نداشت خامنه‌ای پشت او را خالی کند اما خامنه‌ای تشخیص داد عقب‌نشینی در آن لحظه عدم تعادل قوا و حکومت هم به‌سود ولایت‌فقیه است و هم نظام تا حمایت از رئیس قوه قضائیه و رویا رویی آشکار با مردم که چشم انداز آن نارووشن است. خمینی در زمان حیات خود بارها به چنین مانورهای دست زده‌بود تا نگذارد در جنگ قدرت جناح‌ها، ولایت مطلقه او و منافع کل نظام به خطر افتد. روی‌دادهای آنتی نشان خواهد داد دوری خامنه‌ای از پای‌گاه اصلی خود برای «لحظه» بود و یا در آینده نیز تکرار خواهد شد.

با آزادی کریاسچی، بهران اندکی فروکش کرد اما خطر تهاجم تازه علیه نهضت دوم خرداد، خطر مسخ شعارهای آن و پرسش‌های بی‌پاسخ مردم از رئیس جمهور باقی است. جانب‌داران خاتمی با آزادی شهردار تهران اعلام کردند مردم پیروز شدند و پیروزی مردم را نشانه درایت رئیس جمهور خواندند. درایت رئیس جمهور در این روی‌داد چهبود؛ سکوت. او مردم را از خیابان‌ها نفرستاد و ولایت مطلقه او و درهای بسته به بده و بستان با جناح مقابل نشست، بدون شک کامیابی خاتمی در جنگ قدرت با جناح مقابل، با متافع مردم هم‌سو است. اما مردم در روز دوم خرداد با این تپت به پای صندوق‌های رای نرفتند

قدرت گسرتن اصلاح‌طلبان در حکومت، ضرورت‌های ایجاد یک آلت‌رناتیو دموکراتیک در کشور را به هیچ وجه منتفی نساخته است. اصلاح طلبان اگر واقعا می‌خواهند در اصلاحات جدی و پیگیر باشند، خود باید مشوق چنین سیاستی گردند. یکی از اساسی‌ترین پایه‌های جامعه مدنی که آقای خاتمی نیز میباید آن است، ایجاد و گسترش نهادهای جنبش‌های میباید وابسته به حکومت است. تنها کسانی می‌توانند بدون دغدغه از نفعی ضرورت چنین آلت‌رناتیو و یا جبهه سومی سخن بگویند، که بخواهند تلاش‌ها را در چارچوب دولت محدود کنند و از پیروزی راهی که آقای خاتمی آغاز کرده است، مطمئن باشند و همه موجودیت و سرمایه خود را به آن وابسته سازند. اما این اطمینان به معنای درک درست روی‌دادهای نیست، به معنای کشاندن همه نیروها در راهی است که شاید انتهای آن بن‌بست و یا گودال مهیبی باشد.

کوشش در جهت ایجاد یک جبهه دموکراتیک، کوشش در جهت سازمان‌دهی نیروهای سیاسی و مردم ایران حول خواسته‌هایی است که راه ایران به سوی دموکراسی را واقعا هموار سازد. در صدر این خواسته‌ها برقراری آزادی‌های سیاسی در ایران قرار دارد. برقراری آزادی‌ها برای مردم ایران و نیروهای سیاسی غیر حکومتی، یعنی همان چیزی که هنوز در دولت خاتمی سختی جدی در باره آن گفته نمی‌شود. مبارزه برای تشکیل چنان جبهه‌ای را نباید در برابر تلاش‌های امروز اصلاح‌طلبانه دید و اصلاح‌طلبان نیز نباید نیروهای دموکراتیک کشور را که برای سازماندهی خویش می‌کوشند در برابر خود ببینند. لاف‌ها تا زمانی که نیروهای اصلاح‌طلب حاکمیت در جهت تغییر سیاست‌های موجود و باز شدن فضای سیاسی کشور عمل کنند، باید چنین باشد. پس تلاش‌های اصلاح‌طلبانه دولت آقای خاتمی، چنانچه وظایف دموکراتیک ما نباید باشد. این وظایف به قوت خود باقی است و باید برای انجام آنان به نیروهای انکار کرد که انجام آنان را واقعا می‌خواهند.

اعلام منع پیگردهای سیاسی، آزادی احزاب، آزادی زندانیان سیاسی، لغو سانسورها و آزادی بیان و قلم، آزادی ایجاد تشکلهای کارگری و دانشجویی و سایر تشکلهای مردمی می‌تواند از جمله مهم‌ترین خواسته‌هایی باشد که امروز مدافعین آزادی و مخالفین ولایت فقیه را برای شکل دادن به یک جبهه سیاسی نیرومند گرد هم آورد.

در ماه‌های اخیر برای من بارها پیش آمده است که به‌دلیلی چند روزی از تعقیب دقیق وقایع کشور دور مانده و مجبور بودم که به شنیدن پاره‌تی از اخبار بسته کنم. در پایان چنین روزهایی که به‌ندرت از یک‌هفته تجاوز کرده‌است، هربار که با فراغ خاطر به مطالعه و بررسی رویدادهای کشور پرداختم، با صحنه‌تی تازه از نظر آرایش نیروهای سیاسی در کشور و تغییر توازن نیروی آن‌ها مواجه بودم. شتاب تغییرات چنان است که ما کناره‌نشیمان هر قدر هم که سعی کنیم در کوران حوادث باشیم، باز از آن عقب می‌مانیم. تاکتیک دیروزی امروز بیهوده و ناکارآمد است و غفلت در کاربرد تاکتیک مناسب در زمان مناسب ما را از تأثیرگذاری بر روندهایی که باید در آن شرکت داشته باشیم، باز می‌دارد.

از هم‌گسستگی نسبی نیروهای رژیم

تنها در دهفته‌ی اخیر، آزادی شهردار متعاقب آمادگی مردم برای تظاهرات چندمیلیونی به‌حمایت از او و بسیار بیش از آن به مخالفت با دشمن او و مذاکرات پشت پردهی خاتمی و خامنه‌ای در جمع سران سه‌قوه و رفسنجانی و خارج از آن، وقایع روی‌داده در نماز جمعهی پیشین در تهران و آمادگی طرفداران منتظر برای اعتصاب نامحدود تا رفع محدودیت از وی نشان می‌دهد که مناسبت غلبه در تضاد خامنه‌ی و «جناحش» با مردم کشور در حال تغییر است. «جناح» راست حکومت که به خامنه‌ای متشبث است، روند تلاش را آغاز کرده است و سردمداران آن از هم‌کنون در تدارک مغری از «مهملکه»ی پیش رو هستند. «رسالت» به یزدی می‌تازد؛ «ارزش‌ها» به رسالت؛ «فرده» زبان انتقاد را بر رسولی‌نژاد نمایندهی فیروزکوه و دماوند می‌گشاید که چرا خودسرانه عمل کرده و بدون در نظر گرفتن منافع جناحی، بر رفسنجانی تاخته است؛ محسن رضانی فرمانده سابق سپاه پاسداران حسین‌الله‌کرم یکی از فرماندهان انصار حزب‌الله را به کارهایی که به انقلاب اسلامی لطمه زده متهم می‌کند و الله‌کرم که خود نمود «تجاوز به قانون» است از «رسم یک جامعهی قانونمند» که در آن نباید «قبل از تفهیم اتهام فردی را محکوم و یا حتا متهم کرده» سخن می‌گوید و سعی می‌کند خود را از ندهمکوری و حاجی‌بخشی‌ها جدا کند؛ روزنامهی «جمهوری اسلامی» کوشش می‌کند که میانه‌داری را پیشه‌ی خود سازد و ضمن انسجام بخشی به جناح راست، با دادن امتیازاتی به جناح دیگر، آن‌ها را به گردآیی پیرامون خخامنه‌ای رهاخواند. این نشریه هم‌چنین پس از اختلال‌گری دارودستهی دهنمکی به‌هنگام سخنرانی رفسنجانی در نماز جمعهی هفته‌ی پیش، در مقاله‌ی با عنوان «بدعتی شوم»، آنان را به‌باد حمله گرفت.

«جناح» متقابل حکومتی نیز که جریان‌ات اخیر را به‌دقت دنبال می‌کند، به این واهمه دچار شده است که رشتنه‌ی کنترل اعتراضات از دستش در برود. روزنامهی ایران هفته‌ی گذشته از جریان «ناشناخته‌ی سوم» یاد کرده که با «آلوده‌سازی چهره‌ی ملت ایران، گشایش‌های موعود را در خطر تهدید قرار می‌دهد»، «سلام» نیز نوشت: «اکنون دولت و ملت باید هوشیار باشند که عناصری که نه خاتمی را و شخص جبهه‌ی خاتمی را قبول دارند و نه می‌خواهند انحصار را، در این قلمه(?) نفوذ نکنند که این عناصر نه‌تنها نسبت به اسلام نامحرم‌اند که در اعتقاد و علاقه‌ی آنان نسبت به ایرانی مستقل از قدرتهای استکباری نیز بسیار محل تردید است». نشریات این «جناح» چون ایران و اطلاعات و همشهری و کار و کارگر و اخبار و تا حدی سلام، حمایت بی‌دریغ خود را ابتدا از کریاسچی و پس از آزادی او از رفسنجانی اعلام کردند و بار دیگر آنان را تا مقام «امیرکبیر»ی بالا بردند.

اما نیروی دیگری در درون و پیرامون حکومت، بر کنترل بیشتر شهروندان بر دستگاه‌های حکومتی و مسئولان آن پای می‌نشیند. نشریه‌ی «جامعه» که جریان دستگیری کریاسچی بارها از خاتمی انتقاد کرد که چرا «موضع شفافی» در قبال این مسئله نمی‌گیرد و به‌جای طرح مسئله با مردم سعی می‌کند که از طریق سازش پشت‌پرده با جناح مخالف مسئله را حل کند. این نشریه در سرمقاله‌ی یکی از شماره‌های خود، تأکید کرد که «موضوع بازداشت می‌تواند مرحله‌ی تازه‌ی را در تفکیک قوای سه‌گانه و استقلال عمل آن‌ها در فرآیند توسعه‌ی سیاسی و اجتماعی ایران

آن‌هم از سوی وزیر کشور یعنی رادیکال‌ترین عنصر نظام، التزام فکری و عملی «نهضت‌آزادی» نسبت به قانون اساسی جمهوری اسلامی بر کسی پوشیده نیست. فعالیت دانش‌جویان که رهبری آن‌ها را نیروهای سهمیم در قدرت سیاسی در انحصار گرفته‌اند بازتاب تضادها و پیامد نهضت دوم خرداد است و با کارنامه دولت چندان ارتباطی ندارد.

جانب‌داران خاتمی ناپیگیری او را با برشردن دشواری‌ها و موانع توضیح می‌دهند و مقایسه‌ی کنتار و کردار او را زودرس و عجولانه می‌دانند. پرسش آن است که زمان سنجش خاتمی کی فراخواهد رسید؛

بر روند انتخابات مجلس بررسی قانون اساسی تأثیر بگذاریم

فرود سیاوش‌پور

نوید دهد، به شرط آن‌که از قول مقاله‌تی دیگر «عدالت و تساری در برخورد با مسائل مشابه در نهادهای دیگر از جمله در قوهی قضائیه» رعایت شود. نشریه‌ی «عصر ما» نیز در مقاله‌تی با وجود تعریف و تمجید فراوان از کریاسچی از خاتمی انتقاد کرده است که چرا خود را «در مظان شبهه‌افکنی معاندان مبنی بر زیرپا گذاردن پرنسپ و شعار قانونمداری» قرار داده و به جای تقاضای «تضمین محاکمه‌ی سریع، علنی و توسط مراجع و قضات بی‌طرف و مرضی‌الطرفین» از خامنه‌ای آزادی کریاسچی را خواستار شده است.

به این ترتیب، اکنون در طیف نیروهای درون حکومت و پیرامونین مجاز به فعالیت سیاسی آن، ۴ نحوه‌ی برخورد و نگرش کلی دیده می‌شود که در جامعه نیز بازتاب می‌یابد.

فروریزش قداست‌ها

شاخص دیگر ریزش‌های هفته‌های اخیر فروریزی علنی قداست کسانی چون رفسنجانی بود. ابتدا «جامعه» با روش متین خود، «الزام طبیعی و حقوقی» دستگیری شهردار را آن دانست که دادگاه «آقای هاشمی رفسنجانی، رئیس‌جمهور سابق و آقای شصتاری وزیر پیشین کشور را نیز برای ادای توضیحات به دادگاه فراخواند» و سپس دهنمکی و رسولی‌نژاد با روش‌های نخراشیده‌ی خود به رفسنجانی حمله کردند. به این ترتیب، رفسنجانی دیگر نخواهد توانست موفقیت قبلی خود را بازیابد و «آب» رفته را به‌جوی باز گرداند. برخاستن فغان بسیاری از قلم‌زنان مطبوعات داخلی در اعتراض به این‌که چرا عدول «تازه به دوران رسیده»، یکی از «ستون‌های انقلاب اسلامی» و «عزیز رهبری» را به‌زیر سؤال برده‌اند، بعید است که باوجود «شایعاتی» که سال‌ها است درباری رفسنجانی و خانواده‌ی او را شنیده می‌شود، راه به جانی برد و «حیثیت» وی را اعاده کند. حال که کسانی در درون کشور از «خط قرمز» فرضی در مورد رفسنجانی عبور کرده‌اند، با در نظر گرفتن روحیه‌ی عمومی مردم و دیدگاه آنان نسبت به خامنه‌ی، روزی که آنان در مورد خامنه‌ای نیز چنین کنند، چندان دور به‌نظر نمی‌رسد.

عاجل‌ترین وظیفه‌ی پیش رو

در این شرایط که جامعه یک‌پارچه در شور و غلیان است، مهم‌ترین واقعه‌ی پیش رو که می‌توان و باید بر آن تأثیر گذاشت، انتخابات مجلس بررسی قانون اساسی (خبرگان) است. مردم در انتخابات دوم خرداد، به‌تعبیری به کلیت نظام جمهوری اسلامی و به‌تعبیری دیگر به شکل تا آن‌زمان تجربه‌شده‌ی جمهوری اسلامی «نه» گفتند. مردم کار خود را پایان‌یافته نمی‌دانند و خواهان تغییراتی بنیادی در ساختار سیاسی کشور هستند. انتخابات مجلس بررسی قانون اساسی (خبرگان) که در تابستان برگزار می‌شود، فرصتی است برای ابراز نظر و اقدام معین در جهت تغییر قانون اساسی ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی. تعیین مضمون و حتا نام آن، با میزان انتظارات مردم از آن و حد مشارکت آنان در تدارک آن تناسب دارد. مردم با شرکت ناچیز در انتخابات میان‌دوره‌ی مجلس نشان دادند که مشروعیتی برای اعمال نظر و نظارت استصوابی اعضای شورای نگهبان قائل نیستند. آن انتخابات تعیین‌کننده نبود و اکثریت چشم‌گیر مردم با عدم شرکت در آن به هشدار به خامنه‌ای و هواداران او اکتفا کردند. اما این‌بار، انتخابات تعیین‌کننده است. حکام جمهوری اسلامی باید تاکنون متوجه شده باشند که مردم بیدار و آگاه کشور حق خود را در مشارکت امور سیاسی و اداری هتجار جامعه طلب می‌کنند و دیگر حاضر نیستند که از این حق بگذرند.

با این وجود، شکستن مقاومت شورای نگهبان که فرمانبردار خامنه‌ای است، محتاج صرف انرژی معینی می‌باشد. برای خامنه‌ای هنوز این فرصت وجود دارد که با لغو مصوبه‌ی «نظارت استصوابی» شورای نگهبان و یا تغییر ترکیب شورای نگهبان به‌شکلی که اعضای آن به نظارت استصوابی خود اعتقاد نداشته باشند، عقب‌نشینی منظمی را برای خود و جناح خود تدارک ببیند و گزینه طبعاً برای این غفلت تاریخی خود تاوان گزافی خواهد پرداخت.

برای تأثیرگذاری بر روند انتخابات پیش رو هنوز فرصت‌هست. زمان و حساسیت اوضاع را دریابیم.

زمان سنجش فرارسیده و حتی گذشته است. در جمهوری اسلامی همیشه جناحی مانع جناح دیگر بوده این تصور که «جناح مترقی» را تضعیف نسازد، این پرسش را به‌تعمیق انداخته است. معیار سنجش و ملاک برخورد چه باید باشد؟ عمل خاتمی و نه حرف او، در یک کلام تلاش عملی در جهت تحقق خواسته‌های مردم. آزادی بلادرنگ، احزاب سیاسی، از سرگیری فعالیت کانون نویسندگان، برپایی شورا‌های ایالتی و ولایتی، عدم مخالفت با ادامه در صفحه ۱۱

اپوزیسیون دمکرات و استراتژی در قبال رژیم جمهوری اسلامی ایران بعد از پیروزی خاتمی

بخش اول

فرامرز دادور

یقیناً حادثه دوم خرداد ماه ۱۳۷۶ اوضاع جدیدی فراهم کرده که یک سازمان جدی سیاسی (در داخل و یا خارج از کشور) نمی تواند بدون توجه به آن سیاست مبارزاتی خود را سامان بخشد. فعالیت در جهت تدوین استراتژی برای استقرار دمکراسی (حکومت مردمی) و در آن راستا تلاش در جهت دستیابی به آزادی، عدالت اجتماعی و همبستگی انسانی، از مبارزین تجمیعی، انعطاف و دوراندیشی می طلبد. وگرنه خیلی راحت است که همچون گذشته به مسائل به شیوه رادیکالیسم افراطی (ارزیابی به مثابه سیاه و سفید) نگریسته شعارهای حماسه ای / انقلابی ولی در عین حال ساده انگارانه طرح نمود. واقعیت این است که در شرایط کنونی جامعه و در مقایسه با قبل از دوم خرداد، مستغیرهای جدیدی وارد عرصه سیاسی گردیده و در نتیجه طرح شیوه های فعالیت و خواسته های جدیدتر ضروری گشته اند. در عین حال، در اینکه نظام جمهوری اسلامی، قانون اساسی آن و بویژه اصل ولایت فقیه، همچنان بعنوان موانع اصلی در مقابل تحولات دمکراتیک قرار گرفته اند شکی نیست. ولی سؤال عمده این است که آیا با توجه به انجام تغییر کیفی در ترکیب گردانندگان حکومت فعلی، نمی بایست برنامه مبارزاتی متفاوت تری نیز در مقایسه با گذشته داشت؟

در این نوشته بحث اصلی این است که با انتخاب خاتمی از طرف اکثریت مردم بعنوان رئیس جمهور و در دست گرفتن قدرت اجرایی بوسیله طیف معتدل تری از حکومتگران، شیوه مبارزات سیاسی نیز می بایست بر بستر شرایط جدیدتر و در عین حال هموارتر و با توجه به فرصت های ممکن «قانونی» و «غیر قانونی» اتخاذ شود.

هم اکنون، در میان محافل حاکمه اختلافات سیاسی عمیق تر شده است. جناح راست سنتی و سازمانهای آن از قبیل جامعه روحانیت مبارز، جماعت مؤتلفه اسلامی و جمعیت دفاع از ارزشها هنوز بر نهادهای عمده سیاسی مسلط بوده با برخوردار از پشتیبانی «ولی فقیه» (آقای خامنه ای)، اکثریت مجلس، دستگاه قضایی، مجلس خبرگان و شورای نگهبان، قدرت فراوانی دارد. بخشی از روحانیت، بویژه تعدادی از علما در حوزه علمیه قم و همچنین برخی از جرائد مثل رسالت و کیهان، مدافع این طیف از حکومت هستند. در درون جامعه سرمایه تجاری و بخصوص سرمایه داران بزرگ سنتی در بازار، عمدتاً بنیاد مالی این کپ را تشکیل می دهند. همچنین برخی از طیفهای جوان از اقلیت زحمتکش و سنتی، که اکثر ناروشن بوده و دچار توهمات و تعصبات مذهبی هستند، در قالب گروههای حزب الهی، عملاً نقش نیروهای فشار و سرکوب را علیه شخصیتها و گروههای آزادیخواه بازی می کنند.

در مقابل، جبهه متشکل از معتدلیان میانه و چپ اسلامی که موقتاً حول محور انتخاب آقای خاتمی بوجود آمده بود، طبیعتاً یکدست نمی ماند. بخصوص اینکه در گذشته سیاستهای اقتصادی / اجتماعی رفسنجانی (که اکنون بعنوان رئیس شورای مصلحت نظام و معاون سخنگوی مجلس خبرگان عمل می کنند)، مجمع روحانیون مبارز، کارگزاران سازندگی و تکنوکراتهای فعال در این کپ، در مجموع بدون توجه به موضوع عدالت اجتماعی و آزادی و همچنین تحکیم غیر دمکراتیک این نظام بوده است.

در واقع، اگر آقای خاتمی، رئیس جمهور جدید بطور جدی خیال پیشبرد برنامه های ذکر شده در دوران کاندیداتوری و طرح شده در چند ماه اخیر را دارد، می باید در پاسخ به خواسته های مردم و گروههای اجتماعی در جامعه مدنی (سازمانهای کارگری، انجمن های دانشجویی، کانونهای نویسندگان و هنرمندان، متخصصین و غیره) و در همراهی با طیفهای تحول یافته رادیکال و معتدل اسلامی در پیرامون حکومت (مانند سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و فعالین حول محور نشریاتی از قبیل سلام، عصر ما، کیان و ایران فردا) و همچنین در کنار تمامی نیروهای آزادیخواه (مذهبی و لائیک) که پیرو مبارزه مسالمت آمیز هستند، اعم از سازمانهای درون کشور (مثل نهضت آزادی ایران، جبهه ملی، حزب ملت) و همچنین سازمانهای خارج از کشور (مانند حزب دمکراتیک مردم، سازمان فدائیان خلق / اکثریت، سازمان جمهوریخواهان ملی و

سازمانهای جبهه ملی) به سازندگی دمکراتیک جامعه بپردازد.

بخشی از گفته های خاتمی، مثل احترام به آزادی اندیشه، حکومت قانون و تعمیق جامعه مدنی، در واقع از جمله خواسته های اصلی مردم و تمامی نیروهای مترقی است. خاتمی در مصاحبه اش (۱۳)، در قبال از انتخابات خردادماه، به مرتضی حاجی که در آنوقت مسئولیت تیم انتخاباتی وی را داشت و اکنون وزیر تعاونی است، می گوید که: «پیشرفت اقتصادی بدون وجود یک نظام مناسب سیاسی و جامعه دمکراتیک انجام نمی گیرد». طرح نظرها باید آزاد باشند وگرنه محدودیت و کنترل افکار که غیر انسانی است موجب پیدایش فرهنگ بندگی و تسلیم طلبی می شود. «هرجامعه ای که خالی از تحمل و تساهل نسبت به نظرگاههای مختلف باشد محکوم به استبداد است». وی اضافه می کند که اگر مطبوعات آزاد باشند می توانند به مثابه یک رکن اصلی در جامعه به پخش اطلاعات و روشنگری در میان مردم بیفزایند. مطبوعات و روزنامه های محلی می باید «بعنوان صدای مردم و آینه های از شرایط زندگی آنها عمل کنند».

یقیناً یک چنین خط فکری در صورت عملی شدنش در برنامه های دوران ریاست جمهوری خاتمی، زمینه مناسبی برای تحریک حق طلبانه گروه های اجتماعی در جامعه مدنی و آزادی عمل بیشتر برای مردم و بویژه اپوزیسیون دمکرات وجود خواهد آورد. البته برخی از گفته های دیگر خاتمی، هنوز نگران کننده است و در صورت تسلیم و تغییر برنامه در زیر فشار جناح قدرتمند راست و سنتی و تقویت و تکرارهای مستبدانه در دولت وی، نمی توان امید زیادی به انجام دگرگونیهای عمیق در عرصه سیاس / اجتماعی داشت. در میان این جنبه از نظرات غیردمکراتیک می توان به اظهارات خاتمی در مورد وفاداریش به اصل ولایت فقیه و تداوم سیاست سرکوب علیه «گروه های مخالف نظام سیاسی موجود» اشاره نمود. در این مورد می توان انعکاس یک همچون پیش و برنامه های سیاسی مستفاد را در رابطه با حوادثی از قبیل ضرب و شتم آیت الله منتظری، حمله به سخنرانی های برخی از شخصیت های دگراندیش و مخالف مثل عبدالکریم سروش، حبیب الله پیمان و ابراهیم یزدی دید. پس از دستگیری منتظری، در ابتدا خاتمی، اعضای کابینه وی و نمایندگان متعلق به این کپ (معتدل) سکوت کردند و سپس بطور رقیق، آنها را تأکید به حراست از اصل ولایت فقیه، از برخورد خونین تر برخی از «گروه های فشار» انتقاد نمودند.

این در حالیست که بعضی از جریانات در پیرامون حکومت مثل سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، در عین حال که به اصل ولایت فقیه ابراز وفاداری می نمودند، ولی بطور آشکار تری به نحوه عملکرد برخی از نهادهای قدرت و از جمله رئیس قوه قضائیه، شبکه صدا و سیما و همچنین «توطئه» از طرف جناح «استبداد و انحصار» اعتراض کردند. البته تعدادی از شخصیت های مستقل تر سیاسی مانند اعظم طالقانی (نماینده مجلس)، علناً در دفاع از حقوق مدنی آیت الله منتظری، شیوه برخورد دستگاه قضائی و سازمان اطلاعات را شدیداً محکوم نمودند. آقای خاتمی و دولت وی، بعنوان دستگاه اجرایی کشور پس از سکوت اولیه، تنها به ابراز تأسف (بطور ملایم) او نحوه عملکرد برخی از گروه های حزب الله قناعت نمود. اینگونه سیاست رقیق، در صورت ادامه، به اعتبار برنامه های اعلام شده از طرف دولت خاتمی، یعنی تقویت جامعه مدنی و نهادینه کردن آزادیهای سیاسی و اجتماعی ضربه می زند. در هر صورت، با توجه به واقعیت سیاسی در ایران و جوهر غیر دمکراتیک قانون اساسی جمهوری اسلامی است که اپوزیسیون آزادیخواه می بایست، در قبال ماهیت مستفاد این نظام، رقابت های درون حکومتی و نوسانات سیاسی متأثر از آن به اتخاذ یک استراتژی مناسب دست یابد.

نقش اپوزیسیون دمکرات

سؤال عمده در حال حاضر این است که آیا نیروهای دمکرات و بویژه چپ آزادیخواه، در شرایط کنونی، چگونه می توانند دوش بدوش مردم به فعالیت ادامه دهند؟ جنبش دمکراتیک ایران در دو عرصه درون و بیرون از کشور

مبارزه می کند. در داخل ایران افراد و سازمانهای آزادیخواه (مذهبی و لائیک) مانند حبیب الله پیمان، عزت الله سحابی، عبدالکریم سروش، نهضت آزادی، جبهه ملی، حزب ملت و غیره، همواره توانسته اند که به شکل محدود در بخشی از جامعه مدنی، در حیطه مطبوعات و در اشکال نامه های اعتراضی و مباحث روشنگرانه فعالیت هایی انجام دهند. گرچه جناح راست گرای سنتی، بخصوص در چند سال اخیر، با هجوم فرهنگی از طریق سیاست سانسور و توطئه (از قبیل برنامه هویت) و همچنین شیوه های سرکوب (با استفاده از سازمان اطلاعات و گروه های حزب الله) فضا را برای فعالیت های دمکراتیک فوق العاده تنگ نموده است، با اینهمه طیف فعال آزادیخواه توانسته است با بررسی های تحلیلی - انتقادی از مسائل مهم جامعه، شرایط غیرانسانی موجود را افشا نموده پیام های روشنگرانه و خواسته های رهائی بخش را در بین افکار عمومی مطرح کند. انتخاب خاتمی به ریاست جمهوری زمینه مساعدتری را برای این کارزار اجتماعی و بویژه در حیطه جامعه مدنی (حداقل در عرصه فعالیت های فرهنگی و صنفی) بوجود آورده است که در موقعیت کنونی می باید از آن استفاده شود. در ماههای اخیر، فعالیت داخل کشور با توجه به شرایط تحول یافته، بدرستی به دامنه مبارزه افزوده اند.

البته شیوه فعالیت های یکی نیست و تفاوت های محسوس در سیاست این گروه ها و افراد وجود دارند. برای مثال گروه هایی مانند نهضت آزادی ایران اعتقاد بر این دارند که باید در چارچوب قانون اساسی موجود، «صرف نظر از اعتقاد و یا عدم اعتقاد به اصول مذهب» در آن فعالیت نمود. یعنی این مفهوم که می باید به اصل ولایت فقیه به مثابه یک بند از قانون اساسی احترام گذاشت و مبارزه سیاسی را عملاً در فضای محدودی که این اصل تحمیل می کند به پیش برد. گروه های دیگر مثل جبهه ملی و حزب ملت با نفی اصل ولایت فقیه مبارزه مسالمت آمیز را بشکل رادیکال تری ادامه می دهند. طبیعتاً، وجود اختلاف نظر در طرح استراتژی، بویژه در بعد از خردادماه ۱۳۷۶، به یکی از موضوعات مهم و بحث انگیز برای اپوزیسیون در خارج از ایران، نیز تبدیل گشته است. روشن است که اپوزیسیون بیرون مرزی که از آزادی عمل بیشتری برخوردار است می تواند به کارزار گسترده تری در دفاع از حقوق بشر و افشای گری از شرایط غیر دمکراتیک جامعه دست زند. ولی در عین حال طرح شعارها و شیوه های مبارزه که عمدتاً برای حرکت سیاسی در داخل ایران است باید با واقعیت های جامعه نیز همخوانی داشته باشد. تنها در سایه هماهنگ نمودن فعالیت های سیاسی از طرف تمامی نیروهای دمکراتیک در داخل و خارج و بوجود آوردن یک انسجام جبهه ای است که می توان بطور جدی در معادلات سیاسی جامعه تأثیر گذاشت. در این صورت نمی بایست فرق زیادی بین استراتژی اپوزیسیون آزادیخواه در هر دو طرف مرز و در رابطه با طرح اصلی ترین شعارها و اشکال حرکت سیاسی وجود داشته باشد. البته در این نوشتار نظر بر این است که بخاطر پیشبرد یک مبارزه وسیع در جهت استقرار آزادی و عدالت اجتماعی، جوهر حرکت نیز می باید به روش های مسالمت آمیز و شیوه های بیانی و گفتار انگیز متکی باشد. در واقع پیشی که مدت منظره و دیالوگ را در مرکز استراتژی مبارزه می گذارد می بایست محور اصلی برنامه های اپوزیسیون در داخل و خارج از کشور را تشکیل دهد.

اما شعار مبارزه مسالمت آمیز تفاسیر مختلفی از خود بجای گذاشته است و همانطور که در بالا اشاره شد، برخی از طیف های اپوزیسیون در داخل ایران (مثل نهضت آزادی) شکل و مضمون آنرا به فعالیت در چارچوب قانون اساسی محدود می کنند. طبعاً این نیروها بر اساس شناخت فلسفی و نگرش خاص خود به عرصه کارزار سیاست استحالته در نظام سیاسی حاکم را اتخاذ نموده اند که می توان آنرا بعنوان یکی از زوایای فشار به رژیم به حساب آورد. اما میدان مبارزه را می توان بشکل دیگری نیز نگریست و متناصب با آن شیوه مبارزاتی دیگری اعمال نمود. از نقطه نظر این نوشتار، برای نیل به اهداف آزادیخواهانه و عدالت طلبانه، ضروری است که در شعارها و برنامه ها، اهداف کوتاه مدت و همچنین

خواسته های استراتژیک، همواره منعکس باشند. وگرنه برای بسیاری از مردم، با توجه به تجربه انقلاب اخیر و درجه بالای شناخت از ماهیت غیر دمکراتیک نظام موجود، ذکر یک سری شعارها و اظهارات کلی و نامشخص دیگر به تنهایی کافی نیستند. با توجه به آگاهی بیشتر مردم راجع به نیازهای اساسی جامعه و در عین حال رشد تنوع فکری در میان مردم، موضوعی که پیشاپیش عیان است، وجود طیف های سیاسی مختلف با دیدگاه های متفاوت مبارزاتی است که در صورت تشکلی آنها در یک جبهه وسیع از اپوزیسیون دمکرات، علاوه بر توافق بر روی یک برنامه حداقل حول محور مبارزه برای احقاق دمکراسی، طبیعتاً خواسته ها و شیوه های فعالیت ویژه (فردی و گروهی) خود را نیز به همراه خواهند داشت. با توجه به این واقعیت، تقریباً غیر ممکن خواهد بود که یک چنین گستره ای از مطالبات را بتوان در سطح یک برنامه دقیق و محدود در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی محدود نمود. مثلاً طیف چپ بنا بر خصیلت ضد سرمایه داری آن نمی تواند هیچگاه از بررسی نقادانه شرایطی که در ایران و جهان حکمفرماست طفره رود. در عین حال که ضرورت مبارزه در جهت استقرار دمکراسی را همچنان می بیند. و با گروه های لیبرال / دمکرات (اسلامی و لائیک) که عمدتاً حول محور مبارزه برای اخذ آزادی در چارچوب قوانین مدنی حرکت می کنند طبیعتاً انرژی مبارزاتی خود را معطوف به فلسفه آزادیخواهی نموده و حول محور آن تمرکز فعالیت خواهند داشت. بدین خاطر، تشکیل یک جبهه دمکراتیک از افراد و سازمانهای آزادیخواه (در درون و خارج از ایران)، حول محور مبارزه در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی که خود پایه ای ترین حقوق انسانی را نقض می کند، هیچگاه به واقعیت نخواهد پیوست، مگر اینکه این جبهه خود را به سطح یک اپوزیسیون «قابل قبول» برای رژیم یک نظام مردم سالار و احقاق خواسته های بنیادی مردم معطوف می نخواهد داشت.

در مقابل، با توجه به تجربیات غیر دمکراتیک در نظام های برآمده از انقلابات بنیادگرای سوسیالیستی و توده ای در این قرن برای اپوزیسیون دمکرات و چپ آزادیخواه ضرورت طرح شعارهای واقع گرایانه که با خواسته های منطقی و همچنین درازمدت مردم خوانایی داشته باشند نیز وجود دارد. برای مثال، تبلیغ سیاست خشونت در برابر حکومت که سوار بر موج احساسات زودگذر مردم باشد معمولاً به رویارویی قهرآمیز و حرکت های تخریب آمیز و تیجتها سرکوب شدید شورشگران از طرف عوامل رژیم می انجامد که لزوماً تأثیر مثبتی در جهت تحولات دمکراتیک ندارد. در حالیکه می توان با تمرکز بخشی از فعالیت ها در چارچوب جامعه مدنی، در اشکال مختلف و با متفاوت متفاوت مبارزه مسالمت آمیز گسترده تری را پیش برد. آندسته از طیف های سیاسی (مانند نهضت آزادی ایران) که می خواهند در محدوده قانون اساسی جمهوری اسلامی (حتی اگر با برخی از مواد آن و از جمله اصل ولایت فقیه مخالف هستند) فعالیت کنند، عمدتاً استراتژی حرکت را در مسیر استحاله و اصلاحات سیاسی در درون نظام و نهایتاً تعویض قدرت در حکومت جمهوری اسلامی قرار داده اند. طبیعتاً شکل مبارزه و ماهیت شعارهای آنها نیز متفاوت است. با توجه به واقعیت حضور نیروهای متنوع در صحنه جامعه، این یکی از جبهه های نبرد برای دمکراسی است. اما در برابر جنبش دمکراتیک و بویژه طیف های چپ آزادیخواه شیوه های آلترناتیو دیگری نیز وجود دارند. در واقع تحولات بنیادین دمکراتیک، عمدتاً بر روی شالوده فعالیت های جنبش های متعدد با برنامه های متفاوت اجتماعی و در نتیجه تسلیور سیاسی فرآیند این نیروهای مختلف در یک جهت مشخص (برکناری نظام ولایت فقیه) تحقق می یابد. با شناخت از وجود این تنوع مبارزاتی است که سازمانها می باید به حفظ بنیادهای فکری و خواسته های ویژه خود، قاطعانه برنامه های مشخص خود را مطرح کنند و در عین حال در صورت تشکلی در صفوف جبهه وسیع مردمی به درجات مختلف در نبرد برای دمکراسی شرکت کنند.

اعتقاد به اصول آزادیخواهی و عدالت طلبی ژرف تر از آن است که تنها با تعویض نظام سیاسی فعلی و حتی با استقرار دمکراسی سیاسی برآورده شود. بخصوص برای اپوزیسیون چپ دمکرات که در عین حال به اتوپیای استثمارزدانی در تمام شئون جامعه معتقد است مشکل خواهد بود که شعارها و برنامه مبارزاتی خود را به سطح قانون اساسی جمهوری اسلامی تنزل بدهد. و البته، به احتمال قوی آن شکل از مبارزه مسالمت آمیز که همواره اصول بنیادین قانون اساسی را زیر سؤال برد از طرف رژیم ولایت فقیه تحمل نخواهد شد. واقعیت این است که حتی در محدوده شعارها و برنامه های معتدل طرح شده از طرف رئیس جمهور جدید آقای خاتمی، نیز یک استراتژی مدافع دمکراسی واقعی، امکان عملی کمی برای پیگیری در چارچوب قانون خواهد داشت. بنا به گفته خود خاتمی هر جریانی که مخالف نظام حاضر (سیستم ولایت فقیه) باشد می باید شدیداً سرکوب گردد. با تمام این وجود، بر عهده نیروهای آزادیخواه (چپ و ملیون) است که با طرح مشخص خطوط فکری / مبارزاتی خود، رژیم ولایت فقیه را در جبهه های متعدد مورد خطاب قرار داده درصدد تغییر و تحول در جامعه سیاسی حول محور خواسته ها و برنامه های متنوع و دمکراتیک برآیند. از نقطه نظر این نوشته، مناسبترین حرکت سیاسی برای اپوزیسیون دمکرات و جمهوریخواه، استفاده از تمامی راههای ممکن مسالمت آمیز است که بدون شک از طرف حکومت فعلی، عمدتاً «غیر قانونی» محسوب می شوند.

با توجه به این واقعیت، اگر در چارچوب موازین سیاسی حاکم نمی توان فعالیت «قانونی» نمود، پس ضرورت چاره جویی برای روش های دیگر است که فعالیت در اشکال تجمع های اجتماعی - سیاسی محور اصلی آنرا تشکیل می دهد. برخلاف شرایط موجود در جوامع پیشرفته غربی که رشد جامعه مدنی مزیندهای اولیه قانونی و آزادی عمل لازمه را برای حرکت سیاسی فردی و گروهی بوجود آورده است، در ایران مثل خیلی از کشورهای دیگر که تحت سلطه حکومت های خودکامه هستند، شیوه های مبارزه برای دمکراسی، لزوماً شکل «قانونی» به خود نمی گیرد. فعالیت های همچون اعتصاب، تظاهرات، تحریم و نامه های اعتراضی به مثابه حرکت های سیاسی هستند که در اغلب اوقات از طرف رژیم فراقانونی و یا غیر قانونی اعلام می گردند. البته اینجا جای تأکید است که حتی در جوامع لیبرال - دمکراتیک که نهادهای سیاسی (امثال جمهورییت و پارلمان) به تنهایی قابلیت حمل خواسته های مردمی را ندارند، برای جنبش های مردمی مانند سازمانهای سیاسی، اتحادیه های کارگری، گروه های طرفدار حقوق بشر و محیط زیست و انجمن های اقلیتها و زنان، فعالیت های سیاسی همیشه به خود شکل قانونی نمی گیرند. وجود شرایط ناعادلانه زندگی در این جوامع نیز نشان می دهد که حتی استقرار آزادی های سیاسی و حقوق مدنی، بخودی خود چندان به تعمیق دمکراسی به مثابه توزیع عادلانه منابع قدرت و ثروت و مشارکت فعال مردم در امور جامعه کمک نموده است. زیرا وجود قدرتهای عظیم مالی و مدافعین سیاسی آنها در احزاب محافظه کار و پستهای دولتی، بطور فاحش از قدرت سیاسی / اجتماعی اکثریت جامعه که هرچه بیشتر به نوعی از زندگی فردی و پراکنده از همدیگر رانده شده اند، برای عموم مردم در جوامع غربی، دمکراسی به واقعی آن یعنی مشارکت خلاق و پویای همگانی در اداره امور جامعه وجود ندارد. بهرحال مسله ای که می باید برای اپوزیسیون دمکرات در ایران روشن باشد این است که اصول لیبرالی (حقوق مدنی) و موازین دمکراتیک (مشارکت موثر مردم) بخشی از ارزشها و خواسته های یخچ انسانی است که برنامه ریزی برای احقاق آنها نباید به قالب های سیاسی تحمیل شده از طرف رژیم محدود شوند.

در مجموع می توان گفت که پیشرفت انسانی در جامعه، عمدتاً در گرو فعالیت خلاق شهروندان در تجمع های مردمی حول محور موضوعات با اهمیت مثل تعمیق آزادی و عدالت اجتماعی و از جمله تحقق خواسته های صنفی / اجتماعی کارگران، اقلیتها و زنان است. ادامه دارد



اولین شماره بولتن شورای هماهنگی نهادهای سیاسی - فرهنگی منتشر شد

ماه گذشته اولین شماره بولتن شورای هماهنگی نهادهای سیاسی - فرهنگی ایرانیان انتشار یافت. در این بولتن بخشی از فعالیت مشترک کانون‌ها انعکاس یافته و مقالاتی از طرف نمایندگان کانون‌های مختلف در رابطه با این فعالیت‌ها درج گردیده. در مقاله‌ای با عنوان «چشم‌انداز فعالیت مشترک را به بحث درونی کانون‌ها تبدیل کنیم» نماینده تلاشگران جامعه باز می‌نویسد: هماهنگی و ایجاد سازمان سراسری کانون‌ها و نهادهای همسو بایستی در راستای ایجاد یک جنبش گسترده سیاسی دمکرات و آزادخواهانه از کلیه این مجموعه سامان یابد. یک جنبش سیاسی - فرهنگی مدرن و پیشرو دربرگیرنده عمومی‌ترین خواسته‌های مدرن و دمکراتیکی است که برپادارندگان آن جنبش درباره آن توافق و اتفاق نظر دارند. در این جنبش در حالیکه هر یک از کانون‌ها و نهادها استقلال منثوری و تشکیلاتی خود را حفظ می‌نمایند در عین حال همزیستی دیدگاه‌ها و جهانبینی‌های سیاسی - فکری گوناگون امکان‌پذیر می‌باشد. آنچه که برای برپایی یک جنبش سیاسی - فرهنگی اهمیت دارد تدوین

اهداف و خواسته‌های مشترک سازندگان این جنبش و عینیت یسختین به ضوابط و روابط تشکیلاتی مدرن و دمکراتیک در درون آن می‌باشد برای تحقق این نکته این موضوع باید به بحث درونی کانون‌ها و نهادهای همسو و هماهنگ تبدیل گردد. نماینده کانون دفاع از دمکراسی در ایران (مالمو) در مقاله «اوضاع کنونی و برخی از وظایف نهادهای دمکراتیک» می‌نویسد: نکته‌ای که هم‌نقطه قوت و هم‌نقطه ضعف این تشکلهای را تشکیل می‌دهد خلصت جنبشی آن است. نقطه قوت زیرا که هیچ مرز سنتی سیاسی آنها را محدود نمی‌کند، بلکه بر آمال و تجزیه چند دهه اخیر ایران استوار است که گسترده‌گی آن اکثریت بزرگ و متنوعی از روشنفکران و علاقه‌مندان به فعالیت سیاسی را دربرمی‌گیرد. این تشکلهای در اصل و اساس خود جز آن منحرف مشترک پیش‌گفته هیچ مرزی نمی‌شناسد و می‌توانند دربرگیرنده تمامی افرادی باشند که به آن فرهنگ سیاسی رسیده‌اند یا بر آن تعلق دارند. نقطه ضعف زیرا که جنبش سیاسی - روشنفکری ایران تجربه چندانی در این گونه فعالیت ندارد که آثار مخرب ده‌ها و صدها بند عاطفی، سیاسی و

فرهنگی سنتی ناشی از جزم‌گرایی‌ها، سکا‌ریسم ریشه‌دار را با خود حمل می‌کند. نماینده جامعه ایرانیان آزادخواه برن می‌نویسد. فعالیت این نهادها در تضاد با فعالیت و یا ضرورت وجودی احزاب سیاسی نیست، بلکه به تامین پیش‌شرط‌های فکری و فرهنگی امر حزب یاری می‌رسانند. گرایش سیاسی و فرهنگی عامی که این نهادها حامل آن هستند به دلیل اهداف و عملکرد دمکراتیک و ترکیب فعالان آنها گرایش سوسیال دمکراتیک است. فعالیت این نهادها نباید به ارائه خدمات سیاسی و فرهنگی (پرگزاری سینتارها و میزگردها) محدود شود، بلکه باید خود مبتکر و ایجادگر کنش‌های سیاسی - فرهنگی و طرح دیدگاه‌های جدید در عرصه سیاست و فرهنگ باشد. نماینده جامعه ایرانیان دمکرات (کلن) در مقاله‌ای تحت عنوان «چند نکته در رابطه با وظایف و چشم‌اندازها» می‌نویسد: ۲ - مشکل کردن وسیع‌ترین نیروهای که اهداف یک تشکل دمکراتیک را می‌پذیرند و حاضرند در ایس‌ن راه فعالیت نمایند از

مرکزی‌ترین وظایف هر یک از این تشکل‌هاست. افزودن موادی به مرامنانه این تشکل‌ها با هدف ممانعت از پیوستن این یا آن گرایش با اهداف این حرکت مغایر است. آنچه محدود نیروهای شرکت‌کننده در این تشکل‌ها را تعیین می‌کند عمل ماست و اگر نیرویی این عمل را تایید کرده و خواهان همکاری در این راه است ما مجاز نیستیم به اتکا تفاوت نظر در دیگر عرصه‌های را دفع کنیم. گوناگونی نیروهای شکل‌دهنده این تشکل‌ها که نقطه قوت اصلی این تشکل‌هاست، در عین حال مشکلات خاص خود را نیز همراه خواهد داشت. موضعگیری عمومی به محض آنکه از اعتراض صرف و مسکومیت و سرکوب یک قدم فراتر رفته و به ایده‌های ایتایی بیانجامد با سد تفاوت مواضع منجر خواهد گردید. موضعگیری به اتکا اکثریت نیروهای شرکت‌کننده در این تشکل‌ها از درازمدت به کناره‌گیری بخشی از نیروها خواهد انجامید و بتدریج به محدود شدن این تشکل‌ها به یک یا چند گرایش سیاسی اجتماعی منجر خواهد گردید. باید گوشید بر نقاط مشترک تکیه کرده و بر این زمینه اقدامات مشترک را سازماندهی نمود.

دو امکان پیرامون حمله به سخنرانی عباس معروفی

کلام و فکر و قلم حاجت به قیام ندارد. انسدیشه و سخن «ولایت فقیه» برنی‌تاید. مردم عقل و هوش و گوش دارند. می‌دانند چه می‌خواهند و می‌فهمند چه می‌گویند. حاجتی به فرمانده و رهبر و مسیز و ولی فقیه ندارند، که این همه در ذات خودکامگی ریشه دارد. همین وبس، پس برچیده باد! ما شیوه و به طور کلی فرهنگ حزب‌الله را در هر شکل و لباسی، در هر کجای جهان محکوم می‌کنیم و قاطعانه در برابر آن ایستاده‌ایم. ما حوادث اخیر را هشداری می‌دانیم جدی و زنگ خطری که میباید ناشنیده بماند و ایبدواریم برای آن حزب و یا سازمانی که آشکار و پنهان این گونه کردار و رفتار را تشویق می‌کند همین کافی باشد زیرا در کارنامه هیچ سازمانی مترقی و مردمی میهنمان

نیست که در طول مبارزاتش برای احقاق آزادی و دمکراسی برابر هشدارهای روشن‌بینانه کانون نویسندگان ناپیایی و ناپیاسی نشان داده باشد. آنکه امروز دگراندیش را در محیطی آزاد تهدید کند، فردا بر دار آونکش خواهد کرد و این اعلام خطری است جدی به تمامی هم‌میهنان آزاده و مترقی و همچنین سازمان‌ها و نیروهای که برای رهایی بشر و دمکراسی و حقوق شهروندی انسان‌ها مبارزه می‌کنند. همه آنهاهی که در مقابل جمهوری اسلامی ایستاده‌اند.

مرگ عباس معروفی و تهدید به آتش کشاندن «نشر باران» در سوئد خلق می‌کنند... اما این مانع از آن نیست که این «کشند و آتش زدن» را یک سطر بعد به سفیخ‌ترین شیوه به حزب کمونیست کارگری نسبت بدهند. این حضرات اظهار نویسند، ظاهراً درآوند به عنوان نویسنده کلاه می‌رخانند و نان می‌خورند، اما در پاسخ به اطلاعاتی‌های نادر بکاشش و نویسنده‌های دیگری که به روش سازشکارانه‌شان در قبال حکومت اسلامی اعتراض کرده‌اند، دستشان به قلم و تحلیل نمی‌رود، بلکه یکسر دست به سنت رسوای هیتلر و هور و پستیوشه و نصیری می‌برند و برای حریف سیاسی‌شان پرونده «آتش زدن» و «افسادم علیه امنیت»... می‌تراشند. تنگ!

مثبت دارند هر چند به دو سیاست متضاد منجر می‌گردد، هر دو از یک خطا سرچشمه می‌گیرد.

اتخاذسیاست...

ادامه از صفحه ۸

انتلاف می‌کنند و بدون آنکه با یکدیگر دشمنی کنند تا چه حد مرزهای روشنی با هم ترسیم می‌کنند. اگر نیروهای مختلف با گرایش‌های گوناگون وجود نداشتند و همه چیز سیاه و سفید بود و صف مردم مخالفین مردم با یک فرمول ساده توضیح داده می‌شد، دیگر این همه مباحث ما ضرورت نداشت. تمامی دشواری مساله چگونگی رابطه با نیروهای است که مثل ما نمی‌اندیشند. نئی گوناگونی چه از موضع نئی همه آنهاهی که با ما فاصله دارند و چه بصورت یگانه جلوه دادن ما با همه کسانی که امروز بنظر ما نقش

من راجع به کسانی که برهم زدن سخنرانی وی و یا هر مخالف نظری دیگری مثلا سخنرانی داریوش هابون چند ماه قبل‌تر را سازمان می‌دهند و یا رسماً و یا تلویحاً از آن دفاع می‌کنند سخن نمی‌گویم. این نیروها هزار بارهم واژه دمکراسی و آزادی را تکرار کنند، زمانیکه در خارج از کشور نمی‌توانند سخنرانی یک مخالف خود را تحمل کنند، آیا فردا اگر قدرت را در دست داشته باشند از سرکوب دیگران ابا خواهند داشت. ولی بخش بزرگی از نیروهای که این عمل را رد می‌کنند، به یک موضع‌گیری خشک و خسالی نیز مبادرت نکردند.

نی‌کنند. حال آنکه همکوران ما در دانشگاه‌ها برای دفاع از سخنرانی سرور در برابر چماق انصار حزب‌الله مقاومت می‌کنند و پدرستی تصور می‌کنند که تد کار حقیر بلکه کار بزرگی انجام می‌دهند. عدم حساسیت در این عرصه نشانه فاصله فاصله ولایت فقیه، خود ولی فقیه را، پس باید در انتظار تهاجم‌ها و توطئه‌های دیگر آنها بود. ولی منتظر شکست‌های بزرگتر آنها هم باید شد. زمان کاملاً به زیان آنها عمل می‌کند.

زنان، تاریخ...

ادامه از صفحه ۶

محدودیت فرهنگی صحبت می‌کنند باید، بگویند برای آزادی زن چه می‌توان کرد؟ روشن‌فکران خود را با تبعیض جنسی تا آن‌جائی وفق می‌دهند که بترتی قانونی مردان حفظ شود. آن‌ها بازگشت به سوی غرب و آرمان‌های مترقی را پیش‌درا هستند و نیز از مدرنیته دفاع می‌کنند ولی در ذهن خود بر این باورند که به زنان آن‌ها

باید دست زده شود، یعنی تحول در مورد وضعیت زنان خود را نمی‌پذیرند. زنان اسیر ویژگی فرهنگی هستند و امکانات لازم برای خارج شدن از این وضعیت ناهنجار را ندارند. آنان پسران خود را طوری تربیت می‌کنند که این پسران آنها را تحت کنترل خود بگیرند. از زنجیر اسارتی که از دوران نوجوانی خود برای تربیت پسرانشان برپایشان بسته شده به خوبی آگاهند و با وجود این، تغییرات را می‌خواهند. ادامه دارد

مردم پیش می‌روند، روند حرکت...

ادامه از صفحه اول

روندهای سیاسی در کشور چیست؟

تسوسوطه‌ها و دسیسه‌های شکست‌خوردگان خرداد شده است. آقای خاتمی امید فعلی مردم برای عقب‌نشاندن هر چه بیشتر جناح ارتجاع و استبداد حکومت می‌باشد و به همین دلیل هنوز حمایت وسیع مردم را با خود دارد. آقای خاتمی و دولت او البته در جهت وعده‌هایی که به مردم داده‌اند، پاره‌ای اقدامات کرده‌اند و برخی زمینه‌سازی‌ها را تدارک دیده‌اند، ولی در همان حال فرصت‌هایی را هم از دست داده‌اند و از دست می‌دهند. فرصت‌هایی که اگر بیشتر از دست برونند، چه بسا جبران‌ناپذیر شوند. این نگرانی جدی صنف‌آرایی بین نیروهای درون حکومت، آگاهانه و فعالانه دخالت می‌کنند و بر این مبارزه تاثیر قطعی می‌گذارند و به نتیجه آن شکل می‌دهند. مردم، خود را قانع و صاحب اصلی میدان مبارزه ۲ خرداد می‌شناسند و در پیازده ماه گذشته هشیارانه برای تحکیم این دستاورد خود کوشیده‌اند.

نهضت دانشجویی که رفته رفته شکلی مستقل‌تر از حکومت به خود می‌گیرد، جنبش رو به نضج کارگری، برآمد روزافزون نیروی اعتراض زنسان، تضعیف خودسانسوری در روزنامه و نشریات مجاز و غیره و بازتاب‌های حضور و تاثیر روزافزون مردم در معادلات سیاسی کشور است. درون‌مایه اصلی جنبش مردمی هم عبارتست از ایستادگی در برابر ترور و تحمیل الیگارش بازار -روحانیت حکومتی؛ و هدف عاجل این جنبش هم، عقب‌نشاندن این گروه قدرت‌مدار از مواضع قدرت است. در یک جمله، مردم پیش آمده‌اند و پیش می‌روند. روند حرکتی آنها بازگشت‌ناپذیر است. اوضاع سیاسی کشور به وضعیت پیش از ۲ خرداد - وضعیتی که قدرت حاکم خود را در آستانه تسخیر و قبضه همه قدرت می‌دید برنخواهد گشت.

۲ - موقعیت جناح شکست‌خورده در انتخابات، طی یکسال گذشته نه تنها در جامعه که در خود حکومت هم مدام تضعیف شده است. سران این جناح و چاقاداران آلت دست آنها در این دوره از هیچ توطئه عیان و نهان برای حفظ سیطره خود بر جامعه و حکومت باز نایستاده‌اند و هر آنچه را که توانستند کرده‌اند. اما در عین حال هر چه کرده‌اند، نف سرابا از آب درآمده و زخم‌خوردتر شده‌اند. کارنامه یکساله آنها، کارنامه سراسر شکست است. البته آنها هنوز ارگان‌ها و نهادهای مقتدر، پول و پلد بسیار و دستجات چماقدار زیادی در اختیار دارند و مهم‌تر از همه دستگاه ولایت فقیه، خود ولی فقیه را، پس باید در انتظار تهاجم‌ها و توطئه‌های دیگر آنها بود. ولی منتظر شکست‌های بزرگتر آنها هم باید شد. زمان کاملاً به زیان آنها عمل می‌کند.

۳ - موقعیت جناح اصلاح‌طلب حکومت که آقای خاتمی به سبیل آن بدل شده است، قوام بیشتری یافته است. اعمال نیروی جامعه، قاطعیت بخش‌های رادیکال جناح و نیز مقاومت خود آقای خاتمی هر آنجا که اینجاست، در مقابل یورش‌های جناح حاکم مانع از مغلوب شدن رئیس جمهور دولت وی در برابر

عنوان می‌گردد. خواسته‌هایی که دیر یا زود به خواست اصلاح‌طلبان حکومت هم بدل خواهد شد، هرآینه آنان به وعده‌های خود وفادار بمانند. س: راجع به مصوبات کنگره پنجم سازمان چه دیدگاهی دارید؟ ج: البته ما در میان خود قابل به این آزادی هستیم که افراد از مصوبات کنگره برداشت‌های خاص خود را داشته باشند. اما در عین حال، سازمان ارگان منتخبی به نام شورای مرکزی و شورای مرکزی هم ارگان منتخبی به نام هیئت سیاسی -اجرائی دارد که هر دو آنها موظف و مسئول هستند تا با اتکا به اکثریت آرا در میان خودشان، موضع رسمی ما را اعلام کنند و به آن عمل نمایند. موضوع این بوده‌وست‌که: ۱) کنگره مانند کنگره‌های قبلی بر این نکته تاکید کرد که هدف استراتژیک سازمان که در برنامه سیاسی مانصریح شد، استقرار یک حکومت دمکراتیک در شکل جمهوری است که در آن حکومت از هر ایدئولوژی از جمله دین منسک است و در آن هیچ مقام و ارگان غیرمنتخب مردم وجود ندارد. این، یعنی اینکه ما اپوزیسیون جمهوری اسلامی هستیم و می‌خواهیم هم که اپوزیسیون چنین حکومتی باقی بمانیم. یک حزب سیاسی که چنین نخواهد البته که به جایگزینی این حکومت هم می‌اندیشد و برای تحقق آن هم به چاره می‌نشیند.

۲) راه رسیدن به این هدف برنامه‌ای، البته راهی پر پیچ و خم است و شیوه‌ها برای طی طریق، بسیار متنوع که خود زندگی واقعی آنها را پیش روی ما می‌گشاید. از جمله این طی طریق‌ها که داده مستقیم شرایط کنونی کشور است، مبارزه برای تضعیف هر چه بیشتر جریان‌های مستبد و ارتجاعی در حکومت و تقویت آن بخش از برنامه‌ها و اندیشه‌ها جریان‌های اصلاح‌طلب در درون همین حکومت است که در سمت آزادی، مدنیت، دموکراسی، ترقی و عدالتخواهی قرار دارند. جامعه، در حکومت هم از جامعه جدانگست. ترسیم میدان مبارزه در شکل جامعه یک طرف و حکومت همسویی آقای خاتمی و جناح اصلاح‌طلب حکومت با جنبش دمکراتیک مردم خرسندیم و از این همسویی که یک شانس تاریخی برای جنبش دمکراتیک کشور است، قاطعانه پشتیبانی می‌کنیم. ولی برنامه همسویی‌های وی با برنامه فوری جنبش دمکراسی در کشور که مخالف ولایت فقیه است، چشم برنی‌بندیم. و نه فقط چشم نمی‌بندیم که بر فشار خیرخواهانه مردم به رئیس جمهور و مدافعان وی در حکومت برای اینکه آن همسویی بر این ناهمسویی‌ها غلبه قطعی یابد، تاکید داریم.

ما پشتیبان خواسته‌ها و شعارهای اصلاح‌طلبان حکومت که در خدمت آزادی‌خواهسی، مدنیت‌گرایسی، جمهوریت و مردم‌سالاری، ترقی و عدالت اجتماعی قرار دارد، هستیم و این خواسته‌ها را خواسته‌های خود می‌دانیم. ما در همان حال مردم را به طرح مطالباتی فرامی‌خواهیم که هنوز از سوی این اصلاح‌طلبان مطرح نمی‌شود یا دستکم بسیار کم‌رنگ

فرم درخواست اشتراک

اشتراک جدید □ تمدید اشتراک □ شماره اشتراک: □

مدت اشتراک: شش ماهه □ یک ساله □ تاریخ: □

نام:..... Name:.....

نشانی:..... Address:.....

.....

.....

فرم را همراه با بهای اشتراک (حواله بانکی یا تمبر) به آدرس پست‌کنید!

بازار مشترک

قاره آمریکا

هفته گذشته سران ۳۴ کشور قاره آمریکا در سانتیاگو پایتخت شیلی گرد آمدند تا در باره تأسیس یک بازار مشترک تبادل نظر نمایند. مذاکرات در باره چگونگی تشکیل این بازار از روز ۱۶ ژوئن امسال در بوئنوس آیرس آغاز و تا پایان سال ۲۰۰۵ قرار است ادامه یابد. بانک جهانی و بانک توسعه قاره آمریکا ۱۹ میلیارد دلار برای راه اندازی این بازار تخصصی داده‌اند.

در بازار مشترک قاره آمریکا «ALCA» ۷۵۰ میلیون نفر زندگی می‌کنند و تقریباً یک سوم درآمد سرانه کل جهان در این منطقه تولید می‌شود. بنا بر تخمین صندوق بین‌المللی پول ۲۲ درصد از تجارت جهانی در این قاره صورت می‌گیرد. در این منطقه تجاری ایالات متحده آمریکا به تنهایی ۶/۶ درصد کل تولید ناخالص ملی را به خود اختصاص می‌دهد در حالی که بازار مشترک «Mercosur» شامل آرژانتین، برزیل، پاراگوئه و اوروگوئه تنها ۷/۱۰ درصد از درآمد ناخالص ملی این بازار را در اختیار دارند.

کارلوس منم رئیس جمهور آرژانتین در رابطه با تشکیل این بازار گفت: نباید فراموش کرد که کشورهای عضو این بازار به لحاظ شرایط و وضعیت توسعه اقتصادی در مراحل نامتجانسی بسر می‌برند. فرماندو هنریکه رئیس جمهور برزیل نیز توانست ترس خود را از قدرت اقتصادی آمریکا در قبال باز نمودن بازار داخلی برزیل پنهان دارد.

آگاهان اقتصادی تشکیل بازار مشترک در قاره آمریکا را به عنوان جوابی بر بازار مشترک اروپا ارزیابی می‌کنند و حتی بعید نمی‌دانند در شرق آسیا نیز حول محورهای ژاپن، چین و کره جنوبی بازار مشترک جدیدی در آینده نه چندان دور به وجود آید.

روز جمعه گذشته دوما روسیه بعد از دو بار رد کردن کاندیدای یلتسین، به سرگئی کرینکو رای اعتماد داد. وی برای احراز پست نخست وزیر احتیاج به ۲۲۶ رای مثبت داشت.

در دو رای‌گیری گذشته فراکسیون‌های اپوزیسیون شامل کمونیست‌ها و بلوک «پابلوکو» از دادن رای به کرینکو خودداری کردند. در دور آخر، رای‌گیری مخفی انجام شد و بدین ترتیب بسیاری از نمایندگان فراکسیون‌های مختلف توانستند

جدا از خط فراکسیونی خود به کرینکو رای دهند. این نمایندگان اعلام کردند: رای ما نه به کرینکو بلکه رای مخالفت با انحلال دوما بوده است.

سخنگوی کاخ سفید «میشائیل مک کوری» انتخاب کرینکو را به فال نیک گرفت و ابراز امیدواری کرد راه برای امضای قرارداد خلع سلاح «استارت ۲» هموار شده باشد.

ریشه بحران سیاسی روسیه را اما در قانون اساسی آن باید جستجو کرد. این قانون بعد از سال ۱۹۹۳، زمانی که یلتسین

روسیه: چهره جدید برای بحرانی کهنه

دموکراتیک قدرت را به همراه داشته باشد.

یلتسین سرمایه سیاسی گزافی را خرج کرینکو نمود، تا سرحد انحلال دوما پیش رفت و سرنوشته سیاسی خود را به موفقیت کرینکو گره زد. اگر کرینکو از پس حل بحران عظیم اقتصادی، ارتش و فساد در دستگاه اداری و ناپسامانی‌های اجتماعی برنیايد، آنگاه به نظر می‌رسد یلتسین با دشواری‌های بزرگتری روبرو شود.

مجلس را به توپ پست به تصویب رسید و در آن رئیس جمهور دارای اختیارات بی حد و حصر شد. همین اختیارات نامحدود است که رئیس جمهور را از تفاهم و همکاری با مجلس نمایندگان منتخب مردم بی‌نیاز می‌کند. همین اختیارات بود که به وی اجازه اعزام ارتش به چین را داد. و امروز هم یلتسین مجلس را در مقابل انحلال یا انتخاب کرینکو قرار داد. قانون اساسی که فقط به یک نفر اجازه می‌دهد کنترل مطلق بر امورات کشور داشته باشد نمی‌تواند تفکیک

زمین سوخته



هزاران هکتار جنگل در مالزی و اندونزی بر اثر آتش‌سوزی از بین رفته است. عوامل بزرگ مالکان جنگل‌ها را آتش می‌زنند تا از زمین آن برای کشاورزی استفاده نمایند. تاکنون بر اثر این آتش‌سوزی‌ها نسل صدها نوع از حیوانات ساکن این جنگل‌ها از بین رفته است. علاوه بر آن هنوز از بارش باران‌های موسمی خبری نیست و این مسئله باعث چیره‌بندی آب گردیده است. تاکنون ۲۲۹ نفر بر اثر ابتلاء به طیف «Dengue» که ناقل آن پشه‌های مناطق جنگلی هستند، کشته شده‌اند.

خواهرانم راز گور بیرون کشیدم

فکر می‌کردند خون بچه گرسنه برای سرباز زخمی مفیدتر است. پسر بچه‌ها عادت به دزدی کرده بودند و هرچه به دستشان می‌رسید می‌دزدیدند. مجازات این عمل در صورت گیر افتادن تیرباران بود. هنگامی که برای نخستین بار ۳ پسر بچه را در مقابل چشمان ما تیرباران کردند، از وحشت چشمپایمان را بستیم و در زیر تخت‌هایمان پناه گرفتیم. ما بچه‌ها که همیشه گرسنه بودیم، اغلب در آشپزخانه جمع می‌شدیم. آشپز چند تا از بچه‌ها را داخل دیگ‌های خیلی بزرگی که در آن‌ها غذا می‌پختند می‌گذاشت تا سوخته‌های ته دیگ را تمیز کنند و همین سوخته‌ها را جلوی ما می‌ریخت تا بخوریم.

بالاخره ۳ آگوست سال ۱۹۴۳ فرا رسید و سربازان ما «پلیس‌های» روسی را از مخفیگاه‌هایشان بیرون کشیدند، آنها ضربه‌کنان طلب بخشش می‌کردند. ما بچه‌ها برای سربازان مان تعریف می‌کردیم که آنها چه رفتاری با ما داشتند و چگونه با شلاق‌هایی که معمولاً ترکش توپ یا پوکه فشنگ بر سر آن می‌بستند که بیشتر دردمان را اعدام کردند. ما فقط عمو واسیلی را نجات دادیم و نگذاشتیم او را اعدام کنند. چون واسیلی همیشه مراقب ما بود و برای ما بچه‌ها غذا می‌آورد. عمو واسیلی از آنجا راهی جبهه شد. در سال ۱۹۹۱ من به منطقه‌ای که اردوگاه سربازان آلمانی قرار داشت سر زدم. بچه مدرسه‌ای‌ها در آنجا هنوز هم هنگام بازی بقایای اسکلت کودکان را پیدا می‌کنند.

نویسنده: خانم آ.گ. شمیاکینا مترجم: سیامک، م از هفته نامه «فاکتها» و شواهد چاپ مسکو

در سپتامبر سال ۱۹۴۱ نازی‌ها ما را «بی‌ای» یا «استارتسوا» را به آلمان فرستادند و مرا به همراه خواهرانم والیا (۵ ساله)، تامارا (۲ ساله) و برادرم گنادی (۱ ساله) راهی بیمارستان سربازان آلمانی نمودند. من در آن زمان ۶ ساله بودم و خیلی زود متوجه شدم که چون بزرگتر هستم حفظ و نگهداری خواهرانم و برادرم بر عهده من است. از ما بچه‌ها خون می‌گرفتند و به سربازان زخمی آلمانی می‌دادند. بیشتر مواقع انتقال خون به صورت مستقیم انجام می‌گرفت. اگر بچه‌ها بعد از انتقال خون و به علت ضعف قادر به حرکت نبودند، «پلیس‌های روسی» (روس‌هایی که به خدمت فاشیست‌ها درآمده بودند) آنان را کشتان‌کشان می‌بردند و در جلوی درب خروچی، روی تلباری از بچه‌های نیمه‌جان پرت می‌کردند. وقتی که تعداد بچه‌ها زیاد می‌شد، آنها را بار ماشین می‌کردند و در گور دسته جمعی که در ۳ کیلومتری شیر برای همین منظور کنده شده بود، می‌ریختند. من از این گودال ۲ بار والیا و ۷ بار تامارا را بیرون کشیدم. بعد از این که از عدم حضور پلیس و سگ‌ها اطمینان می‌یافتم، از اردوگاه خارج شده و برای نجات خواهرکام به طرف این گودال می‌رفتم. با استفاده از فورفتگی زمین که زیر حصار سیم خاردار ایجاد شده بود به درون گودال می‌رفتم. در این بیمارستان گنادی مُرد. از شاهرگ او مستقیماً خون گرفتند و او در خون خود خفه شد.

پزشکان آلمانی به زخمی‌های خود توجه فراوان داشتند و هرگاه از آنان فارغ می‌شدند خود را با بچه‌ها مشغول می‌کردند: آنان انواع بیماری‌های سخت و دردناک را بر روی ما آزمایش می‌کردند. عمداً به ما غذا نمی‌دادند، زیرا

בה זרה ששגגים

«بازگشت به مذهب»؟

به مناسبت پنجاهمین سالگرد تأسیس دولت اسرائیل

محمود صالحی

یهودیان خاورمیانه‌ای ۱۳/۲ ملل در حالی که درصد بیکاری در میان یهودیان اروپایی «اشکناسیم» ۴/۹ می‌باشد. این خود امروز نشانه فاصله طبقاتی و نابرابری حتی در میان فرزندان یهودیان نسل اول جامعه اسرائیل می‌باشد. حزب کارگر تقریباً سی سال بر اسرائیل حکومت کرد. در این دوران یهودیان اروپایی ارجحیت بیشتری بر خاورمیانه‌ای‌ها داشتند.

دانیل بن سیمون نویسنده اسرائیلی می‌گوید: مدل بن گورین شکست خورده است. بن سیمون حق دارد. بعد از پنج دوره مهاجرت بزرگ یهودیان از شمال

بسیاری از قطعه‌نامه‌های سازمان ملل در مورد بحران خاورمیانه را نادیده می‌گیرد. روند صلح دچار سکنه شده است و توافق‌های انجام شده در اسلو نادیده گرفته می‌شود. رابطه اسرائیل با همسایگانش دیگر خصمانه نیست اما دوستانه هم نیست.

۲ - جامعه اسرائیل: رهبر حزب کارگر «اهود» باراک» چندی پیش از یهودیان خاورمیانه‌ای رسماً عذرخواهی نمود. یهودیانی که از اروپا و آمریکا به اسرائیل آمدند با قدرت اقتصادی خود سالها تعیین کننده همه سیاست‌های این کشور بودند. درصد بیکاری در میان

فلسطینی‌ها پس دادند. قربانیان دیروز، ظالمان امروز شدند. بی دلیل نیست که فلسطینیان از این روز به عنوان فاجعه «الکبه» یاد می‌کنند.

اسرائیل بعد از ۵ جنگ با همسایگان خود، اشغال سرزمینهای آنان، محروم نمودن فلسطینیان از حقوق خود، دارای ثبات اقتصادی، حکومت جمهوری، پارلماناریسم، دموکراسی و عضو جامعه ملل است. اسرائیل در چه شرایطی پنجاهمین سال تأسیس خود را جشن می‌گیرد؟

۱ - در عرصه بین‌المللی: اسرائیل هنوز هم با قلدری،

هفته آینده پنجاه سال از تأسیس دولت اسرائیل می‌گذرد. تأسیس این دولت نتیجه هزاران سال فقر فرهنگی بشریت و آنتی زیمیتسم است. تا زمان تأسیس دولت اسرائیل، قوم یهود یکی از مظلوم‌ترین و محروم‌ترین اقوام تاریخ بشر بود. به لحاظ تاریخی آغاز رنج قوم یهود به دوران به رسمیت نشناختن حضرت عیسی به عنوان «مسیح» و تحویل او به سربازان روم باز می‌گردد.

یهودیان قرن‌ها در اروپا مورد اذیت و آزار قرار گرفتند. آنان را از ازدواج با مسیحیان منع نمودند، اجازه نداشتند بسیاری از مشاغل را انجام دهند، فروش زمین به یهودیان ممنوع بود و مسیحیان حتی از سر یک سفره نشستن با آنان نیز خودداری می‌کردند. در سال ۱۲۶۷ میلادی کلیسای «برزلا» فرمان جداسازی کامل یهودیان را صادر نمود و آنان از آن پس مجبور به زندگی در محلات یهودی‌نشین شدند.

هر چند با انقلاب کبیر فرانسه حقوق شهروندی اعضای جامعه سواي تعلقات سیاسی، مذهبی

رابطه دولت - سکولارها و ارتدکس‌های مذهبی را اینگونه تشبیه می‌کرد: «رابی‌ها» میر حلال «کوشر» بودن را بر آنان می‌زندان. «جشن» ترور اسحاق رابین معمار قرارداد صلح با فلسطینیان توسط ارتدکس‌ها عملاً پایان این رابطه بود.

شهرک بیست هزار نفری «مرداین» این روزها مبدل به پناهگاه سکولارهای فراری از اورشلیم شده است. ارتدکس‌های یهودی، اورشلیم را مبدل به جهنمی برای شهروندان اسرائیل نموده‌اند. این جهنم برای فلسطینیان صد البته داغ‌تر است. در آغاز تشکیل دولت اسرائیل، ارتدکس‌ها از سیاست دوری می‌جستند. امروز این امر بکلی تغییر یافته است. رابی اورشلیم «داوید هارتمن» می‌گوید: امروز ما قدرت سیاسی داریم و جامعه ما به یهودی‌تر شدن و بازگشت به مذهب تمایل بیشتری نشان می‌دهد.

بعد از مرگ رابین سکولاریست‌های اسرائیل خاموش شده‌اند!

آفریقا و اتیوپی، خاور میانه، اروپا، آمریکا، اروپای شرقی و روسیه، این کشور به جزایر فرهنگ‌ها مبدل شده است و شاهد نوعی جنگ فرهنگ‌هاست. اینک روس‌های مهاجر یک پنجم جمعیت اسرائیل را تشکیل می‌دهند. با انتخاب راه صلح از سوی دولت رابین تعادل قومیت و مذهب در اسرائیل که همیشه به نفع گرایش غیر سکولار عمل می‌کرد، عملاً به هم ریخت. جامعه اسرائیل اینک بر سر دو راهی انتخاب قومیت و مذهب از یک سو و سکولاریزم از سوی دیگر قرار دارد. ارتدکس‌های یهودی با شعار بازگشت به مذهب، تا به دندان مسلح هستند. به علت تلمیذ تورات از پرداخت مالیات خودداری می‌کنند، در عوض کمک دولتی دریافت می‌دارند. دولت اسرائیل و مقررات دولتی آن را قبول ندارند و راسیسم یهودیشان امر به «دریا ریختن» همه اعراب می‌کند. زمانی فیلسوف مشهور اسرائیلی «یشاهو لای-بویوتز»

برقراری و استمرار آزادی‌های سیاسی در جامعه نیاز حیاتی طبقه کارگر است

طبقه کارگر و زحمتکشان مزد بگیر در حال حاضر از داشتن شکل‌های اتحادیه‌ای مستقل و آزاد محرومند. در این که چرا چنین است، چرا با حدود ۸۰ سال سابقه جنبش کارگری هنوز زحمتکشان کشور ما از داشتن اتحادیه‌های مستقل و دموکراتیک محرومند، اظهار نظرهای گوناگونی به وسیله افراد صالح و علاقمند به این موضوع صورت گرفته است. ما همواره معتقد بوده و هستیم که علت اصلی محروم بودن زحمتکشان ایران از اتحادیه‌های مستقل و دموکراتیک، وجود دیکتاتوری‌های خشن حاکم بر ایران بوده است. مطالعه تاریخ مبارزات جنبش کارگری و همچنین تجربیات فراوان ما را به این برداشت می‌رساند و از این روی بر این باوریم که وجود آزادی‌های سیاسی پایدار در کشور، برای تشکیل و ادامه حیات شکل‌های اتحادیه‌ای از اهمیت اساسی برخوردار است.

مروری بر شواهد و فاکت‌های تاریخی

زمانی که تاریخ مبارزات گذشته جنبش کارگری را از ابتدا تا کنون مرور می‌کنیم، متوجه این مطلب جالب نیز می‌شویم که هر زمان و بنا به هر عللی که در جامعه ما اندکی آزادی به وجود آمده است، طبقه کارگر و سایر زحمتکشان توانسته‌اند با استفاده از آزادی‌های موجود، سازمان‌های سیاسی و حرفه‌ای خود را تشکیل داده و گام‌های موثری را در رابطه با تحقق خواست‌های حق طلبانه خود به جلو بردارند. از مطالعه دوران نخست تاریخ جنبش کارگری که شرح چگونگی تکوین و سازمان‌یابی اولیه طبقه کارگر می‌باشد و همزمان با انقلاب مشروطیت است، درمی‌یابیم که در اثر حوادث مربوط به انقلاب مشروطه، فضای سیاسی باز و نسبتاً آزادی در کشور ایجاد می‌شود و در پرتو فضای ناشی از تحولات دوران انقلاب مشروطیت، نخستین شکل‌های سیاسی و اتحادیه‌ای طبقه کارگر و همچنین مطبوعات و ادبیات کارگری شکل گرفته و آغاز به رشد می‌کند. همین طور که حوادث را رو به جلو مرور می‌کنیم، به دوره‌ای می‌رسیم که انقلاب مشروطه سرکوب می‌شود و تدریجاً پس از کشاکش‌ها و تنش‌های سیاسی در جامعه، رضا خان قلدر روی کار می‌آید. او پس از تثبیت قدرت خود، نگران از رشد دم افزون جنبش کارگری، با تصویب قوانین ضد کارگری و استقرار دیکتاتوری خشن سلطنتی که با قتل و شکنجه و زندانی کردن رهبران جنبش کارگری توأم است، جنبش کارگری دچار رکود می‌شود. مجدداً از این مقطع به بعد با تاریخ به جلو می‌آییم تا سقوط رضا شاه و برقراری آزادی‌های نیم بند سال‌های دهه ۲۰. مشاهده می‌کنیم که جنبش کارگری سرکوب شده، با استفاده از آزادی‌های سیاسی موجود، مجدداً خود را سازمان داده و در همان دوران کوتاه در پرتو همان آزادی‌های نیم‌بندی که به وجود آمده، به چنان رشد عظیمی نایل می‌شود که طبقه کارگر یکی از نقش آفرینان حوادث سیاسی آن دوران می‌گردد و تا این‌که کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد پیش می‌آید و در نتیجه آن مسجدها دیکتاتوری رژیم سلطنتی شاه برقرار گردیده و سازمان‌های سیاسی و اتحادیه‌ای و همچنین مطبوعات کارگری به شکل بیرحمانه‌ای قلع و قمع و نابود می‌گردند. به آستانه انقلاب بهمن می‌رسیم و مشاهده می‌کنیم که در اثر پیدایش مجدد آزادی‌های سیاسی در جامعه، سازمان‌های سیاسی و شورایی و سندیکایی طبقه کارگر با شتابی باور نکردنی تشکیل گردیده و رشد می‌کنند و به نیروی عظیم و موثری در جامعه تبدیل می‌گردند. این روند پس از انقلاب همچنان تا برقراری سیطره و تسلط دیکتاتوری مذهبی ادامه پیدا می‌کند. به دنبال استقرار و تسلط دیکتاتوری مذهبی در جامعه، طبقه کارگر بار دیگر و با شدتی که در جنبش کارگری بی‌سابقه است مورد یورش‌های وحشیانه قرار می‌گیرد. در این دوره کلیه سازمان‌های سیاسی و صنفی قلع و قمع می‌شوند و ده‌ها هزار نفر از مبارزین طبقه کارگر زندانی، شکنجه، اعدام و تبعید می‌شوند.

یکی از درس‌هایی که ما از مرور این تاریخ می‌گیریم این است که برقراری و استمرار آزادی‌های سیاسی در جامعه، نیاز حیاتی طبقه کارگر برای سازمان‌یابی و مبارزه سازمان یافته است. به همین دلیل به عقیده ما باید تمام مبارزان اصیل جنبش کارگری همدوش با سایر نیروهای آزادی‌خواه، همت خود را در این مرحله معطوف به آن کنند تا در جامعه شرایط استقرار آزادی‌های سیاسی فراهم گردد.

فعالین کارگری

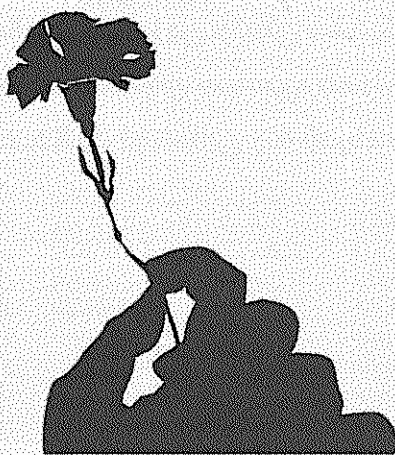
همچنان شکنجه می‌شوند و به قتل می‌رسند

بر اساس گزارشاتی که کنفرانس «وضعیت حقوق اتحادیه‌ای» منتشر کرده است، در یک ساله گذشته ۲۴۶ نفر از فعالین اتحادیه‌های کارگری جهان به خاطر فعالیت‌های خود در راه طبقه کارگر، به قتل رسیده‌اند. این کنفرانس به تازگی در ناپروبی پایتخت کنیا برگزار شد. بر اساس این گزارشات، ۲۴۶۴ فعال اتحادیه‌ای تحت پیگرد و بازجویی قرار گرفته و شکنجه شده‌اند. بر اساس گزارشاتی که به این کنفرانس ارائه گردید، گفته شده که در سال گذشته ۷۶۰ نفر از فعالین جنبش

بر اساس گزارشاتی که کنفرانس «وضعیت حقوق اتحادیه‌ای» منتشر کرده است، در یک ساله گذشته ۲۴۶ نفر از فعالین اتحادیه‌های کارگری جهان به خاطر فعالیت‌های خود در راه طبقه کارگر، به قتل رسیده‌اند. این کنفرانس به تازگی در ناپروبی پایتخت کنیا برگزار شد. بر اساس این گزارشات، ۲۴۶۴ فعال اتحادیه‌ای تحت پیگرد و بازجویی قرار گرفته و شکنجه شده‌اند. بر اساس گزارشاتی که به این کنفرانس ارائه گردید، گفته شده که در سال گذشته ۷۶۰ نفر از فعالین جنبش

بسیل یوردان، دبیر کل اتحادیه‌های کارگری آزاد گفت: چین و کشورهای آسیایی دارای مناطق آزاد تجاری، به هیچ وجه حاضر به شناسایی حقوق اتحادیه‌های کارگران نیستند.

اول ماه مه روز جهانی کارگر خجسته باد!



پیام شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به مناسبت اول ماه مه اول ماه مه روز جهانی کارگر، گرامی باد!

در سال گذشته کارگران گام در مبارزه‌ای پیگیر برای کسب مطالبات خود گذاشتند. اعتصابات کارگران نورد اهواز برای افزایش دست‌مزدها و برخورداری از بیمه حوادث، اعتصاب چهار هزار کارگر ماشین سازی اراک برای افزایش دست‌مزدها، اعتصاب هفت هزار کارگر گروه صنعتی ملی برای افزایش دست‌مزدها به مدت ۵ هفته و اعتصاب ۱۴۰۰ کارگر کارخانه ریسندگی بافتان اصفهان در اعتراض به تصمیم مدیریت مبنی بر اخراج تعدادی از کارگران، از نمونه‌های مبارزات کارگران در سال ۷۶ است. در همین روزهای اخیر شاهد حرکت اعتراضی کارگران کارخانه پارسان در رشت و تجمع اعتراضی مجدد کارگران چیت سازی بهشهر بودیم.

دامنه اعتصابات کارگری در سال گذشته آن چنان وسیع بود که اخبار آن به مطبوعات راه یافت و در سطح جامعه پخش شد. اعتصابات کارگری سال گذشته، حاکی از تحرک جدید کارگری در جنبش کارگری است. در راس خواسته‌های کارگران، افزایش دست‌مزدها و مبارزه علیه اخراج‌های کارگری قرار دارد. در عین حال کارگران برای اجرای طبقه بندی مشاغل، قرار دادهای جمعی و بهبود شرایط محیط کار، مبارزه می‌کنند.

ضعف بزرگ جنبش کارگری، هم چنان سازمان نیافتگی آن و نبود شکل‌های مستقل کارگری است. به همین خاطر حرکات کارگری هم چون جزایر تک افتاده می‌ماند تا زنجیر به هم پیوسته. اکنون تشکیل سندیکاها و اتحادیه‌ها کارگری در راس وظایف جنبش صنفی کارگری قرار دارد. این امر می‌تواند با تشکیل سندیکاها و یا از طریق تبدیل شکل‌های موجود در کارخانه‌ها به سندیکاها، مستقل، تحقق پذیرد.

کارگران و زحمتکشان!

در شرایط کنونی، میهن ما درگیر مبارزه‌ای گسترده برای استقرار جامعه مدنی و تامین آزادی‌های سیاسی و مبارزه علیه رژیم ولایت فقیه است. شما کارگران در این مبارزه و استقرار آزادی‌های سیاسی در کشور بیش از هر قشر و طبقه دیگری نفع دارید. بدون آزادی‌های سیاسی، آزادی تشکلی‌های کارگری و دفاع مشکل و قدرت‌مندانه از خواسته‌های صنفی نیز ناممکن خواهد بود. برای استقرار آزادی، برای آزادی تشکلی‌های کارگری خود، متحد شوید و مبارزه کنید!

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
اردیبهشت ماه سال ۱۳۷۷

کارگران و زحمتکشان ایران!

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، روز جهانی کارگر را به شما شادباش می‌گوید و یاد همه مبارزانی را که طی یک قرن اخیر به خاطر آماج‌های انسانی اول ماه مه رزمیده‌اند، پاس می‌دارد.

اول ماه مه، سمبل همبستگی و پیکار کارگران و زحمتکشان علیه ستم سرمایه و بی‌عدالتی اجتماعی و برای دستیابی به جامعه‌ای عادلانه و انسانی است. اردوی کار در این پیکار تاریخی در دو قرن اخیر به موفقیت‌های شایانی دست یافته و سرمایه‌داری را گام به گام در این یا آن عرصه عقب نشانده است. آن چه کارگران و زحمتکشان به دست آورده‌اند نه حاصل عقلایی شدن سرمایه‌داری، بلکه نتیجه مبارزه سنگین و بی‌وقفه آن‌هاست. در دو دهه اخیر، بار دیگر سرمایه‌داری برای پس گرفتن آن چه در دهه‌های بعد از جنگ جهانی دوم از دست داده بود، پا به میدان گذاشت و به تهاجم سنگینی دست یازید و بخشی از آن‌ها را باز ستاند. اما سرانجام جریان محافظه کاری نو در مراکز اصلی آن شکست خورد و جای خود را به احزاب میانه و چپ داد. اکنون جنبش کارگری موضع تدافعی خود را پشت سر گذاشته است و مبارزه همه جانبه‌ای برای بازگرداندن حقوق پای‌مال شده زحمتکشان و حل معضل بیکاری توده‌ای، کشورهای سرمایه‌داری را فرا گرفته است.

در شرایط کنونی، پیکار علیه ستم سرمایه با مبارزات دموکراتیک، از جمله مبارزه برای حفظ محیط زیست و شکاف میان شمال و جنوب گره خورده است و زمینه گشایش جبهه وسیعی برای مبارزه با اردوی سرمایه و شکل‌گیری همبستگی جهانی برای رادایابی جهت حل معضلات جامعه انسانی فراهم ساخته است.

کارگران و زحمتکشان ایران!

در کشور ما در سال گذشته بر اثر رکود اقتصادی، کمبود ارز و کاهش ظرفیت تولیدی کارخانه‌ها، موج اخراج‌ها تداوم یافت، تورم لجام گسیخته دست‌رنج ناچیز کارگران را ربود و بر فقر و فلاکت آن‌ها افزود و سطح زندگی و قدرت خرید کارگران باز هم کاهش یافت و در مقابل، لایه نازکی از جامعه بر ثروت‌های افسانه‌ای خود افزودند و دست‌رنج زحمتکشان و ثروت ملی را غارت کردند. بنا بر آمار بانک مرکزی، بیش از نیمی از خانواده‌های شهری در زیر خط فقر به سر می‌برند، فاصله عمیقی بین لایه نازکی از جامعه با اکثریت عظیم آن به وجود آمده است.

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است

اوج‌گیری و گسترش اعتصابات و اعتراضات کارگری در ماه‌های پایانی سال گذشته حکایت از آن دارد که طبقه کارگر بردباری و تحمل عذاب در سایه دیکتاتوری و استبداد حاکم را از خواسته‌ها و مبارزات خود پیش از پیش به مبارزه روی می‌آورد. تا زمانی که وضعیت چنین است و تحولی اساسی در اوضاع اقتصادی کشور صورت نگرفته است، نه تنها نمی‌توان به بهبود اوضاع اقتصادی کشور امیدوار بود، بلکه باید منتظر وخیم‌تر شدن وضع ماند. گسترش باز هم بیشتر مبارزات، اعتصابات و اعتراضات کارگران در این شرایط اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.

در جریان این مبارزات است که کارگران به نقش و اهمیت تشکلی‌های مستقل کارگری و قدرت اعتصاب پی می‌برند. رژیم تا به امروز با توسل به انواع شگردهای مختلف، از جمله توسل به روش‌های سرکوب‌گرانه کوشیده است مانع ایجاد تشکلی‌های مستقل کارگری شود و کارگران را از مهمترین سلاح ادامه در صفحه ۴ و ویژه‌نامه

گرفته‌اند تامین کرده و پرداخت کنند. اخذ وام از این موسسات نه بر پایه نیازهای واقعی کشور، بلکه در جهت سیاست‌های مصرفی و بی‌فایده و بحران‌زا صورت گرفته و بخش عمده‌ای از این وام‌ها به دلیل ندامت‌کاری‌ها و سوءاستفاده‌های کلان وابستگان درجه اول حکومت حیف و میل شده و از میان رفته است. رژیم در طول نوزده سال گذشته، علیرغم فرصت‌ها و امکاناتی که در اختیار داشته است، برنامهریزی و سیاست‌گذاری مناسبی برای تحول در اقتصاد تک محصولی نفت صورت نداده است. دولت به جای صرف درآمدهای نفتی در امور تولید و توسعه و خدمات اجتماعی، مقادیر هنگفتی از این درآمدها را صرف ارتش و نیروهای مسلح و مقاصد امنیتی و سرکوب‌گرانه کرده است. مجموعه این سیاست‌های ضد مردمی، دست به دست هم داده و وضعیتی را به وجود آورده که جان توده زحمتکش را به لب رسانده است. از این روست که ما شاهد گسترش مبارزات مردمی به خصوص مبارزات کارگری هستیم.

ورشکستگی و فلاکت قرار گرفته است. میهن ما طی این سال‌ها جولان‌گاه سرمایه‌داران بازار و دلالان و عوامل بالای رژیم بوده است. سران رژیم در سال‌های گذشته با گرفتن وام‌های کلان از موسسات بین‌المللی به منظور تامین هزینه‌های مالی خود و پذیرش شرایط ظالمانه و اسارت‌بار این موسسات، ایران را در زمره کشورهای بدهکار جهان قرار داده‌اند. در قبال گرفتن وام از صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، رژیم تعهداتی سپرده است که اجرای آن‌ها حتی در کشورهایی که شرایط بهتری از ایران دارند، باعث فلاکت و بدبختی مردم شده است. در جهت اجرای همین تعهدات، سران رژیم به تدریج سوسپید مایحتاج عمومی و سودجه خدمات عمومی، بهداشتی، آموزشی و عمرانی را کاهش داده‌اند و برای صرفه جویی در هزینه‌های دولتی، سیاست واگذاری موسسات مهم و کلیدی را به بخش خصوصی و کاهش کارکنان موسسات دولتی را اتخاذ کرده‌اند. آن‌ها امیدوارند از این طریق بهره‌ام‌های کلانی را که از موسسات بین‌المللی

مناسبت‌های مختلف به آن اعتراف می‌کنند و می‌کوشند با وعده و وعیدهای توخالی از قلیان خشم کارگران و کارمندان جلوگیری کنند. سرفه‌های زحمتکشان چنان خسالی است که آن‌ها به اضافه‌کاری‌های طولانی تن می‌دهند و ساعات طولانی در چند شیفت در مکان‌های مختلف کار می‌کنند، اما باز گرانی و تورم همه دستمزد آنان را می‌بلعد و قادر نیستند از پس هزینه‌های کمرشکن زندگی برآیند. گرانی مایحتاج عمومی، کمبود مسکن، هزینه‌های بالای بهداشتی و آموزشی، بیکاری و سایر مشکلات اجتماعی و همچنین فشارهای بی‌حدی که از جانب حکومت اسلامی و سرمایه‌داران بر کارگران وارد می‌شود، توده زحمتکش ایران را در جهنمی گرفتار کرده است که نامش جمهوری اسلامی است. با وجود چنین شرایطی، راهی جز اعتراض و اعتصاب برای کارگران باقی نمانده است.

اقتصاد کشور در سیاست‌های اقتصادی رژیم، به خصوص در زمان ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی، اینک در آستانه

اسمال در حالی به استقبال اول ماه مه، روز همبستگی کارگران جهان می‌رویم، که از سویی شاهد اوج‌گیری شتابان مبارزات صنفی کارگران و زحمتکشان هستیم و از سویی دیگر مشاهده می‌کنیم که وضعیت زندگی و معیشت کارگران و زحمتکشان در مقایسه با سال گذشته آشکارا به وخامت گراییده است. بنا به گفته دست‌اندرکاران حکومت در امور کارگری، از تعداد ۵ میلیون کارگری که در ایران وجود دارند، قریب به دو میلیون نفر آنان بیکارند. علاوه بر آن هر سال صدها هزار به خیل بیکاران اضافه می‌شود. یکی از علل عمده اعتصابات و اعتراضات کارگری به ویژه در سال گذشته، عدم دریافت به موقع دستمزد و حقوق‌ها بوده است. گرانی و تورم در جامعه پدید می‌آید و علیرغم افزایش دستمزد کارگران و کارمندان، میزان افزایش و سطح نازل دستمزدها به هیچ وجه با بهای مایحتاج عمومی و رشد دم‌افزون قیمت‌ها و هزینه‌ها تطابق ندارد. وضعیت اقتصادی زحمتکشان آن قدر به وخامت گراییده است که مسئولین رژیم نیز به



به سوی ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری

تشکیل اتحادیه‌های دموکراتیک و مستقل کارگری، پیوسته یکی از هدف‌های مهم فعالین و مبارزین جنبش کارگری ایران بوده است. در دهه‌های گذشته تلاش‌های زیادی به وسیله فعالین و مبارزین اصیل این جنبش برای تحقق این هدف صورت گرفته که در مقاطعی تلاش‌های مذکور به ثمر رسیده و حاصل آن‌ها تشکیل اتحادیه‌های مستقل کارگری بوده است. اما کلیه اتحادیه‌های شکل گرفته، پس از مدت کوتاهی فعالیت، یکی پس از دیگری توسط رژیم‌های دیکتاتوری حاکم بر ایران منحل و غیر قانونی گردیده و اعضا، فعالین و رهبران آن‌ها مورد تعقیب و پیگرد و شکنجه قرار گرفته و حتی اعدام شده‌اند. مبارزان و فعالان جنبش کارگری ایران اساساً هیچگاه مایل به تشکیل اتحادیه‌های کارگری مخفی نبوده و نیستند و پیوسته نهایت تلاش خود را صرف ایجاد شرایط لازم جهت تشکیل اتحادیه‌های کارگری مستقل و علنی کرده‌اند. تنها در مقطعی از تاریخ جنبش کارگری که هیچ امکانی باقی نمانده، مبارزان و فعالان این جنبش مجبور به فعالیت‌ها و ارتباط‌های مخفی شده و هسته‌های مخفی اتحادیه‌ای ایجاد کرده‌اند. با توجه به شرایط جدیدی که در اثر تحولات و رخدادهای پرشتاب ماه‌های اخیر در کشور به وجود آمده است، کارگران امکان یافته‌اند با استفاده از فضای موجود و بهره‌گیری از تمام امکانات و تجربیات، سازمان‌دهی تشکل‌های علنی و مستقل کارگری را جزو خواسته‌های مطالباتی خود قرار داده و برای آن مبارزه کنند. اکنون برای مبارزه در راه تشکل‌های کارگری، فرصت‌ها و امکانات تازه‌ای پدید آمده است که باید از آن‌ها به درستی استفاده کرد. مطالبه ایجاد سندیکاها و سایر تشکل‌های کارگری، امروز هم در میان کارگران نیروی بزرگی دارد و هم در شرایط جامعه امکان طرح گسترده و وسیع آن را فراهم آورده است. مبارزه برای ایجاد سندیکاها، باید یکی از هدف‌های اصلی و یکی از شعارهای مهم فعالین کارگری در شرایط تازه‌ای که پیش آمده است، باشد. مبارزه فعالین جنبش کارگری برای سازمان‌دادن مبارزات کارگران و ایجاد سازمان‌های صنفی و سندیکایی کارگران، هم گام مستقیمی است برای دفاع از خواسته‌ها و مطالبات فوری کارگران و هم تلاشی است برای این که این نیروی عظیم را بهتر سازمان‌دهی کرد و در خدمت جنبش دموکراسی در کشور درآورد.

یادنامه برخی از فعالین و مبارزین جنبش سندیکایی ایران که در جریان فاجعه کشتار زندانیان سیاسی، همراه با مبارزان دیگر راه آزادی و عدالت اجتماعی به شهادت رسیدند

مبارزین جنبش کارگری بود و پس از مقاومت‌های دلیرانه در زندان که از کسی با سن و سال او بعید بود، در جریان فاجعه ملی به شهادت رسید. رفیق بندگان از سازمان‌دهندگان با نفوذ تعدادی از سندیکاهای صنوف پس از انقلاب بود. او مدتی را نیز زندانی رژیم شاه بود. رفیق بندگان در ضربات سال ۶۵ به فعالین سیاسی، دستگیر شد و پس از شکنجه‌های فراوان، در جریان کشتار ملی در سال ۱۳۶۷ اعدام شد. شکتجه‌گران رژیم اسلامی برای دست یافتن به اطلاعات گسترده‌ای که از فعالین و مبارزین جنبش سندیکایی داشت، تا دم مرگ او را شکنجه کردند، اما سینی نازلی‌وار زبان به سخن نگشود. رفیق هدایت‌الله معلم یکی از مبارزین کهنسال جنبش کارگری ایران از دوران شوروی متحده مرکزی به بعد به شمار می‌رفت. او عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران فلزکار مکانیک تهران بود و پیش از یک سوم عمر خود را در زندان‌های دو رژیم شاه و خینی گذراند. رفیق هدایت‌الله همواره یکی از پرروجه‌ترین

مردم زحمتکش و کارگران علاقه‌ای بزرگ داشت. با وجود این که ماه‌ها پیش از دستگیری‌اش فهمیده بود که تحت تعقیب پلیس قرار دارد، اما حاضر به ترک ایران نشد و سرانجام در یورش‌های گسترده و نسجیره‌ای پلیس به فعالین سیاسی در سال ۶۵، دستگیر شد. رفیق پرویز نیز از آنانی بود که در زیر شکنجه هیچ گفت و در سال ۶۷ همراه به‌شمار یارانش تیرباران شد. رفیق حسن جلالی عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران چاپ تهران بود و مدتی را نیز در زندان‌های رژیم شاه به سر برده بود. به توصیف دوستانش، او یکی از خلاق‌ترین رهبران سندیکایی پس از انقلاب بود و مدت‌ها پیش از هجوم رژیم به مبارزین جنبش کارگری، این هجوم را پیش‌بینی کرده و معتقد به سازمان‌دهی مخفی مبارزات کارگری بود. رفیق حسن نیز به همراه انبوه یارانش در سال ۱۳۶۷ اعدام شد.

اول ماه مه

ارنست فیشر

چیز تهی نیست، تنها یکی از ما تنها حیات حقیر انسانی، ویران شده تنها ذره‌ای ناچیز از جهان در جهنم ماشین‌ها، کارخانه‌ها و خرده‌پاش‌ها در هم شکسته است، خرد شده است، متلاشی شده است...

بگذار خدا نداند و تاز از بود زندگی بگذرد به ندای بیزار، ناگاه الهی‌ای بر حرارت آنان را گرفته برافروخته است در جهشی ناگهانی از عشق در چیزی از نیت پس مانده‌های با مال شده به یکدیگر در آمیخته‌اند به توفانی سوزان و آتش فشاننده جوشان و رازآمیز، تبدیل شده‌اند و امروز، اینک! آن توده، مائیم جوانی ما - که دیری است از یاد رفته در تهران به گمان در یافته و هرگز نتوانسته ایمال ما - که به تدریج از دست رفته‌اند روزهای ما - که هرگز تاجی از پیروزی بر سر نمانده‌اند زندگی ما - دستخوش تیره روزی و شرمساری همه ناگاه از این حرارت سوزان شعله‌ور می‌شوند و بلند و تابناک زبانه می‌کنند هر چند اکنون به وضوح نمی‌توانیم شادی کنیم و نمی‌توانیم در آرامش بسوی هدف‌های تجیب خویش گام برداریم با این همه، ما خداوند سرنوشت خوبشیم بهاریم، جوانی هستیم، سینه‌دهیم! و نخستین روز مه، روز ناست، از آن ناست

نخستین «اول ماه مه» من!

رضا کریمی



کردند و به همین علت وقت زیادی داشتیم تا با اوستا باشیم. مبارزه و این جور چیزها حرف می‌زد، او از دنیای دیگری برای صحبت کرد که در آن از بیکاری خبری نیست و هر کارگری خانه‌ای دارد مثل خانه ثروتمند اصفهانی، همان جا که من مدتی نگهبان بودم. اتاق‌های متعدد، سالن نشیمن، نهارخوری، آشپزخانه بزرگ دود گرفته که همیشه خدا بوی غذای خوشمزه از آن می‌آید، حیاط دراندشت پر گل و چمن با استخری در انتهای آن که خانم صاحبخانه با دو دخترش جلو چشم هر محرم و نامحرم در آن تن به آب می‌زدند. دلم نیامد به اوستا بگویم خانه آرزویی من به خانه ثروتمند اصفهانی شبیه نیست، دلم می‌خواست خانه‌ای مثل خانه کارگران شرکت نفت در میان کوه آغاچاری می‌داشتم با دو اتاق دراز با پنکه‌ای برقی آویزان بر سقف که یکی از اتاق‌ها درش به حیاطی باز شود که در آن سبزی کاشته شده و دورش توری سیبی باشد. اتاق دیگر درش رو به حیاط سمتی باشد که در انتهای یک سمت آن آشپزخانه‌ای با لوله کشی گاز و سمت دیگر دستشویی و دوش آب و دری به کوچه داشته باشد. یک روز مانده به اول ماه، اوستا پیشنهاد کرد که فردا همراه او و دوستان دیگرش جشن اول ماه مه را برگزار کنیم. سفارش کرد با سر و وضع مرتبی در جشن ادامه در صفحه ۴ ویژه‌نامه

گزارشی از زنان قالیبافی که بزرگ‌ترین قالی دنیا را می‌بافند

گرانی است، مشکل زیاد داریم، دوازده نفریم...

همون اولی که دار قالی بالا رفت. روزی چقدر حقوق می‌گیری؟ روزی سیصد و دوازده تومان! سیصد و دوازده تومان؟! بله خانم جون، تازه از عید امسال حقوقمان زیاد شده، اولش کمتر می‌گرفتم، دو رج به کارمان اضافه کردند، حقوقمان هم بیشتر شده... چند تا بچه داری؟

شورای نگهبان

فقط صلاحیت‌ها را رد نمی‌کند...

طبق قانون کار جمهوری اسلامی، زنان کار بیمه شده، در زمان کار حق بازتستگي و کلیه کسورات مربوطه را پرداخت می‌کنند، اما در صورت فوت، فرزندان صغیر آنها از دریافت حقوق بازتستگي صرفاً به این دلیل که شخص بیمه شده مادر آن‌ها و زن بوده است، محروم هستند. در اواخر خرداد ماه سال گذشته، پس از دو بار رد شدن، طرح «برخوردری بازماندگان زنان بیمه شده»، تصویب شد. طبق طرح مذکور، چنان چه زن بیمه شده فوت کند، فرزندان ذکور او، در صورتی که سن آن‌ها کمتر از ۱۸ سال تمام باشد یا منحصراً به تحصیل اشتغال داشته باشند، تا پایان تحصیل از مستمری بازماندگان استفاده خواهند کرد. فرزندان دختر در صورتی که شوهر نداشته باشند و دارای شغل و حرفه نباشند، مستمری دریافت خواهند کرد. این طرح پس از تصویب مجلس به شورای نگهبان ارایه شد. شورای نگهبان این طرح را به دلیل «بار مالی» آن رد کرد.

روستایی به نام «بن»، روستایی در چهار محال بختیاری که تازه نام شهر بر آن گذاشته‌اند. در این روستا بزرگ‌ترین فرش جهان را بر دار برده‌اند. فرشی ۱۵۰ متری که از سال ۷۴ بر دار شده است و گفته بودند در خرداد ماه امسال به پایان خواهد رسید. این فرش را ۱۲۰ زن و دختری چهارمعالی می‌بافند. چگونه؟ گزارشگر مجله «زن روز» در این مورد می‌نویسد: به طرف کارگاه حرکت می‌کنیم و خیلی زود درمی‌یابیم که اصلاً کارگاه فرشی در میان نیست، بلکه این سالن و انبار آتش نشانی است که به جای پذیرفتن ماشین‌های آب‌پاش قرمز، دار بزرگ قالی را در خود جای داده است. وقتی در چهارچوب در بزرگ کارگاه قرار می‌گیریم، برای لحظه‌ای عظمت دار و بزرگی فرشی که لوله شده است ما را در جا می‌خکوب می‌کند. تی...تی...تی...تی...تی...تی...تی...تی... که در این کارگاه به گوش می‌رسد، ابتدا جز سایه‌هایی از زنان بافتنده پشت تار چیزی ندیدیم، فقط ۳۰ سایه. بعد ناگهان هشتاد دست و چهل صورت از پشت تارهای کنار زده شده، به ما خیره شد. زنان قالی‌باف با احتیاط گوشه‌هایی از رنج‌هایشان را برای خبرنگار می‌گویند، می‌ترسند که همان لقمه نان‌شان را نیز از دست دهند: خانم، به کسی نگویی که این حرف‌ها را زده‌ایم... شوهر من بیکار است. اگر همین شش هفت هزار تومان را هم خانه نبریم، بیچاره‌ایم! مگر تا به حال مشکلی پیش آمده؟ ... قالی‌بافان چه گفته‌اند که اینک نگران عواقبش هستند؟ چند سال است که این جا کار می‌کنی؟ نزدیک سه ساله، از

آن روزها کارگر روزمزد بودم، چند روزی در این کارگاه و چند ماهی در آن کارخانه مشغول می‌شدم و بعد هم تسویه حساب تازه. مدتی به استخدام یکی از کارخانه‌های بافندگی اصفهان در آمدم. حقوقش خیلی کم بود اما این امید وجود داشت که استخدام دائم شوم. همین به من دلگرمی می‌داد. با تازه استخدامی‌ها شرط گذاشتند که در صورت رضایت سرپرست بخش، بعد از شش ماه استخدام رسمی خواهند شد. کار بسیار طاقت‌فروسا بود. چندین برابر کارگرانی که استخدام دائم بودند از ما کار می‌کشیدند، اما من و یک نفر از هم‌ولایتی‌هایم که جسم و تن سالم و قرص و قایمی داشتیم، بیشتر از دیگران هم کار می‌کردیم. می‌خواستیم رضایت سرپرست را به دست بیاوریم. کارگران اصفهانی ما را دست می‌انداختند. فارسی صحبت کردن ما بدون لهجه اصفهانی، گزرگ دست آن‌ها می‌داد تا خوددیشی‌هایی ما پیش سرپرست را تلافی کنند. ما از پس زبان آن‌ها بر نمی‌آمدیم. از مشت و لگد هم نمی‌توانستیم استفاده کنیم. روی دنده لیج افتاده بودیم و چند برابر بقیه کار می‌کردیم. سرپرست از کار ما راضی بود اما کارگران دیگر از ما بدشان می‌آمد. یکی از روزها که با هم‌ولایتی‌ام در سایه دیوار نان و پنیر نهار می‌خوریم، یکی از کارگران که به اوستا محمدعلی معروف بود، آمد پیش ما نشست و قابلمه پر از پلو و خورش خود را روی بقیه نان ما گذاشت. با اصرار او غذا را قبول کردیم و دوست من گفت: من غذای نذری نمی‌خورم. اوستا خندید و گفت: نذری نیست، امروز جشن اول ماه مه است و ادامه داد: به جز ملکیت ما، در تمام کشورهای دنیا این روز را جشن می‌گیرند. ما را هم نوزاد کرد که به اندازه دیگران کار کنیم و گفت که به شما دروغ گفته‌اند، هیچ کارگر جدیدی استخدام

باید این فرش را تمام کنید! آوه... خانم، شما کجای کاری، صد تا زن دیگه اسم نوشتن و توی نوبتن که بیان فرش بیافن، تازه ما شایتم آوردیم که این جا کار می‌کنیم. دوست داشتی ماهی چند می‌گرفتی؟ برق خوشحالی توی چشمانش می‌دود و خیالش به سمت آسمان پر می‌کشد: مثلاً... پونزده هزار تومان! اگر این فرش بزرگ را بفروشند، دوست داری چقدر به تو بدهند؟ خیلی بگم عیبی نداره؟! نه، چه عیبی داره، بگو! نفس را در سینه حبس می‌کند و بزرگ‌ترین رقم ممکن را می‌گوید: سیصد هزار تومان! خانم خبرنگار احساس خود را شرح می‌دهد: یکی دو ساعت قبل ماجراجویی و شوق دیدن بزرگ‌ترین فرش دستباف دنیا، مرا از پله‌های دار این فرش بالا برد، اما از این ببعده‌گویی بغضی در قدم‌های من خانه می‌کند... خانم خبرنگار در گردش خود در محوطه کارگاه اطلاعیه‌ها را می‌خواند و متوجه می‌شود که برای اضافه شدن حقوق، کارگران باید هر روز به جای ده رج، دوازده رج بیافند، که جمعه‌ها هم باید کار کنند و... او از آقای احمدی مسئول اداره بهزیستی استان شنیده است که کارگران در عین حال سهامداران این فرش عظیمند. کارگران قالیباف می‌گویند: سیصد خانوم، اما چه فایده؟ چه سهمی؟ دو سال و نیمه که مثلاً سهامداریم، اما مدرکی نداریم، کاغذی به ما ندادند، حالا بگیریم نصفه شب فرش تمام شد و یکی آمد جمع کرد برد، دست ما به کجا بند است، ها؟ خانم خبرنگار از زنان دیگر می‌پرسد: شما هم مدرکی ندارید؟ ادامه در صفحه ۴؟؟

کوچک ترم. مدرسه رفته‌ای؟ بله، تا کلاس سوم راهنمایی، بعد دیگر نتواندم. چرا؟ خوب نخواندم دیگر؛ سرش را می‌اندازد پایین؛ می‌خواستم کار کنم، کمی خرج بایام. راضی هستی؟ نشاشم چکار کنم، چاره‌ای که نیست. توی خانه هم فرش

پنج تا از ساعت چند میایی اینجا؟ از صبح تا ساعت دوازده زن قیچی به دست دیگری، کسی دورتر با لهجه ترکی می‌گوید: ما می‌ریم، بعد به عده دیگه میان، اون‌ها هستن تا شش بعد از ظهر. دو سه دختر جوان درست وسط فرش نشسته‌اند: چند سال داری؟ شانزده سال! از تو کوچک‌تر هم این جا کار می‌کنند؟ نه، من از همه



جنبش کارگری و سرمایه‌داری کهنه نو

سهراب میثری



رفرمیست، همزومنی ایدئولوژیک خود را بر جنبش اتحادیه‌ای اعمال کرده است، در این جنبش سنت دوری جستن از انترناسیونالیسم را تقویت کرد. کمونیست‌ها در مقابل سوسیال دموکرات‌ها که در مقطع جنگ جهانی اول، جدایی

از طولانی‌ترین مبارزات صنفی کارگران در سال‌های اخیر ثبت شد و عقابیت نتوانست خواست کارگران را تحقق بخشد. پس از انگلیس، با فاصله کمی آمریکا و آلمان نیز به «انقلاب محافظه کاران» پیوستند. عملاً در همه کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری، برنامه‌های توزیع مجدد ثروت از پایین به بالا به اجرا گذاشته شد.

همزمان با کشورهای پیشرفته، در کشورهای فقیر نیز دولت‌ها نقش مجریان اراده سرمایه بین‌المللی را بر عهده گرفتند. تقریباً همه کشورهای آمریکای لاتین، نسخه‌های صندوق بین‌المللی پول برای «لیبرالیزه کردن» اقتصاد ملی خود را پذیرفتند. در آسیا، «بیرها» برای جلب میزان هر چه بیشتری از سرمایه‌گذاری خارجی، با یکدیگر به رقابت برخاستند. در زیر سر نیزه ژنرال‌های کره جنوبی، اعصاب‌ها سرکوب شد و غول‌هایی مانند هیوندای سر برآوردند. هند گاندی و نهری، به انبساط نیروی کار ارزان شرکت‌های آمریکایی و اروپایی تبدیل شد. در کنار مردمی که هزار هزار در کنار خیابان‌های از گرسنگی و طاعون جان می‌دهند، مهندسان هندی که شاید یک‌دهم دستمزد همکاران آمریکایی خود را می‌گیرند، در پشت موتورهای کامپیوتر مغز خود را به کار می‌اندازند تا سود شرکت‌های آمریکایی ددچندان شود. وارثان مانو در چین، از زن و مرد، کودک و بزرگسال را به کار گرفته‌اند تا لباس ورزشی و اسباب‌بازی با مارک آمریکایی و اروپایی، اما ساخت چین، بازار را قبضه کند.

پایان و به عقب رانده شدن موج به حکومت رسیدن محافظه کاران نیز تغییری در این عصر سدهای حداکثر سرمایه نمی‌دهد. در آمریکا، ریگان و بوش جای خود را به کلیتون و آل گور و در انگلیس، چرچ و میجر جای خود را به بلر داده‌اند، اما در سیاست‌هایی که لازمه این عصر طلایی سرمایه‌داری است، تغییر چندانی داده نشده است. در انگلیس، جناح راست حزب کارگر «بازسازی» حزب را از حذف نفوذ ویژه و نهادی شده اتحادیه‌های کارگری در این حزب آغاز کرد. از نظر تونی بلر، تقسیم احزاب به چپ و راست دیگر قدیمی شده است. «حزب کارگر نو» راهی میان لیبرالیسم و سوسیال دموکراسی را می‌جوید. در آلمان، حزب سوسیال دموکرات گرهارد شرودر را نامزد صدارت عظمی کرده است که به «رفیق رؤسا» معروف است و افتخار می‌کند که صاحبان و مدیران صنایع به او اعتماد دارند. در اسکاندیناوی که زمانی الگوی «سرمایه‌داری با تعهد اجتماعی» بود، احزاب سوسیال دموکرات مجری همان نسخه‌های نئولیبرالیسم‌اند. در ایتالیا، مردم پا رای خود، سیستم فاسد احزاب وابسته به الیگارش‌ی و مافیا را نابود کردند، اما حزب کمونیست به عنوان تنها حزب بزرگی که از این پاکسازی جان سالم به در برد، به حزب سوسیال دموکرات تبدیل شد که شریک ائتلاف مجری قرارداد ماستریخت شده است. قراردادی که به موجب آن دولت‌های اروپایی برای پیوستن به وحدت مالی اروپا باید هزینه‌های دولتی را کاهش دهند و هر تلاشی در این زمینه را با کاستن از بودجه‌های اجتماعی آغاز می‌کنند.

این بکه‌تازی سرمایه‌داری جهانی شده را یک چیز بیش از همه تسهیل می‌کند، و آن این است که در حالی که سرمایه‌داری و محیط فعالیت آن، جهانی شده است و مرزهای ملی نمی‌شناسد، نیروهای مقابل و محدودکننده سرمایه‌داری، و قبل از همه جنبش کارگری، در مرزهای ملی محدود مانده‌اند. امروز اگر اتحادیه فلزکاران آلمان، کارگران کارخانه اتومبیل‌سازی اوپل را برای امنیت شغلی و افزایش دستمزد، دعوت به اعتصاب کند، از جنرال موتورز، شرکت آمریکایی مادر اوپل، پاسخی جز طرحی جدید برای تعطیل تعداد بیشتری از کارخانه‌ها در اروپا نخواهد گرفت. «جهانی شدن» به شمشیر داموکلسی بر فراز سر جنبش کارگری که سنتاً حیطه عمل جغرافیایی دارد، تبدیل شده است. اگر در آلمان، سندیگاما موی دماغ شرکت دایملر - بنز شوند، در آلاباما که از فقیرترین ایالات آمریکاست، به این شرکت زمین مجانی می‌دهد تا کارخانه‌ای جدید بسازد.

همستگی جهانی، شعاری که سرلوحه هر میتینگ اول ماه مه است، در این سال‌های جهانی‌شدن سرمایه، اهمیت روز می‌یابد. سوسیال دموکراسی، که از هنگام انشعاب تاریخی جنبش کارگری به دو جناح انقلابی و

● جنبش کارگری در هر کشور، اگر چه میدان عمل محلی دارد، باید از شعار «جهانی بیاندیش و محلی عمل کن» پیروی کند

● تا هنگامی که «کمونیسم با چهره غیرانسانی» وجود داشت، در غرب چاره‌ای جز «سرمایه‌داری با چهره انسانی» نبود. جنبش کارگری کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری در دهه‌های جنگ سرد، در سایه رقابت دو نظام توانست به برخی دستاوردهای اجتماعی برسد

● اینک، هم تلاش تاریخی کمونیسم برای زنده نگه داشتن مدل مقابل سرمایه‌داری در یک محدوده جغرافیایی و هم اصلاح‌طلبی سوسیال دموکراسی در یک محیط محدود جغرافیایی با شکست مواجه شده است

● جهانی شدن به سبک سرمایه‌داری، پاسخ‌های بین‌المللی می‌طلبد. اگر جنبش‌های اتحادیه‌ای بخواهند جایگاه خود را به مثابه عامل نیرومند و تأثیرگذار در روند تحولات اجتماعی سرمایه‌داری باز یابند، باید مرزهای ملی را بشکنند و بین‌المللی بیاندیشند

● اما معلوم نیست چرا در صدور مدل دموکراسی به شاگردان عقب‌مانده مکتب پلورالیسم، یک بخش لاینفک جامعه کثرت‌گرا که تشکل صنفی و اتحادیه‌ای است، فراموش می‌شود

«زیاده‌خواهی» کردند و گران شدن تولید، باعث شد نرخ سود یک شرکت انتظارات فزاینده تحلیل‌گران بورس‌ها را برآورده نکند، سرمایه چند کیلومتر آن‌سوتر می‌رود و کارخانه‌های فرسوده و از کار افتاده چک و لهستان را به کار می‌گیرد. اگر مردم اروپای شرقی فیلیشان یاد هندوستان کرد و کمونیست‌های سابق را دوباره انتخاب کردند، آسیا هنوز هست. این است جهانی شدنی که رنگ عصر طلایی نوینی برای سرمایه را به صدا درآورده است.

این عصر طلایی در عین حال عصر انحصارات است. روزنامه هاندلسلات ارگان سرمایه‌داری آلمان می‌نویسد: «در گذشته، تولید سریع‌تر از تجارت رشد می‌کرد. سپس، تجارت گوی سبقت را ربود. از چند سال پیش بدین سو، سرمایه‌گذاری‌های مستقیم از تجارت سبقت گرفته‌اند.» این تحلیل که نگارنده آن از مدافعان سرسخت بازار آزاد است، عیناً همان تحلیل لنین از سرمایه‌داری است که مشخصه پیشرفته‌ترین مرحله سرمایه‌داری را چرییدن صدور سرمایه بر صدور کالا می‌دانست. هاندلسلات می‌افزاید: «در گذشته، بازارهای خارجی از طریق سرمایه‌گذاری در محیط خالی گشوده می‌شد، امروز از طریق ادغام‌ها و سهیم‌شدن در مالکیت شرکت‌های دیگر.» اگر کسی نداند که این مقاله هاندلسلات است، گمان می‌کند که دارد یک قطعه‌نامه کمیترن در دهه ۲۰ را می‌خواند: «از ورای مرزها و قاره‌ها، موج عظیم بلعین‌ها ادامه دارد. از این طریق، به گونه‌ای بی‌سابقه مالکیت بر ابزار تولید دچار تحول می‌گردد».

حجم ادغام‌ها و بلعیده شدن شرکت‌ها از سوی شرکت‌های دیگر در سال ۱۹۹۷ به ۱۳۰۰ میلیارد دلار رسید. به ترتیب، آمریکا، آلمان، بریتانیا، ژاپن، فرانسه و سوئیس رده‌های اول تا ششم مسابقه صدور سرمایه و ۶۰ درصد کل سرمایه‌گذاری‌های خارجی را به خود اختصاص داده‌اند. به گزارش سازمان تجارت و توسعه وابسته به سازمان ملل، ۱۰۰ کسرن فراملی بخش اعظم تولید جهانی را در کنترل خود دارند. تا هنگامی که «کمونیسم با چهره غیرانسانی» وجود داشت، در غرب چاره‌ای جز «سرمایه‌داری با چهره انسانی» نبود. جنبش کارگری کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری در دهه‌های جنگ سرد، در سایه رقابت دو نظام توانست به برخی دستاوردهای اجتماعی برسد. در آن سال‌ها، اول ماه مه هر سال، مناسبتی بود برای طرح خواست‌های پیشرفته‌تری در تظاهرات اتحادیه‌ها، از افزایش دستمزد گرفته تا کاهش ساعات کار. خدمات اجتماعی در سایه جنبش پر قدرت کارگری و اتحادیه‌ای، از ابعاد استثمار سرمایه‌داری می‌کاست.

اما اینک سال‌هاست کار جنبش کارگری در اروپا و آمریکای شمالی، جنگ در حین عقب‌نشینی است. «انقلاب محافظه کاران» که در سال ۱۹۷۹ با روی کار آمدن تاجر در انگلیس آغاز شد و با پیروزی غرب در جنگ سرد به اوج خود رسید، دگرگونی جامعه را از حمله به مواضع و دستاوردهای جنبش کارگری آغاز کرد. در نخستین سال‌های حکومت تاجر، دولت انگلیس تصمیم گرفت برای خصوصی کردن و «اقتصادی» کردن معادن زغال سنگ، ده‌ها هزار معدنچی را که ستون فقرات جنبش متشکل کارگری را تشکیل می‌دادند، به صف مستمری بگیران اداره کار اضافه کند. ماه‌ها نبرد اتحادیه معدنچیان با دولت تاجر، به عنوان یکی

اول ماه مه را روز همبستگی جهانی زحمتکش‌ان نام نهاده‌اند. همبستگی جهانی - این درست همان چیزی است که در عصر «جهانی شدن» سرمایه‌داری جنبش کارگری بدان نیاز دارد.

سرمایه‌داری امروز، همان سرمایه‌داری کهنه است، از آن روکه از همان قانونمندی کهنه استثمار پیروی می‌کند. همزمان با آمار فقر و بیکاری، نرخ سهام در بورس‌ها بالا می‌رود. داتو - جونز، شاخص بهای مهم‌ترین سهام مهم‌ترین بازار مالی دنیا، از این رکورد به آن رکورد می‌شاید. تنها در سال ۱۹۹۷، بر ارزش سهام شرکت آمریکایی مایکروسافت، بزرگترین سازنده نرم‌افزار کامپیوتری، ۶۰ درصد افزوده شد و در نتیجه، ۱۰ هزار نفر به ۴۵ میلیارد دلار درآمد رسیدند. ده سال پیش، آمریکا

اروپا نیز از این روند عقب‌مانده است. در حالی که بیکاری به مثابه بیماری مزمن اقتصاد سرمایه‌داری لاینحل مانده است، در حالی که هر روز بر شمار مردمی که به زیر خط فقر رانده می‌شوند اضافه می‌شود، بورس‌های اروپایی نیز به تبعیت از بورس نیویورک، بر موج رونق بی‌سابقه سوارانند. داکس، شاخص بهای مهم‌ترین سهام در بورس فرانکفورت، در سال ۱۹۹۷ به میزان ۵۰ درصد بالا رفت. در حالی که نرخ بیکاری در آلمان نزدیک به رقم بی‌سابقه ۵ میلیون نفر است، اغلب شرکت‌های بزرگ آلمانی، کلان‌ترین نرخ‌های سود خود در سال‌های اخیر را گزارش می‌دهند. دارایی خانواده کوانت، تروتمندترین خانواده آلمان، در عرض دو سال از ۷ به ۱۹ میلیارد مارک رسیده است. در آلمان ۸۵ میلیارد و ۹۵۰ هزار میلیون وجود دارد. هر شرکتی که در اخراج‌های دسته‌جمعی گوی سبقت را از دیگران برآید و گریبان خود را از نیروی کار مازاد خلاص نماید، بر ارزش سهام خود می‌افزاید.

سرمایه‌داری کهنه، در عین حال چهره‌ای جدید دارد، چهره‌ای جهانی. از نظر صاحبان سرمایه، عصر قدرت دولت‌های ملی به سر رسیده است. سرمایه جدید، محیطی فارغ از قید و بندهای دولتی و مابین دولتی می‌خواهد تا هر جا شرایط، سود بیشتری را تضمین کرد، به آنجا کوچ کند. سیاست‌گذاری اقتصادی در این عصر جدید، در حیطه اختیارات دولت‌های ملی نیست، سرمایه، این دولت‌ها را برای وظایفی می‌خواهد که پرداختن بدان برای خود سرمایه، سودبخش نیست: ایجاد زیرساخت ارزان برای حرکت کالا، سرمایه و اطلاعات، بازتولید نیروی کار ارزان و ایفای نقش آتش‌نشانی در مواردی که بحران‌های حاد، امنیت سرمایه را به خطر می‌افکند. خواه بحران‌های سیاسی و نظامی که دولت‌ها باید برای دخالت در آنها نیروی مسلح خود را آماده نگه دارند، خواه بحران‌های مالی و اقتصادی نظیر انفجار اخیر اقتصادهای ملی کشورهای شرق آسیا که برای محدود کردن آثار آن بر روی محیط تولید سود سرمایه، دولت‌ها و نهادهای دولتی - بین‌المللی سرمایه‌داری نظیر صندوق بین‌المللی پول وظیفه یافتند وارد عمل شوند.

«جهانی شدن»، واژدها است که چند سال است برای توضیح همه تحولات سرمایه‌داری جدید به کار می‌رود. از هنگ‌کنگ تا نیویورک، از کارگران متخصص اروپایی تا مهندسان کامپیوتر هندی، همه دست‌اندرکارند تا سود سرمایه به حداکثر برسد. اگر سندیگاما آلمان

روزمره، بدیهی‌ترین اصول دموکراسی است که زیر سؤال می‌رود. رئیس سابق بانک مرکزی آلمان می‌گوید: «امروز برای یک دولت، اعتماد بازارهای بین‌المللی سرمایه حداقل همان قدر اهمیت دارد که اعتماد انتخاب‌کنندگان.» صریح‌تر از این نمی‌توان دموکراسی را به سرخه گرفت.

جنبش کارگری باید ایجاد ابزارها و نهادهای فراملی محدودکننده سرمایه‌داری را در زمره خواست‌های سیاسی خود قرار دهد. یک نمونه: در اغلب کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته، یک نهاد دولتی محدودکننده انحصارات وجود دارد و هنوز عمل می‌کند. مثلاً وزارت دادگستری آمریکا می‌کوشد در برابر تلاش شرکت مایکروسافت برای انحصاری کردن بازار نرم‌افزار کامپیوتری، از منافع سایر شرکت‌های نرم‌افزاری دفاع کند و در این زمینه با مایکروسافت درگیر یک دعوی حقوقی است. اما همین اداره خندانحصار آمریکا، در برابر ادغام بوئینگ و مک‌دانل - داگلاس که انحصار هواپیماسازی ایجاد می‌کند، اقدامی انجام نمی‌دهد و دولت آمریکا حتی این ادغام را برای رقابت مؤثرتر با کنسرسیوم اروپایی ایرباس تشویق می‌کند. در اینجا از نظر دولت آمریکا منافع انحصاری سرمایه آمریکایی بر منافع ضدانحصاری جامعه آمریکا رجحان دارد. زیر پوشش «منافع ملی» بر قدرت انحصارات افزوده می‌شود.

همین پیروی از «منافع ملی» است که نهادهای محدود به یک کشور و کل دولت ملی را از تبدیل شدن به ابزاری برای محدود کردن سرمایه باز می‌دارد. در گذشته که محیط عمل سرمایه‌داری، عمدتاً یک کشور بود، جنبش کارگری می‌توانست با طرح خواست‌های خود در مبارزه سیاسی، با به محک گذاشتن احزاب از طریق خواست‌های مشخص، بر روند سیاست‌گذاری اقتصادی و اجتماعی تأثیر بگذارد. امروز که محیط عمل سرمایه‌داری جهانی شده است، ابزارهای ملی به عنوان کانال‌های بالقوه تأثیرگذاری جنبش کارگری، کارایی خود را از دست داده‌اند. جنبش کارگری در مبارزه سیاسی، با به محک گذاشتن احزاب از طریق خواست‌های مشخص، بر روند سیاست‌گذاری اقتصادی و اجتماعی تأثیر بگذارد. امروز که محیط عمل سرمایه‌داری جهانی شده است، ابزارهای ملی به عنوان کانال‌های بالقوه تأثیرگذاری جنبش کارگری، کارایی خود را از دست داده‌اند. جنبش کارگری در مبارزه برای ایجاد ابزارهای فراملی مبارزه کند. مبارزه برای ایجاد ابزارهای فراملی، باید خود مبارزه‌ای فراملی باشد.

هستند کسانی که این چشم‌انداز را برای جنبش کارگری غیرممکن می‌دانند و مدعی‌اند منافع کارگر ایرانی بیشتر به منافع سرمایه‌دار ایرانی نزدیک است تا منافع کارگر اروپایی. شرایط امروز جهان مانند رقابت دولت‌های مختلف با یکدیگر برای جلب سهم هر چه بیشتری از سرمایه جهانی، ظاهراً چنین ادعاهایی را تأیید می‌کند. اما تسلیم شدن به واقعیت امروز که گسستگی ملی جنبش کارگری است، به معنای تسلیم ابدی جنبش کارگری نه تنها به منافع سرمایه محلی، که به منافع سرمایه بین‌المللی است. جنبش کارگری در هر کشور، اگر چه میدان عمل محلی دارد، باید از شعار «جهانی بیاندیش و محلی عمل کن» پیروی کند. این، لازمه انطباق استراتژی جنبش کارگری با مقتضیات شرایط جدید ناشی از روند جهانی شدن سرمایه است.

این ویژه‌نامه با همکاری صمیمانه رفیق صادق کارگر تهیه شده است.

